

## محرم از نگاه تاریخ و تصویر

موسی حقانی

لَسْلَامٌ عَلَيَّ مِنْ بَكْتِهٖ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ

درود بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند

(زیارت ناحیه مقدسه)

حماسه کربلا رخدادی بزرگ و استثنایی در تاریخ بشریت محسوب می‌شود که برخلاف سایر وقایع، بهرغم گذشت زمان همواره بر عظمت آن افزوده می‌شود. هنوز هم دیدگان کثیری از انسان‌ها اعم از شیعیان و معتقدان سایر فرق اسلامی و پیروان سایر مذاهب و شیفتگان آزادی و آزادگی به یاد شهادت سرور آزادگان به اشک می‌نشینند. حال آنکه بزرگ‌ترین وقایع ناگوار اعم از مصائب شخصی نظیر از دست دادن نزدیکان و عزیزان و یا رویدادهای بزرگ اجتماعی و جهانی با گذشت زمان به فراموشی سپرده می‌شود. راز ماندگاری واقعه کربلا و قهرمانان آن در اذهان و قلوب انسان‌ها در خلال سالیان درازی که بر آن گذشته - هزار و سیصد و شصت و دو سال - را علاوه بر حقانیت راه و اعتقاد قهرمانان آن حماسه بزرگ، شهادت مظلومانه شیران بیشه توحید و سعیت و رذالت دشمن در منکوب کردن ندای حق طلبانه حسین بن علی (ع)، باید در تبدیل شدن عاشورا و کربلا به یک شعار دینی و انسانی جست و جو کرد.

هر واقعه‌ای که صورت شعار و شعائر\* به خود گرفت ماندگار گردید و گرد گذشت زمان نتوانست پرده فراموشی بر آن بیفکند. شعار و شعائر در حکم پوسته و محافظ مغز و جوهر هر آیین و مکتبی است که در صورت آسیب دیدن و احیاناً از بین رفتن منجر به

\* شعائر، جمع شعیره به معنی نمود، نشانه، آیت و علامت است، و شعائر مذهبی در حکم جلوه ظاهر و وجهه علنی دینی می‌باشد که نگهدارنده باطن و جوهر دین است. برای اطلاع بیشتر در خصوص شعائر رجوع کنید به: علی ابوالحسنی، تراژسیاست، قم، دفتر خانه کنگره بزرگداشت دویستمین سالگرد میلاد شیخ اعظم انصاری

فساد و از بین رفتن مغز و محتوا می‌شود. به همین دلیل در قرآن کریم بر تعظیم و تکریم شعائر تأکید شده و آن را نتیجه تقوی و پاکی دل‌ها شمرده است. (سوره مبارکه حج، آیه ۳۲) همچنین خداوند کریم با مشخص کردن برخی امور به عنوان شعائر الهی ضمن تضمین جاودانگی دین، وقایع مهم تاریخی را نیز از خطر فراموشی مصون داشته است. سعی صفا و مروه که حکایت تلاش زنی تنها یعنی هاجر برای یافتن آب جهت سیراب نمودن فرزندش اسماعیل (ع) بود به اشاره خداوند شعار میلیون‌ها سپید جامه‌ای می‌شود که همچون هاجر سعی (هروله) می‌کنند تا به زمزم حیات‌بخش و مُطَهِّر شریعت پاک الهی دست یابند. (إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ - سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۸) هروله حاجیان، هم متضمن نکوداشت یاد هاجر و اسماعیل (ع) و آن واقعه تاریخی است و هم تلاشی است برای رسیدن زائران کوی دوست به سرچشمه پاکی‌ها.

باری تبدیل شدن حماسه کربلا با جوهره‌ای الهی و توأم با قداست، معنویت و رشادت و عشق و شجاعت به شعار اسلامی، ضمن زنده نگه داشتن مکتب و یاد آن شجاعان و رشادت‌هایشان انگیزه‌ای شد برای انقلاب مکرر بر علیه ظلم و بیداد در بین مسلمین و حتی غیرمسلمین. آری تعظیم و تکریم شعائر حسینی باعث شد پیام عاشورا تمامی مرزهای طبیعی، معنوی و اعتقادی را در نوردد و حسین (ع) به اسطوره‌ای برای تمامی انسان‌ها تبدیل شود، به نحوی که مهاتما گاندی رهبر فقید هندوستان قیام خود را متأثر از قیام سیدالشهدا حسین بن علی (ع) معرفی می‌نماید.

آشنایی گاندی با قیام عاشورا و مکتب حسینی طبعاً برای اولین بار از طریق مشاهده تکریم شعائر حسینی در قالب دسته‌های عزاداری میسر شده بود. گاندی که خود تحت تأثیر ایثار و از خودگذشتگی پیامبر و خاندان پاک او اشکها ریخته بود<sup>۱</sup> می‌گوید: «من برای مردم هند چیز تازه‌ای نیاورده‌ام فقط نتیجه‌ای را که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده‌ام ارمان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همان راهی را بیماییم که حسین بن علی پیمود.»<sup>۲</sup> مسیو «ماربین» آلمانی در رساله انقلاب بزرگ یا سیاست الحسینه در این زمینه می‌نویسد:

عزاداری حسین [ع] یکصد سال پیش نیست که در هندوستان شیوع تامه یافته و علنی شده است در این قلیل زمان از این سر تا آن سر هند را احاطه کرده و چنان دیده می‌شود که همه روزه در از دیاد است. بعض مورخین ما از کمیت و کیفیت این رسم و رواج آن واقف نبوده بی‌اطلاعانه سخن رانده وضع ماتم‌داری پیروان حسین را مجنونانه می‌نگارند و ایداً پی نبرده‌اند که این مسئله در اسلام چه تغییر و تبدیلات

۱. علی ابوالحسنی. مهاتما گاندی، همدلی با اسلام، همراهی با مسلمین. تهران: نشر عبرت، ۱۳۷۷، ص ۲۹۶.

۲. همان، ص ۳۰۵.

داده، حس پلنتیکی [سیاسی] یا جنبش و هیجان مذهبی که از تعزیه‌داری در این قوم پیدا شده در هیچ قوم پیدا نمی‌شود... نگارنده [مسیو مازین] صیانت قانون محمد(ص) و ترقی مسلمین و نزاکت اسلام را از کشته شدن حسین[ع] و بروز آن واقعات می‌دانم. همین قسم دماغ پلنتیکی [شم سیاسی] و حس رولیسونی [انقلابیگری] (که ندادن تن به زیر بار ظلم و ستم باشد و نزد حکمای سیاسی شریف‌ترین شعار و نیکوترین سعادات و صفات ممدوحه هر انسانی است) در این قوم به واسطه عزاداری حسین[ع] پیدا شده و تا وقتی که این عمل را ملکه خود داشته باشند پستی و زیردستی را قبول نتوانند کرد. قدری باید باریک شد که در مجالس عزاداری حسین[ع] که منعقد می‌شود چه نکات دقیق حیات‌بخش به یکدیگر می‌شنوند و در معنی می‌آموزند. نگارنده چند نوبت که ذکر مصائب حسین می‌شد در اسلامبول با مترجم مخصوص رفته، شنیدم می‌گویند (حسین که امام و پیشوای ما بود و اطاعت و پیروی‌اش بر ما واجب است، زیر بار زیادتی و زیردستی یزید نرفت و برای حفظ شرف و علو حسب و بزرگی مقام خود مال داد، جان داد، اولاد داد، عیال داد...) از آن بعد دیده و دانستم که در متن واقع علناً به یکدیگر تعلیم می‌دهند که اگر پیروی از حسین دارید، اگر شرف دارید، اگر حس سیادت‌جویی و جنبه افتخار دارید، شما هم نباید زیردستی از یزیدان نوعی اختیار کرده بار ظلم بکشید... مسلم است قومی را که از مهد تا لحد این‌گونه تعلیمات داده شود دارای چه ملکات عظیمه و سجایای عالیه توانست گردید. دارای همه‌گونه سعادت و شرافت خواهند شد. همه سرباز حقیقی عزت قومی و افتخار نوعی خود خواهند بود.<sup>۳</sup>

دکتر جوزف فرانسوی نیز با تأکید بر تأثیر عزاداری در ترویج تشیع و روحیه مبارزه با ظلم و ستم بر گسترش تشیع در هند از طریق عزاداری اشاره می‌نماید.<sup>۴</sup> نگاهی به نقش عاشورا و محرم در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که اغلب قیامهای ضداستبدادی و ضداستعماری الهام گرفته از قیام عاشورا بوده و محافل عزاداری خامس آل عباس(ع) نقش مهمی در تهییج و سازماندهی مردم در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی معاصر داشته است. همین موضوع باعث شد استعمارگران به منظور از بین بردن اسلام، به عنوان یگانه سدی که مانع از کامیابی کفر و بی‌بند و باری بر جهان و سلطه بیگانگان بر جوامع انسانی و اسلامی است، شعائر اسلامی را از ابعاد فرهنگی، سیاسی و نظامی مورد تهاجم قرار

۳. سیاست الحسینه یا رولیسون کبیر. تهران، کانون انتشار، ۱۳۵۷. ص ۴۲-۴۹.

۴. همان، ص ۵۳ و ۵۸.

دهند. هجوم منورالفکرانی نظیر میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده به مقوله عزاداری و تبلیغات گسترده و هابیان، بایان و بهاییان بر علیه مفاهیم و مقدسات دینی شیعیان و سایر مسلمانان، اقدامات و تبلیغات وهابی مآبانه احمد کسروی، شریعت سنگلجی، سید اسدالله خرقانی، کودتای رضاخان، و در پی آن استقرار دیکتاتوری نظامی و تلاش وی برای نابودی شعائر دینی و... همگی در راستای اهداف استعماری بیگانگان معنی و مفهوم پیدا می‌کند که سعی داشته و دارند با از بین بردن شعائر حسینی که از جمله مهم‌ترین شعائر دینی است روح مقاومت و عزت‌طلبی را در بین مسلمین نابود ساخته و زمینه‌های تسلیم مطلق سرزمین‌های اسلامی را فراهم سازند. انقلاب اسلامی، مقاومت اسلامی لبنان و انتفاضه فلسطین، نشان داد به‌رغم تمامی ترفندهای قدرت‌های استکباری و استعمارگران، روحیه شهادت‌طلبی و مقاومت اسلامی در بین مسلمین نه تنها زایل نشده، بلکه روزبه‌روز با الهام گرفتن از قیام عاشورا رو به فزونی است. و این مهم‌به دست نیامده مگر با تعظیم شعائر دینی و از آن جمله شعائر حسینی. با توجه به اهمیت عاشورا در بازسازی معنوی جوامع بشری و رهنمون شدن انسان‌ها به عزت و عدالت و توحید، بایسته است که با ترویج و تعظیم و تبیین شعائر حسینی گام‌های ارزشمندی در راستای زمینه‌سازی ظهور منجی موعود و منتقم خون شهیدان که او نیز مرتبه‌خوان و عزادار حسین (ع) است، برداریم. در این شماره مروری اجمالی از نگاه تاریخ و تصویر بر سنت عزاداری و جایگاه تاریخی آن داریم.

### پیشینه تاریخی عزاداری برای شهدای کربلا

اقامه عزا برای شهدای کربلاء و سیدشهیدان حسین بن علی (ع) قدمتی دیرینه دارد. قدمتی به وسعت تاریخ عاشورا. در هنگامه شهادت میوه دل و نورچشم رسول خدا(ص)، آسمان و ساکنان قدسی آن اشک ریختند. در زمین نیز غوغایی به پا بود. هیچ چشمی را یارای دیدن آن صحنه نبود:

وَالشَّمْرُ جَالِسٌ هَلِي صَدْرِكَ،  
وَمَوْلِعٌ سَيْفُهُ هَلِي حَنْجَرِكَ،  
قَابِضٌ هَلِي شَيْبَتِكَ بَيْدَهُ، ذَابِحٌ لَكَ هَيْهَنْدَهُ...

(زیارت ناحیه مقدسه)

شمر بر سینه محبوبترین خلق خدا نشسته بود، و شمشیر تشنه خود را بر گلوی تشنه‌تر سید جوانان بهشت نهاده و با دست دیگر چنگ در محاسن خونین او زده و با شمشیر تیز گلوی او را می‌برید. و حسین(ع) آهسته چون آب ترنم می‌کرد:

### حِجْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ هُوَ سَبِيلِ اللَّهِ وَ حَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ

و شمر شمشیر خود را بر پشت گردن حسین (ع) می‌کشید. زمین می‌لرزید، آسمان می‌گریست و خواهری صبور و غیور با چشمانی اشکبار به نظاره بزرگ‌ترین جنایت قابیلیان ایستاده بود. هلال ابن نافع که در گودال قتلگاه ناظر آخرین لحظات حیات امام حسین (ع) بود می‌گوید:

لَقَدْ شَغَطَى نُوْرُ وَجْهِهِ

وَ جَمَالَ هَيْبَتِهِ

عَنِ الشَّفَكِ هُوَ أَمْرِهِ أَوْ قَتْلِهِ

روی درخشان و صورت باوقار حسین (ع) در قتلگاه چنان توجهم را به خود جلب کرد که از اندیشیدن درباره کار او و قتلش بازماندم. و حسین (ع) به عمق آسمان نگریست و سرود بندگی و توحید و رضا سر داد:

طَلَمِي رَضًا بِقَضَائِكَ،

لَا إِلَهَ خَيْرُكَ،

يَا غِيَاثَ طَلَسْتُ خَيْرِي

«محبوب خداوند، راضی‌ام بر مشیت‌ات، که غیر تو معبودی نیست، ای فریادرس درماندگان...»  
و شمر با سری نورانی از قتلگاه خارج شد.

زینب (س) و اهل حرم اباعبدالله (ع) را می‌توان از اولین نوحه‌گران این واقعه دانست.  
زینب (س) سوگوارانه سرود:

هَذَا حَهْمِيُّ بِالْقَرَاءِ،

صَرِيحُ يَكْرِبَلَا،

يَجْرُوزُ الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا،

مَسْلُوبُ الْقِيَامَةِ وَالرَّدَاءِ...

این حسین است که در زمین کربلا در خون غوطه‌ور است و سرش با زجر از پشت بریده شده و عمامه و لباسش به غارت رفته است.

سکینه (س) نیز دردمندانه خطاب به رسول خدا گفت:

وَلِلْمُحَمَّدَاةِ! هَذَا الْمُحْصَيْنُ مُنْزَعُ الرُّوحِ وَ الْحَشَا،

وَلِلْمُحَمَّدَاةِ! هَذَا الْمُحْصَيْنُ مُعَقَّرُ بَدْمِيهِ فِي أَرْضِ كَرْبَلَا وَ جِسْمُهُ بِالْقَرَاءِ،

هَذَا الْمُحْصَيْنُ يَدْنُهُ بِأَرْضِيَّةٍ وَ رَأْسُهُ بِأُخْرَى

ای پیامبر این حسین توست که روح از تنش بیرون شده، قلبش از حرکت افتاده است، ای پیامبر این

حسین توست که پیکرش در زمین کربلا به خون آغشته و برهنه روی خاک افتاده است، این حسین است که بدنش روی خاک و سرش بر نیزه بالا رفته است...

پس از حرکت کاروان اسیران، نوحه‌گران دیگری از راه رسیدند، قبیله بنی اسد به سرزنان به قتلگاه آمده و بدن مطهر شهداء را به خاک سپردند. کوفیان نیز با آن همه شقاوت وقتی از عطش کشتن و غارت سیراب شدند، با اندکی تأمل و دیدن سرهای شهدا که طلا به دار کاروان نورانی اسرا بود گریستند!

در یکی از منازلی که اسرای کربلا در آن توقف کرده بودند راهبی مسیحی وقتی متوجه نورانیت سر بریده حسین(ع) شد و از ماجرای کربلا اطلاع یافت ضمن شماتت کوفیان از رفتاری که با فرزند پیامبر خود داشتند در ازای پرداخت سیم و زر سر مبارک امام را شبی در اختیار گرفت و پس از شست و شوی آن سر مبارک تا صبح بر آن گریست. نخستین زائران قبر حسین(ع) جابر ابن عبدالله انصاری و عطیه بن سعد بن جناده بودند که به روایتی در اولین اربعین امام به کربلا رسیدند، جابر که نابینا بود، از عطیه خواست که دست او را بر روی قبر حسین(ع) بگذارد و چون دستش به قبر رسید بیهوش شد و پس از به هوش آمدن با چشمانی اشکبار با سید شهیدان و شهدای کربلا به گفت‌وگو نشست:

السلام علیکم یا آل الله،

السلام علیکم یا لیوث الغابات

السلام علیکم یا سفن النجاة...

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای شیران یشه، سلام بر شما ای کشتی‌های نجات... پس از خاتمه یافتن ماجرای اسارت، بازماندگان آن واقعه بزرگ و امامان بزرگوار همواره با ذکر واقعه کربلا، شیعیان را به برپایی مجالس عزای تسویق می‌نمودند. سیره و منش سراینده زیور آل محمد(ص)؛ سیدالسااجدین(ع) که خود از بازماندگان آن حماسه باشکوه بود؛ تداوم بخش اقامه عزای شهدای کربلا بود.

آورده‌اند، آن بزرگوار هر وقت کودک خردسالی را می‌دید می‌گریست و با مشاهده آب، سیلاب اشک از دیدگان مبارکش جاری می‌گشت. پس از او نیز در محضر امامان شیعه مراسم عزای حسینی برپا می‌شد، کمیت در نزد امام باقر(ع) مرثیه‌سرایی می‌کرد و امام می‌گریست، ابوهارون مکفوف و دیگران در نزد امام صادق(ع) و دعیل خزاعی در نزد امام رضا(ع) مرثیه‌سرایی می‌کردند. ربابه خاتون، همسر گرامی امام حسین(ع) و مادر علی اصغر(ع) یک سال پس از واقعه کربلا زیست و در تمام این مدت بر شهادت امام و همسر خود گریست. به روایتی آن بزرگوار پس از اسارت به کربلا بازگشت و یک

سال بر مزار حسین (ع) گریست<sup>۵</sup> و با همین غم درگذشت. نوحه سرایی ام‌البنین مادر گرامی سردار کربلا عباس بن علی (ع) که علاوه بر داغ امام خود حسین بن علی (ع) بر داغ چهار فرزند و نوادگان شهیدش در کربلا می‌گریست، سال‌ها در خاطر اهل مدینه مانده بود و سنگدل‌ترین افراد را نیز متأثر می‌ساخت. هر جا جماعتی شیعه زندگی می‌کردند، در ایام محرم به‌رغم تزیینات موجود به عزاداری می‌پرداختند. در مصر حتی قبیل از روی کار آمدن خلفای فاطمی، شیعیان در روز عاشورا در دو زیارتگاه به نام کلثوم و نفیسه گرد می‌آمدند و عزاداری می‌کردند.<sup>۶</sup>

در سال ۳۵۳ قمری هنگام تسلط آل بویه بر بغداد، معزالدوله بویه‌ی روز عاشورا را تعطیل کرد و این روز را روز عزا اعلام نمود. مردم با پوشیدن لباس عزا در دسته‌های مختلف به عزاداری پرداختند. زنان نیز موی‌کنان و مویه‌کنان در حالی که با دست بر صورت خود می‌نواختند عزاداری کردند.<sup>۷</sup>

در سالهای بعد نیز این مراسم با آن مزاحمت‌های خونینی که برای شیعیان به وجود می‌آمد انجام می‌شد. ابن‌اثیر ذیل حوادث سال ۳۵۸ ق آورده است: «در این سال در دهم محرم اهالی بغداد طبق عادت سالیانه خود بازارها را تعطیل کرده و به نوحه‌خوانی و برپایی ماتم برای حسین بن علی (ع) پرداختند.»<sup>۸</sup> برپایی مراسم عزاداری در ماه محرم در سال‌های بعد نیز در بغداد انجام می‌شد. در سال ۳۶۳ ق بر اثر مخالفت ساکنان غیرشیعی بغداد با انجام مراسم عزاداری، درگیری بزرگی در گرفت. در این سال معزالدوله بختیار نوحه‌خوانی و عزاداری بر امام حسین (ع) را مجدداً اعاده کرد.<sup>۹</sup> در همین سال در مصر تحت حاکمیت خلفای فاطمی، شیعیان در مقبره کلثوم و نفیسه گرد آمدند و به عزاداری بر حسین (ع) پرداختند. در طول دوره حاکمیت فاطمیون بر مصر مراسم عزاداری در عاشورا برپا می‌شد و مردم در دسته‌های مختلف به مسجد جامع قاهره رفته به عزاداری و نوحه‌خوانی می‌پرداختند.<sup>۱۰</sup>

در سال ۳۹۳ ق فرمانده لشکر مستقر در بغداد اهالی کرخ را از نوحه‌خوانی در مشاهد منع کرد اما در سال ۴۰۲ ق این منع برداشته شد.<sup>۱۱</sup> در سوم محرم سال ۴۰۶ ق نزاع بین

۵. ابن‌اثیر، الکامل فی‌التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۳، ص ۳۰۰.

۶. نقی‌الدین المقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، آبی‌جا، آبی‌جا، ج ۲، ص ۴۳۰.

۷. ابن‌اثیر، الکامل فی‌التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۷، ص ۷. ابوالفرج بن الجوزی، المنتظم، به کوشش محمد عبدالقادر عطا - مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

۸. ابن‌اثیر، همان، ص ۳۵.

۹. ابن‌اثیر، همان، ص ۵۹. ابن‌الجوزی، همان، ص ۱۶۲. المقریزی، همان، صص ۲۳۰-۲۳۲.

۱۰. المقریزی، همان، ص ۴۳۲. ۱۱. ابن‌الجوزی، المنتظم، ج ۱۵، ص ۳۷ و ۸۲.

شیعیان و مخالفان در کرخ در گرفت. در محرم سال ۴۰۷ ق شیعیان را در افریقا قتل عام کردند، شهرهای آنها غارت و اجساد کشتگان سوزانیده شد.<sup>۱۲</sup> در ربیع الاول همین سال حرم سیدالشهدا (ع) آتش گرفت، مورخین علت آتش سوزی را سقوط شمع‌هایی ذکر کرده‌اند که زائرین و عزاداران در حرم روشن کرده بودند.<sup>۱۳</sup>

در سال ۴۲۱ ق در شب عاشورا اهالی کرخ بازارها را بستند و مجدداً عزاداری را به شکل سابق برپا کردند،<sup>۱۴</sup> ظاهراً در خلال این سالها امکان برگزاری مراسم عمومی عزاداری برای شیعیان وجود نداشت. در محرم ۴۲۳ ق نیز عزاداری عمومی و آشکار در کرخ برگزار شد.<sup>۱۵</sup>

با وجود درگیریها و تضییقاتی که وجود داشت، گزارشهای تاریخی حاکی از آن است که شیعیان از اقامه عزا برای سیدالشهدا (ع) دست برنداشتند. به گزارش ابن الجوزی در سال ۴۵۸ ق اهل کرخ در روز عاشورا بازارها را تعطیل کردند و همانند قدیم بر حسین (ع) نوحه خواندند.<sup>۱۶</sup>

با افول قدرت سلسله ایرانی آل بویه و غلبه حکومت‌های غیرشیعی، اوضاع بر شیعیان سخت شد. سخت‌گیری حاکمان غیرشیعی که با تعلیمات امثال ابن تیمیه و ابن کثیر عزاداری بر امام حسین (ع) را بدعت می‌شمردند کار را بر شیعیان در عراق، ایران، مصر، شامات، مشکل کرد با این همه نه تنها سنت عزاداری بین شیعیان حفظ شد بلکه در بین سنیان معتدل نیز رواجی شایان توجه یافت. موفق بن احمد خوارزمی حنفی، خطیب معروف خوارزم در نیمه نخست قرن ششم بود که کتاب مقتل الحسین را نوشت، عبدالجلیل رازی نیز در کتاب نقض، شرح کاملی از عزاداری اهل سنت در قرن ششم هجری قمری برای امام حسین (ع) ارائه می‌نماید و می‌نویسد: «مراثی شهدای کربلا که اصحاب بوحنیفه و شافعی را هست، بی‌عدد و بی‌نهایت است». در بین حنابله نیز منقبت و مدح آل رسول (ص) جایگاه ویژه‌ای دارد. در قرن ششم ق با توجه به آشکار شدن خط اعتدال در بین اهل سنت، مشاهده می‌شود نزاع بین شیعیان و اهل سنت در بغداد فروکش می‌کند. در این زمان دو واعظ معروف بغداد که هر دو از اهل سنت بودند برای اباعبدالله (ع) روضه خوانی می‌کردند. یکی از آنان علی بن حسین غزنوی حنفی بود و دیگری امیر عبادی که ابن الجوزی گزارشهایی از منبرهای او ارائه می‌کند.<sup>۱۷</sup> تألیف کتاب روضه‌الشهداء در عصر حاکمیت تیموری بر خراسان توسط ملاحسین واعظ کاشفی

۱۲. ابن اثیر. همان ص ۲۹۴ و ۲۹۵. ۱۳. ابن الجوزی. المنتظم. ج ۵، ص ۱۱۱ و ۱۲۰. ابن اثیر. همان، ص ۲۹۵.

۱۴. ابن الجوزی. همان، ص ۲۰۴ و ۲۲۲.

۱۵. ابن الجوزی. همان، ص ۲۰۴ و ۲۲۲. ۱۶. ابن الجوزی. همان، ج ۱۶، ص ۹۴.

۱۷. رسول جعفریان. تأملی در نهضت عاشورا. قم، انتشارات انصاریان، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۷۸ و ۲۹۰-۲۸۷.



نیز خود دلیل گویای دیگری بر این مدعاست.

با تأسیس حکومت شیعی مذهب صفوی در ایران، امکان عرض ارادت به خاندان عصمت و طهارت به شکل بایسته فراهم شد. این امر بر آیین سوگواری محرم تأثیر فراوانی گذاشت. گزارشهای تاریخی حاکی از برگزاری شکوهمند عزاداری در ایران عصر صفوی است. در همین دوره روضه‌خوانی و به عبارت دیگر خواندن کتاب روضه‌الشهداء باب شد و بخشی از مراسم عزاداری گردید و از طریق ایران به شبه قاره هند و آناتولی و شامات و بین‌النهرین نفوذ یافت. سقوط صفویه و روی کار آمدن افغانه در ایران مجدداً از رونق عزاداری در ایران کاست و شیعیان را با سختی و مشقت مواجه کرد. این مشقت در دوره نادر نیز به جهت سیاست مذهبی خاص او ادامه یافت. تا اینکه با ظهور سلسله قاجاریه در ایران عزاداری شکوه و اهمیت خود را بازیافت که به شرح آن خواهیم پرداخت. رشد جریانهای غربگرا در ایران عصر ناصری و مظفری و غلبه آنها بر جریانهای اصول‌گرای مشروطیت در دوران نهضت مشروطیت مجدداً موجب کاهش رونق عزاداری در ایران شد. اما به‌رغم این امر از مشروطیت تا آغاز اقدامات مخرب و ضددینی رضاشاه کماکان مراسم عمومی عزاداری در کشور برگزار می‌شد. با آشکار شدن مقاصد ضددینی و ضدملی رضاشاه عزاداری و اجرای مراسم مذهبی ممنوع گردید. این دوره سخت با تبعید دیکتاتور پایان پذیرفت و جریانات مذهبی توانستند با گرم کردن محافل دینی رونق تازه‌ای به اجرای مراسم عزاداری محرم در ایران بدهند. با قدرت گرفتن محمدرضا پهلوی، وی ابتدا برخلاف پدر به مخالفت آشکار با مذهب و مراسم مذهبی پرداخت اما در پی تحولات سیاسی، اجتماعی ایران در دهه چهل و پنجاه شمسی سخت‌گیرها و اقدامات ضد دینی وی نیز افزایش یافت. سرنوشت او نیز مانند پدر سقوط و فرار از کشور بود. باید متذکر شد که مردم با وجود سخت‌گیری حکومت‌ها، در حد مقدورات خود ولو به شکل مخفیانه در اقامه عزای حسین(ع) تلاش می‌کردند.

### تقارن نوروز و عاشورا در تاریخ ایران

تقریباً هر ۳۳ یا ۳۴ سال یک بار آغاز سال قمری با نوروز و آغاز سال شمسی ایرانی مقارن می‌شود. صرف‌نظر از عملکرد حکومت‌ها؛ عامه مردم در زمان تقارن محرم‌الحرام با نوروز باستانی، حرمت نگه داشته و به عزاداری سالار شهیدان پرداخته‌اند. در دوره شاه‌عباس صفوی سال ۱۰۲۰ق نوروز با ششم محرم‌الحرام مصادف شد. در این سال به گزارش اسکندر بیک ترکمان شاه عید نگرفت و به عزاداری پرداخت: «ابوالمظفر شاه عباس بهادرخان... در دارالسلطنه اصفهان... نزول اجلال داشتند و به

جهت ایام عاشورا که شیعیان و موالیان اهل بیت در تعزیه سیدالشهدا خامس آل عبا لباس سوگواری پوشیده‌اند و ملال بر ضمائر مستولی بود به لوازم نوروز و جشن و سرور آن روز فیروز قیام نمودند و زبان حال صغیر و کبیر و برنا و پیر در آن ایام ملالت فرجام به مضمون این مقال که افصح الشعراء المتأخرین محتشم کاشی در مرثیه آن حضرت القاء نموده مترنم بود:

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده<sup>۱۸</sup> وز کین چهار دین ستم آباد کرده...<sup>۱۸</sup>

برخی از نویسندگان مدعی هستند که شاه‌عباس صفوی به هیچ قیمت از جشن نوروزی منصرف نمی‌شد. نصرالله فلسفی در این خصوص می‌نویسد: «شاه‌عباس به جشن نوروز چندان علاقه‌مند بود که هرگز به سبب تضاد این عید با ایام عزای عاشورا از چراغان و آیین‌بندی و شادی و نشاط چشم نمی‌پوشید.»<sup>۱۹</sup> فلسفی برای اثبات این مدعا به سال ۱۰۲۰ق اشاره می‌کند، در حالی که بر اساس منابع آن دوره در ایام عزای عاشورا شاه مشغول عزاداری بوده است. وی همچنین سال ۱۰۱۸ق را به عنوان شاهد دیگر خود می‌آورد و می‌نویسد: «از آن جمله در سال ۱۰۱۸ق، با آنکه جشن فروردین مصادف با ماه محرم بود، به فرمان شاه هفت شبانه‌روز جشن نوروزی گرفتند، و بر سرپل، گلریزان کردند و چون مردم اصفهان در چراغان و آیین‌بندی هنرنمایی بسیار کرده بودند، شاه مبلغ پانصد تومان از مالیات آن سال را به ایشان بخشید.»<sup>۲۰</sup>

فلسفی اشاره نمی‌کند که اول فروردین ۹۸۸ شمسی مصادف با ۱۴ ذیحجه ۱۰۱۷ق بوده، بنابراین اول محرم ۱۰۱۸ق مصادف با ۱۷ فروردین ۹۸۸ شمسی است، یعنی شاه برای برپایی جشن نوروزی نیمه‌دوم ذیحجه را فرصت داشته است. به گزارش منجم یزدی در سیزدهم ربیع‌الآخر جشنی در چهارباغ و مراسم آبریزان یا آب‌پاشان برگزار شد.<sup>۲۱</sup>

منجم یزدی در خصوص محرم ۱۰۱۸ می‌نویسد: محرم این سال هفدهم فروردین‌ماه جلالی تخاقوی‌نیل بود. شب اولش حکیم محمدقاسم جیلانی را با غلامش زخم زدند و روز دوازدهم ابتدای جشن و چراغان باغ نقش جهان نمودند و یازده شبانه‌روز این صحبت بود... و حضرت شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی «علی بیخشد» ماده تاریخ پیدا کرده است.<sup>۲۲</sup> از نوشته منجم یزدی به خوبی برمی‌آید که هفدهم فروردین مصادف با

۱۸. اسکندر یک ترکمان. تاریخ عالم آرای عباسی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵. نیمه دوم، ج دوم، ص ۸۲۹.

۱۹. نصرالله فلسفی. زندگانی شاه‌عباس اول. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷. ج ۲، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲۰. نصرالله فلسفی. زندگانی شاه‌عباس اول. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷. ج ۲، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲۱. ملا جلال‌الدین منجم. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران، انتشارات وحید،

۱۳۶۶. ص ۳۶۲-۳۶۳. ۲۲. همان، ص ۳۶۰.

اول محرم بوده و بنابراین جشن نوروزی موردی نداشته است که بعد از دوازدهم محرم برگزار گردد. احتمالاً جشن بعد از دوازدهم محرم - در صورت صحت این خبر - به علت دیگری منعقد گردیده است. ماده تاریخ «علی بیخشد» نیز، که شیخ بهایی آن را ساخته، باتوجه به این قرائن به نظر نمی‌رسد مربوط به عدم رعایت حرمت ماه محرم و عاشورا به دلیل تقارن با جشن نوروزی باشد. در خصوص تاریخ عباسی اثر منجم بزدی نیز باید ذکر شود که این کتاب از روی دو نسخه که در دوره قاجار استنساخ کرده‌اند تهیه شده و به گفته مصحح آن هر دو نسخه موجود پرغلط و مغشوش می‌باشد. لازم به یادآوری است که شاه‌عباس حتی در سفرهای جنگی نیز دست از برپایی عزا و ماتم بر سالار شهیدان بر نمی‌داشت. در سال ۱۰۱۳ قمری زمانی که سپاهیان ایران قلعه ایروان را در محاصره داشتند در شب عاشورا مراسم عزاداری در سپاه ایران برقرار شد، فریاد و فغان عزاداران به نظر افراد قلعه بانگ حمله آمد. لذا از ترس تسلیم شدند و حکمران ایروان خون بناحق ریخته حسین (ع) را شفیع قرار داد و نجات پیدا کرد.<sup>۲۳</sup>

سی و سه سال بعد یعنی در ۱۱۵۳ق در دوره نادرشاه افشار مجدداً این تقارن رخ داد و نادر که در اردوی جنگی به منظور سرکوبی لکزیه و جاروتله به سر می‌برد ظاهراً حلول سال جدید را که مقارن با سوم محرم بود جشن گرفت. در بیست و هشتم صفر همین سال نادر در جنگل‌های مازندران ترور شد.<sup>۲۴</sup> سیاست مذهبی نادر نارضایتی فراوانی را در بین شیعیان به وجود آورد و مهاجرت‌هایی را نیز از ایران به سرزمینهای دیگر سبب شده بود.

در ایام زندیه نیز این تقارن اتفاق افتاد. «در شب دوشنبه هشتم محرم الحرام ۱۱۸۷ طرازنده محفل چرخ نیلی فام و آرایشگرایوان گردون والامقام به عزم تسخیر قلعه ام‌البلاد حمل گردید... محفل نوروزی به فرخندگی و فیروزی در عمارات مبارکات جدیدالبنای شیراز... انعقاد یافته...»<sup>۲۵</sup>

از مطالعه متن تاریخ گیتی‌گشا روشن نمی‌شود که آیا انعقاد محفل نوروزی به معنی برپایی جشن و سرور است و یا فقط مراسم سلام است و بار خاص و عام. البته بر حسب ظواهر، برپایی جشن با سیاست مذهبی کریم‌خان که توأم با احترام به شعائر مذهبی بود تناسبی ندارد. نصرالله فلسفی به نقل از تاریخ انقلاب‌الاسلام، ص ۶۰۴ ذکر می‌کند که برپا

۲۳. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۱۰.

۲۴. میرزاهندی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، به کوشش عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۳۶۶-۳۶۷.

۲۵. میرزا محمدصادق موسوی، تاریخ گیتی‌گشا، به کوشش عزیزالله بیات، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹۰-۱۸۰.

ساختن مجالس تعزیه از زمان پادشاهی کریم‌خان متداول شد.<sup>۲۶</sup> اول نوروز سال ۱۲۲۱ق نیز مقارن با اول محرم بود، در آن سالها ایران درگیر جنگ با امپراتوری تجاوزگر روسیه بود. در تاریخ ذوالقرنین می‌خوانیم:

درین سال بهجت نشان در روز جمعه، سلخ شهر ذی‌حجّه‌الحرام، شش ساعت و بیست دقیقه از روز گذشته که عید نوروز فردای آن روز و غره شهر محرم‌الحرام سنه یک‌هزار و دو بیست و بیست و یک بود و روزی ملالت‌اندوز می‌نمود، وارد دشت حمل گشت و مانند سری بریده از سمت‌الراس به جانب مغرب گذشت.

سرداران بلند قامت صنوبر و چنار از سبزه اعرابی لون حشری کشیدند و به مدد خنجرید، از حلقوم نوجوانان چمن گل‌های حمراوی، خون‌ها جاری گردانیدند. سنبل با جعدی پریشان لباس سوگواری دربر کرد و سوری گونه از ناخن حسرت گلناری آورد. ابر آزار بر خونین کفنان لاله و شقایق گلزار ناله‌کنان شد و از شورش بلبلان حیران و قمریان نوحه‌خوان کوکو زنان دشت کربلانی در عرصه گلشن عیان آمد.

شاهنشاه باداد و دین که طینت پاکش سرشته از ارادت خاندان حضرت سیدالمرسلین است، رعایت ادب را، بر اورنگ جلوس پای نهاد و روزی چند صلاهی تعزیه‌داری جناب خامس آل عبد-علیه‌التحیه و الثنا-را در داد. به جای شیلان نوروز، فقرا و ملهوفین را بر سر خوان روزی دعوت کرد و پس از انقضای ایام مصیبت روی به انجام مهام مملکت آورد.<sup>۲۷</sup>

در ناسخ‌التواریخ هم در این باره می‌خوانیم: «... شهریار دیندار به جای جامه زر تار، سلب سوگواری دربر کرد و تا عاشورا در مصیبت سیدالشهداء علیه التحیه و الثنا چون ماتم‌زدگان روز گذاشت.»<sup>۲۸</sup> در سال ۱۳۲۲ قمری در عصر مظفری نیز اول نوروز مصادف با سوم محرم شد لذا در این سال: «در ایران عید موافق سنوات قبل نگرفتند و شاه نیز سلام نشست و عیدی نداد و حرمت محرم را به پای داشتند»<sup>۲۹</sup>

۲۶. زندگانی شاه‌عباس اول، ج ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ص ۱۰.

۲۷. میرزا فضل‌الله شیرازی. تاریخ ذوالقرنین. تهران. کتابخانه موزه و مرکز اسناد و مجلس شورای ملی و... ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۲۸. محمدتقی لسان‌الملک سیهر. ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)، ج ۱، به اهتمام جمشید کبانهز. تهران، اساطیر. ۱۳۷۷، ص ۱۴۵.

۲۹. عبدالحسین خان سیهر. مرآت‌الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین. به اهتمام عبدالحسین نویسی. تهران. انتشارات زرین، ۱۳۶، ص ۵۷. یادداشت‌های ملک‌المورخین.

در نوروز ۱۲۸۵ شمسی، نوروز مقارن با ۲۵ محرم ۱۳۲۴ شد و مظفرالدین شاه و مردم به احترام ماه محرم عید نگرفتند، در کرمانشاه نیز مردم عید نگرفتند.<sup>۳۰</sup>

### مراسم عزاداری در دوره صفویه، قاجار و پهلوی

اشاره شد که در دوره صفوی با توجه به رسمیت یافتن تشیع، شیعیان موقعیت خوبی پیدا کرده و توانستند در پاسداشت شعائر دینی آن چنان که باید آزادانه عمل نمایند. براساس گزارشهای یک کشیش اسپانیایی که در ۱۰۱۱ق دوره شاه عباس اول به ایران آمده بود در «طی ده روز محرم، دسته‌های مردم [در شیراز]، در حالی که فریاد می‌زنند «شاه حسین وای حسین» در کوی و برزن گردش می‌کنند و سوگ سرود می‌خوانند».<sup>۳۱</sup>

پیتر و دلاواله سیاح ایتالیایی در سال ۱۰۲۷ق از اصفهان گزارش می‌دهد:

ایرانیان تمام این مدت [دهه محرم] را به طور مداوم عزاداری می‌کنند و ضمن تظاهرات عمومی عظیم از پایان غم‌انگیز زندگی حسین(ع)... یاد و به این مناسبت سوگواری می‌کنند... تشریفات و مراسم عزاداری عاشورا به این قرار است که همه غمگین و مغموم به نظر می‌رسند و لباس عزاداری به رنگ سیاه... بر تن می‌کنند.

وی همچنین به برپایی مراسم روضه‌خوانی اشاره کرده و می‌نویسد:

همین مراسم روزها در مساجد و شب‌ها در جاهای عمومی و بعضی خانه‌ها که با چراغ‌های فراوان و علامات عزاداری و پرچم‌های سیاه مشخص شده‌اند تکرار می‌شود و روضه‌خوانی با شدت هرچه تمامتر ادامه دارد و مستمعین با صدای بلند گریه و زاری می‌کنند، به خصوص زنان به سینه خود می‌کوبند و با نهایت حزن و اندوه و همه با هم آخرین بند مرثیه‌ای را که خواننده می‌شود تکرار می‌کنند و می‌گویند: آه حسین... شاه حسین... روز دهم ماه محرم دسته‌های بزرگی به راه می‌افتند...<sup>۳۲</sup>

دن گارسیا دسیلوا فیگونروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول نیز شرحی از عزاداری مردم اصفهان در ۱۰۲۸ق / ۱۶۱۸م ارائه می‌کند: «سخنان موعظه‌گران به قدری تأثرانگیز است که زنها به سختی اشک می‌ریزند و با سیلی بر چهره و با مشت بر سینه

۳۰. یادداشت‌های ملک‌المورخین، ص ۳۳۱، مسعود فرید، خاطرات فریدمیرزا، تهران، زوار، ۱۳۶۲، ص ۱۸۶، محمدعلی سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تهران، نشر سپا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۸۲.

۳۱. سفرنامه آنتونیو دوگوه‌آ، ص ۷۵-۷۶.

۳۲. پیتر و دلاواله، سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۱۲۲-۱۲۵.

خویش می‌گویند... صدای گریه حضار در این ایام عزاداری چنان بلند بود که در همه اتاقها و پستوهای خانه سفیر به گوش می‌رسید.<sup>۳۳</sup>

اولیاچلیبی سیاح ترک نیز گزارشی از عاشورا در تبریز سال ۱۰۵۰ ق ارائه می‌دهد: «در دهم [محرم] هر سال، اعیان و برجستگان و تمامی مردم شهر بزرگ و کوچک خیمه‌ها برمی‌افرازند و در زمین چوگان تبریز برای شهیدان کربلا سوگواری می‌کنند.» وی سپس از سقایت مردم توسط اعیان شهر، خواندن مقتل و عزاداری مردم در این روز سخن می‌گوید.<sup>۳۴</sup>

اولناریوس سیاحی که در ۱۰۴۷ ق / ۱۶۳۷ م به ایران آمده بود شرحی از عزاداری مردم اردبیل به شکل دسته‌هایی که گاه بر سر می‌ریختند ارائه می‌دهد.<sup>۳۵</sup> تاورنیه از دسته‌های سینه‌زنی اصفهان در ۱۰۷۸ ق، زمان سلطنت شاه صفی یاد می‌کند.<sup>۳۶</sup> شاردن نیز در همین سال در اصفهان بوده و گزارش کاملی از عزاداری مردم اصفهان ارائه می‌کند.<sup>۳۷</sup>

ویلیام فرانکلین که در ۱۱۶۶ ق (دوره زندیه) به ایران آمده بود گزارشی از برگزاری مراسم عزاداری و تعزیه ارائه می‌کند. «ده روز اول ماه محرم که اولین ماه سال اسلامی است، در سراسر ایران ایام عزاداری محسوب می‌گردد و آن را دهه می‌نامند» عزاداری با صدای موقر و آرام و محزونی شروع می‌شود و...<sup>۳۸</sup> سرهنگ گاسپار دروویل در سفرنامه خود در مورد عزاداری مردم تهران در ۱۲۰۰ ق می‌نویسد: «در ایام محرم در ایران جز شیون و زاری و فریاد و تکرار نام حسین (ع) چیزی به گوش نمی‌رسد، دسته‌های فراوان، سروسینه‌زنان به صورت گروه‌های پنجاه نفری و با لباس پاره‌پاره و یا حسین (ع) گویان از کوچه‌ها می‌گذرند...»<sup>۳۹</sup>

در دوره قاجار تعزیه که عناصری از آن در دوره صفویه و دوره زندیه وجود آمده بود به اوج شکوفایی خود رسید. حکم معروف مرحوم میرزای قمی در زمان آقامحمدخان قاجار در خصوص بلا مانع بودن اجرای تعزیه از لحاظ شرعی موجب ترویج این شکل از عزاداری شد. در دوران فتحعلی شاه بر شکوه عزاداری و تعزیه افزوده شد و تکیه‌های

۳۳. دن گارسیا دیلوا فیکونروا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۳۰۷-۳۱۱.

۳۴. پیتر چلکو و سکی، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داود حاتم‌ی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

ص ۱۲۹-۱۵۱. ۳۵. صادق همایونی، تعزیه در ایران، شیراز، نوید، ۱۳۶۸، ص ۶۷-۶۸.

۳۶. ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری (نظم‌الدوله)، اصفهان، کتابفروشی تأیید، ۱۳۳۶.

ص ۲۱۰-۲۱۵. ۳۷. صادق همایونی، تعزیه در ایران، ص ۷۴.

۳۸. ویلیام فرانکلین، مشاهدات سفر از بنگال به ایران، ترجمه حسن جاویدان، تهران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ۱۳۵۸، ص ۶۹-۷۳.

۳۹. گاسپار دروویل، سفرنامه، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۳۷، ص ۱۴۰.

ثابت برپا گردید. به گزارش جهانگیر میرزا در محرم ۱۲۴۲ق در حالی که ایران درگیر جنگ‌های دوره دوم با روسیه بود در اردوگاه‌های جنگی واقع در قفقاز تکایا بسته شد و مراسم عزای اقامه گردید. و لشکریان ایران تحت تأثیر حماسه عاشورا آماده جانبازی شدند.

چون ماه محرم هزار و دویست و چهل و دو داخل شد برای تعزیه جناب سیدالشهداء علیه‌السلام تکایا بسته علمای اعلام و مجتهدین ذوی‌الاحترام مثل جناب آخوند حاجی ملامحمدزافی و جناب آخوند ملامحمد دامغانی بعد از ذکر مصیبت حضرت سیدالشهداء لشکریان منصور را به جهاد ترغیب فرموده شوری در میان لشکر منصور می‌انداختند و دسته‌دسته و فوج فوج لشکریان اسلام از مجلس وعظ برخاسته به خدمت نایب‌السلطنه [عباس میرزا] آمده اظهار شوق و تعهد بورش و بیباکی را از کشته شدن و کشتن می‌کردند.<sup>۴۰</sup>

در دوره محمدشاه نیز به علت علاقه و اعتقاد شاه و حاج میرزا آقاسی مراسم عزاداری به ویژه اجرای تعزیه رونق گرفت. همچنین ساختن تکایا نیز در این دوره گسترش یافت. کنت دوسرسی سفیر فوق‌العاده فرانسه که در ۱۲۵۵ق به ایران آمده بود به‌رغم برداشتی سطحی‌ای که از آداب و رسوم ایرانیان دارد اما راجع به مراسم محرم می‌گوید: «[ایرانیان] ایام عزاداری ماه محرم را با تشریفات رسمی و زیاد انجام می‌دهند.»<sup>۴۱</sup>

اوژن فلاندن نیز که در زمان محمدشاه به ایران آمده بود (یک سال بعد از دوسرسی) در آرامگاه شاهزاده حسین قزوین با سینه زنی مردم مواجه می‌شود و بدون اینکه پی ببرد این مراسم به چه منظور انجام می‌شود به ذکر آن می‌پردازد. وی همچنین از برپایی تعزیه در زیر چادرهایی که در معابر عمومی، حیاط مسجد، یا درون قصور بزرگ در تهران برافراشته شده خبر می‌دهد و در پایان اضافه می‌کند:

عده با مشت، سخت به سینه کوبیده و در نتیجه سایرین را برانگیخته، شورش در جمعیت و بازیگران برپا می‌نمودند. در اثر این کار عده ضعف می‌کردند و دیگران عجله نموده به خرابه‌ها می‌رفتند. کاه‌گل بیاورند تا مریضی را شفا دهند. پس از اندک مدتی مریضان بدون هیچ درد و عارضه شفا می‌یافتند... در مدت عزاداری عده‌ای از مقدسین در شهر به راه افتاده از ته سینه منقبت حسین (ع) و علی (ع) را می‌نمایند.

۴۰. جهانگیر میرزا تاریخ نو. به اهتمام عباس اقبال. تهران. علمی. ۱۳۲۷. ص ۲۹-۳۰.

۴۱. کنت دوسرسی. ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م. ترجمه احسان اشراقی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۲.

بعضی زنجیرهای آهنی را بر روی سینه لخت می‌زنند و خود را مجروح می‌سازند. برخی پابرهنه و خون‌آلود با چهره سیاه شده در کوچه‌ها دم از حسین(ع) می‌زنند و ادعا می‌کنند که تشنگی و گرما را بر خود هموار خواهند ساخت.<sup>۲۲</sup>

بر اساس آمار موجود در سال ۱۲۶۸ق، یعنی چهار سال پس از مرگ محمدشاه و در سالهای اولیه سلطنت ناصرالدین شاه تهران به عنوان پایتخت ایران دارای ۱۵۵۷۳۶ نفر جمعیت بود. این جمعیت عمدتاً در پنج محله تهران و تعدادی نیز در خارج از دروازه‌های شهر سکونت می‌کردند. برای این تعداد در آن زمان ۵۴ تکیه و ۱۰۷ مسجد به اضافه ۵ امامزاده وجود داشت که در ایام عزاداری و مراسم مذهبی مردم در آنها تجمع می‌نمودند.<sup>۲۳</sup>

محله	جمعیت	تعداد تکیه	تعداد مسجد	تعداد امامزاده
ارک	۳۰۱۴ نفر	۳	۳	
عودلاجان	۳۶۴۹۵	۱۲	۳۴	
بازار	۲۶۶۷۴	۱۷	۲۹	۳
سنگلج	۲۹۶۷۳	۱۲	۲۱	
چالمیدان	۳۴۵۴۷	۱۰	۲۰	۲
		۵۴	۱۰۷	۵

این تعداد تکیه و مسجد به خوبی بیانگر روح مذهبی حاکم بر تهران در سال‌های اولیه سلطنت ناصرالدین شاه است. گفتنی است که این آمار شامل تکایای سیار و روضه‌خوانی‌های منازل نمی‌شود. کنت دوگوبینو تصویر روشنی از وضعیت ایران عصر قاجار در ایام محرم ارائه می‌دهد. وی ضمن تشریح ویژگی‌های تعزیه و جایگاه تعزیه‌خوانان و گستردگی فعالیت آنان در ایام عزّا می‌نویسد:

خیابان در ماه محرم بیش از رمضان لبریز از قیافه‌های غمگین و افسرده است. اروضه‌خوان‌ها در ارتباط تنگاتنگ با مردم بوده و همواره مورد تکریم و احترام آن‌ها قرار گرفته‌اند. روضه‌خوانان در به راه‌اندازی دسته‌ها نیز نقش بسزایی دارند. این دسته‌ها متشکل از مردان و کودکانی هستند که علم‌های سیاه یا سبز در دست دارند.

۲۲. اوژن فلاندن. سفرنامه. ترجمه حسین نورصادقی. اصفهان، ۱۳۲۴. ص ۸۹ و ۱۰۱-۱۰۲.  
 ۲۳. جدول را نگارنده تهیه کرده و آمار آن از اثر ذیل به دست آمده است: سیروس سعدوندیان و منصور اتحادیه. آمار دارالخلافت تهران. تهران، نشر تاریخ، ۱۳۶۸. ص ۴۸، ۱۲۴، ۱۷۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۴۶.



این دسته‌ها که شب هنگام مشعل به دست با قدم‌های شتابان از کوچه‌ها می‌گذرند و پشت سرهم وارد تکیه شده، از تکیه‌ای به تکیه‌ای دیگر می‌روند و ضمن چرخیدن به نوحه‌سرایی می‌پردازند، بسیار تماشایی‌اند. آنها که همواره کودکان و زنان به دنبالشان روانند، در کوچه‌ها با صدایی بلند فریاد یا حسین! یا عباس! سر می‌دهند و در مساجد مقابل جایگاه روضه‌خوان یا مداح قرار گرفته، به شیوه‌ای عجیب و بی‌نظم اما بسیار مؤثر همراه با او به نوحه‌خوانی می‌پردازند... در طول دهه ماه محرم تمام ملت عزادارند. امراء، وزراء و کارمندان لباس‌های تیره می‌پوشند...<sup>۴۴</sup>

دکتر ویلز نیز در سفرنامه خود درخصوص عزاداری ماه محرم در اصفهان در دوره ظل‌السلطان می‌نویسد:

در سرتاسر ماه محرم اغلب شیعیان به احترام امام مورد احترام و علاقه خود با خلوص نیت در کلیه برنامه‌های عزاداری و سینه‌زنی شرکت می‌کردند و لباس رسمی اکثریت آنان عبارت از لباس سیاه مخصوص عزاداری بودند. تا جایی که بیشتر این مردم حتی چند روز قبل از آغاز محرم ملبس به لباس عزا می‌گشتند و تا هفته‌ها بعد از خاتمه این ماه همچنان لباس سیاهپوش بودند... قبل از آغاز تعزیه یک نفر روحانی به بالای منبر... رفت و شروع به موعظه و شرح مصیبت حسین و دلیل مقاومت امام مسلمین و قیام او بر علیه طاغوت زمان نمود... به محض ذکر نام حسین(ع) ناگهان فریاد ناله حاضران بلند شد و سینه‌زنان، ضمن باز کردن تکمه‌های یقه و جلو پیراهن شروع به سینه‌زنی و انجام ماتم کردند. صدای حسین جان صادقانه و توأم با ناله و اشک آنان و لوله عجیبی ایجاد کرد...<sup>۴۵</sup>

کسروی نیز در کتاب شیخگری توضیحی جالب - هر چند بالحن و نگرش منفی - از سنت عزاداری در بین ایرانیان به ویژه در دوره قاجار ارائه می‌دهد و می‌نویسد:

چون به زمان قاجاریان می‌رسیم که نوشته‌های جهانگردان اروپایی در دست است می‌بینیم دستگاه بزرگی در میان می‌بوده و در ایران و هندوستان و قفقاز و دیگر جاها در دوازده روز محرم روضه‌خوانیها بسیار می‌شده و سینه‌زنی و قمه‌زنی و شاه‌حسینی از همان زمانها شناخته می‌بوده. هر چه هست در زمان ما روضه‌خوانی و

۴۴. کنت دوگوبینو، شکوه تعزیه در ایران، ترجمه فلورا اولی‌پور، فصلنامه هنر، زمستان ۱۳۷۴، بهار ۱۳۷۵، ش ۳۰، ص ۳۵۱-۳۵۸

۴۵. چارلز ویلز، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، مترجم سیدعبدالله، به کوشش جمشید دواتگر و مهرداد نیکنام، تهران، طبع، ۱۳۶۶، ص ۳۲۶.

نمایشهای مسحرمی... بی‌اندازه پهناور شده بود. در شهرهای بزرگ شماره روزه‌خوانها از دویست و سیصد گذشتی... در سراسر سال روزه‌خوانیها رفتی. اگر کسی درگذشتی و یا از سفر آمدی و یا عروسی کردی و یا خانه تازه خریدی و یا فرزندی پیدا کردی، در خانه خود روزه خوانانیدی... کمتر نشستی بودی که روزه‌ای خوانده نشود... اگر عروسی کند روزه از عروسی قاسم خواناند.<sup>۴۴</sup>

همراهی حکومت، اهتمام علما و عشق و علاقه مردم به خاندان عصمت و طهارت باعث شد، عزاداری در دوره ناصری رونق بیشتری پیدا کند. نگاهی به منابع عصر ناصری بیانگر گسترش مراسم مذهبی در این دوره است. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود به دفعات به برگزاری مراسم سوگواری خامس آل (ع) اشاره می‌نماید. اهتمام مردم به برگزاری عزاداری و برپایی جلسات روزه، برگزاری مراسم روزه در مدرسه خان مروی به سرپرستی آیت‌الله حاج ملاعلی کنی، شرکت شاه در مراسم روزه و تعزیه، برنامه‌های تکیه دولت و... مطالبی است که در خلال روزنامه خاطرات می‌توان به آن پی برد. از جمله مواردی که بسیاری از مردم به آن اهتمام می‌ورزیدند شرکت در چهل روزه یا منبر در روز نهم محرم الحرام بود. البته در برخی منابع چهل و یک منبر ذکر شده است. که چهل منبر صحیح‌تر است. اعتمادالسلطنه در این خصوص در ذیل حوادث ۱۳۰۰ ق می‌نویسد:

سه‌شنبه ۹ صبح امین‌الدوله و نظام‌الملک و جمعی روزه آمدند. بعد در خانه [دریخانه] رفتیم. سناهار و بعد از ناهار روزنامه خوانده شد. عصر خانه ادیب‌الملک روزه خوانی رفتیم. امشب چهل منبر که هر سال می‌روم رفتیم. اسامی خانه‌ها از قرار تفصیل ذیل است:

۱. خانه خودم خیابان نظامیه، ۲. خانه فراشبازی میرزا سعیدخان پامنار، ۳. خانه سید هاشم پامنار، ۴. خانه آقای شیخ پامنار، ۵. خانه آقاسید فتح‌الله پامنار، ۶. خانه آقا سیدرضا پامنار، ۷. مسجد آقامیرمحمدعلی پامنار، ۸. خانه پسر غلام‌باشی میرزا ابوالقاسم سفارت روس پامنار، ۹. خانه حاجی سید عزیزالله پامنار، ۱۰. خانه ملاعلی عبدالباقی پامنار، ۱۱. خانه حاجی سیدمحمد روزه‌خوان، ۱۲. خانه حاجی سیدعباس دومنبر، ۱۳. خانه میرزا علیتقی زرگرباشی پامنار، ۱۴. خانه سیدبرهان سرچمبک، ۱۵. تکیه سرچشمه، ۱۶. خانه سید حسین شیرازی، ۱۷. سرچشمه، ۱۸. خانه خلیل‌خان سرتیپ سرچشمه، ۱۹. خانه سادات اخوی سرچمبک، ۲۰. خانه سیدجعفر سرچمبک، ۲۱. خانه حاجی محمدحسین جواهری

۴۴. احمد کسروی، شیعیگری، تهران، چاپخانه پیمان، ۱۳۲۲، ص ۲۵-۴۴.

سرچمبک، ۲۲. خانه حاجی محمدعلی کفش دوز سرچمبک، ۲۳. تکیه رضائلیخان سرچمبک، ۲۴. خانه حاجی میرزا شفیع مستوفی، ۲۵. خانه میرزا حبیب‌الله پیشکار صاحب دیوان، ۲۶. خانه آقا سیدجعفر روضه‌خوان مرحوم، ۲۷. تکیه دانگی پامنار، ۲۸. تکیه محقق پامنار، ۲۹. خانه شکرالله میرزا پامنار، ۳۰. خانه حاجی علی‌اکبر تاجر حیاط شاهی، ۳۱. خانه حاجی میرزا محمدعلی حیاط شاهی، ۳۲. خانه آقا سیدجواد حیاط شاهی، ۳۳. خانه سیدمحمدعلی حیاط شاهی، ۳۴. خانه دانی شمس‌الدوله حیاط شاهی، ۳۵. خانه پسر مرحوم سیدقاسم حیاط شاهی، ۳۶. خانه آقا سیدعلی دراندرونی خیابان ناصریه، ۳۷. خانه آقا سیدعلی روضه‌خوان خیابان شمس‌العماره، ۳۸. خانه میرزا محمد کوچه خراسانیها، ۳۹. آقا سیدعلی روضه‌خوان کوچه خراسانیها، ۴۰. خانه حاجی میرزا حسین مرشد حیاط شاهی، ساعت سه خانه آدمم. امشب هم روضه‌خوانی در خانه بود در خلوت کریمخان و تمام اندرونها زنانه و مردانه.<sup>۴۷</sup>

اعتمادالسلطنه با تصریح و تأکید به اینکه «تنها چیزی که از برای خود اسباب نجات دنیا و آخرت می‌دانم خدمت به خامس آل عبا سیدالشهداء (ع) است»<sup>۴۸</sup> خود اقدام به برپایی روضه می‌نمود. بنابر گزارش او در سال ۱۳۰۵ق دسته ترک‌ها تشکیل شد و آنها دسته باشکوهی در تهران به راه انداختند. شور حاکم بر این دسته به حدی بود که شاه به نایب‌السلطنه دستور می‌دهد که دسته‌بندی موقوف شود: «ظاهراً وحشت فرموده بودند چرا که هر دسته قریب دوهزار نفر می‌شد و غالباً اسباب شورش شده است»<sup>۴۹</sup> عزاداری مختص به دهه اول ماه محرم نبود، در دهه‌های بعد و در ماه صفر نیز جلسات متعدد روضه برپا می‌شد. در سال ۱۳۱۰ قمری مرض ویا در ایران و تهران شایع شد و متأسفانه تعداد زیادی از هموطنان ما به دیار باقی شتافتند. عین‌السلطنه در این زمینه می‌نویسد:

[و]با در اغلب بلاد ایران به شدت مشغول قتل است. خراسان تماماً، مازندران و گیلان و استرآباد به شدت، یزد و کرمان و اصفهان بیش از حد است. تمام آذربایجان مبتلی هستند. قزوین و خمسه فراوان است. یک طهران نبود، آن هم الان طوری شده است که از روزی ششصد نفر و پانصد نفر کمتر نمی‌کشد. تمام مردم گریخته‌اند. شمیرانات طوری جمعیت شده است که چه بنویسم، تجریش گویا شش هفت هزار

۴۷. محمدحسین اعتمادالسلطنه. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. به اهتمام ایرج افشار. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.

۴۸. اعتمادالسلطنه. همان، ص ۱۳۲.

ص ۲۰۳-۲۰۴.

۴۹. اعتمادالسلطنه. همان ۵۱۸.

جمعیت آمده باشد. همین‌طور جاهای دیگر و بیلافتات دوردست. مردم اهل هر ولایتی بودند گریخته... همه‌ها و اضطراب مردم طهران طوری شده که به نوشتن بر نمی‌آید. دو، سه مرتبه خلق طهران با علما و سادات به حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده حسن و امامزاده اهل علی، مصلی رفته، هر مرتبه متجاوز از بیست‌هزار نفر بودند. صدقه و روضه‌خوانی و بذل و بخشش به شدت زیاد شده است. طوری مردم ترسیده‌اند که حقیقت دیدنی و تماشایی است... شهر طهران اکنون بسیار خلوت شده است. چه تلف شده‌اند و چه فرار کرده‌اند کوجه‌ها خلوت است، تمام دکانها بسته است. دل مردم پی کار نمی‌رود...<sup>۵۰</sup>

به‌رغم بروز این بیماری مهلک، مردم طهران که در شهرمانده و یا به شمیرانات رفته بودند و حتی کسانی که به مناطق خارج از طهران گریخته بودند در ایام محرم به عزاداری پرداختند. عین السلطنه می‌نویسد: «همه چیز گران است. هیچ چیز پیدا نمی‌شود اگر هم پیدا شود خیلی گران است... روضه‌خوانی و خیرات به حدی در طهران و شمیرانات زیاد شده که چه نویسم. آش امام زین‌العابدین (ع) در تمام کوجه‌ها و گذرها طبخ می‌شود. دستجات سینه زن متصل در گردش است...»<sup>۵۱</sup>

به علت شیوع وبا در این سال ظاهراً در تبریز هشت‌هزار و در تهران بیش از بیست‌هزار نفر جان باختند.

در سال ۱۳۱۱ق نیز با وجود برطرف نشدن خطر وبا مجالس عزاء و تعزیه بسیار باشکوه برگزار شد. به گزارش عین السلطنه در مسجد شیخ عبدالحسین طبق سه سال گذشته ترک‌ها روضه‌خوانی مفصل برپا کرده بودند. مسجد سیدعزیزالله را اصفهانی‌ها و مسجد جمعه را تجار کاشانی تکیه بسته بودند. «جمعیت زیاد بود، دستجات سینه‌زن فراوان... دوشنبه دهم محرم... مسجد شیخ عبدالحسین رفتیم. معرکه غریبی بود. از کثرت جمعیت راه عبور مسدود بود. خیلی خیلی شور داشت. ترک‌ها معرکه کردند... شهر به هیجان آمد. خیلی خیلی تماشا داشت. الحق نیکو عزاداری کردند...»<sup>۵۲</sup>

در همین سال بیماری وبا مجدداً در تهران شیوع پیدا کرد، علاوه بر آن فرنگی مآبی نیز بیماری دیگری بود که در این سال‌ها به قصد غارت ایمان مردم شایع شده بود. عین السلطنه ذیل وقایع ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۱۱ق می‌نویسد:

حقیقت آنها [فرنگیها] هم خوب ترقی کرده‌اند. کسی که ترقی نکرده ماها هستیم.

۵۰. قهرمان میرزا سالور. روزنامه خاطرات عین السلطنه. به کوشش مسعود سالور - ایرج افشار. تهران. اساطیر.

۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸۲-۴۸۴. ۵۱. همان، ص ۴۸۴.

۵۲. روزنامه خاطرات عین السلطنه. همان، ص ۵۳۹-۵۴۰.

هرچه افعال بی‌معنی‌فرنگی‌ها بوده آموخته‌ایم، هرچه صنایع و قانون‌های خوب داشته‌اند کنار گذاشته‌ابدأ ملاحظه نکرده‌ایم. از فرنگی مآبی عصا دست گرفتن، عینک گذاشتن، پیراهن و دستمال گردن پوشیدن و بستن، سیگار کشیدن، تندتند حرف زدن، سرودست در وقت تکلم جنباندن، عرق و شراب وافر خوردن را یاد گرفته‌ایم... کارهای خودمان و قانون صحیح محمدی صلوات‌الله علیه و آله از دست رفته، قانون فرنگیها هم میان نیست.<sup>۵۳</sup>

اعتمادالسلطنه نیز ذیل وقایع محرم ۱۳۱۲ق به رواج فرنگی بازی و تأثیر سوء آن بر عزاداری ماه محرم اشاره می‌کند:

جمعه ۹ محرم... به قصد چهل و یک منبر از خانه بیرون رفتیم. هفت هشت سال بود به واسطه تشریف نداشتن موکب همایون در موقع عاشورا در طهران چهل و یک منبر نرفته بودم. اولاً مجالس روضه را خیلی کم دیدم. از نقیب‌السادات جهت پرسیدم. گفت از روی بی‌عقیده‌گی نیست. از بابت گرسنگی مردم است. ثانیاً تکایانی هم که بسته بودند بی‌روتق و بی‌اسباب جمعیت در کوچه‌ها بسیار کم. روی هم رفته فرنگی بازی عقاید را سست کرده و نمی‌دانم این از برای ملت و دولت ایران خوب است یا بد است.<sup>۵۴</sup>

به‌رغم تلاش غربگرایان، در محرم ۱۳۱۲ق نیز مراسم محرم باشکوه برگزار شد. جمعه ۲ شهر محرم ۱۳۱۲ - مسجد شیخ عبدالحسین که تجار ترک چند سال است مفصلاً روضه‌خوانی می‌کنند باز به همان تفصیل برپا بود. امسال با این گرما روضه‌خوانی از سال گذشته بیشتر است.

یکشنبه یازدهم محرم ۱۳۱۲ - دیروز ترک‌ها معرکه کردند... امسال از همه ساله روضه‌خوانی بیشتر بود. در یک کوچه هفت، هشت مجلس روضه منعقد بود. عصر [روز] نهم شمع‌آوردن بود. پرسیدم گفت من یک نفر سه خروار شمع امشب فروخته‌ام. اقلأ صد دکان شمعی در این شهر هست. سوای شمع گچی که بیشتر مردم از آن خریده‌اند.<sup>۵۵</sup>

در دوره سلطنت مظفرالدین شاه نیز عزاداری ماه محرم همچنان با شکوه برگزار می‌شد. در ۱۳۱۶قمری به واسطه اعتدال هوا مجالس روضه‌خوانی بیشتر شده بود:

۵۳. همان، ص ۵۵۱-۵۵۲. ۵۴. اعتمادالسلطنه. همان، ص ۹۷۱

۵۵. قهرمان میرزاسالور. همان، ص ۵۹۴-۵۹۵.

از هر کوچه بگذری اقلأ چهار، پنج چادر زده اند، در گذرها و سقاخانه‌ها و مساجد که الی ماشاءالله... دسته امسال زیاد است اما حکم شده از محله خود به جای دیگر نروند مگر با پلیس و فراش... تمام دسته‌جات سینه زن امسال در حرکت بود... تمام [دسته‌ها] دیروز آمده از سبزی میدان که محل جلوس حکومت بود گذشتند.<sup>۵۶</sup>

عین السلطنه در ارزیابی عزاداری محرم ۱۳۱۶ق نسبت به سالهای قبل اظهار می‌دارد: «با وجود آن که امسال به خوبی سنوات قبل نیست، [مراسم] تا خیلی از بعد از ظهر طول کشید.»<sup>۵۷</sup>

ذکر این نکته ضروری است که در سال‌های سلطنت مظفرالدین شاه فعالیت منورالفکران غربگرا و فرق ضاله گسترش یافت و این امر در سال‌های بعد تأثیر فراوانی بر تحولات ایران گذاشت. در محرم ۱۳۲۰ قمری در تهران و خراسان نان کمیاب و گران بود. در صفر همین سال در مشهد شورش شد.<sup>۵۸</sup> اما عزاداری در شهر برپا گردید. محرم ۱۳۲۱ قمری نیز به همین منوال گذشت. محرم ۱۳۲۲ قمری همان طور که ذکر شد مصادف با نوروز بود. در این سال شاه عید نگرفت و مراسم عزاداری با شکوه برگزار شد. عزیزالسلطان از برپایی مراسم تعزیه و عزاداری در دربخانه و منزل امیربهداد جنگ این چنین خیر می‌دهد:

سه‌شنبه ۴ محرم الحرام ۱۳۲۲ رفته تعزیه عین‌الدوله، وزیراعظم جمعیت زیادی از زن و مرد بودند. خوب تعزیه می‌خوانند. تشریفات تعزیه بسیار کم است، ولی خوب گریه می‌کنند... جمعه ۷ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲... رفته منزل امیربهداد جنگ پای روضه شب‌ها و صبح‌ها روضه می‌خوانند جمعیت زیادی بودند از زن و مرد.<sup>۵۹</sup>

در این سال رفتن به چهل منبر همچنان مرسوم بود عزیزالسلطان می‌نویسد:

۹ محرم الحرام غروب مراجعت به منزل نمودم، تجدید وضو نمودم، رفته به چهل منبر و از قرار تفصیل ذیل، شمع روشن نمودم.

منزل حاج شیخ شیپور، خانه آقا سید محمد، مسجد حاجی میرمحمد علی، خانه حاجی سید عزیزالله، خانه امیرتوپخانه، مسجد سرچشمه، تکیه عزت‌الدوله، تکیه سرچشمه، خانه سادات اخوی، خانه آقا سیدجعفر، تکیه رضاقلی خان، خانه

۵۶. قهرمان میرزا سالور. همان، ج ۲، صص ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۵.

۵۷. عین السلطنه سالور. همان، ج ۲، صص ۱۲۵۵-۱۲۵۶.

۵۸. یادداشتهای ملک‌المورخین، صص ۲۴-۲۳.

۵۹. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان. به کوشش محسن میرزایی. تهران، زویاب، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۶۱۳-۶۱۴.

حاجی میرزا شفیع، تکیه پامناز، خانه آقاسیداصغر تاجر، منزل پسر نقیب‌السادات، منزل آقا سید ریحان‌الله، مسجد میرزا محمدخان سپهسالار، سقاخانه نوروز خان، خانه سلطان العلماء، مسجد آقاسید محمد دشنائی، خانه مرحوم امین‌السلطان، مسجد جمعه، مسجد بزازه‌ها، مسجد آقا سید عزیزالله، خانه مرحوم حاجی ملاعلی، امامزاده زید، مسجد شیخ عبدالحسین، سید ولی، منزل میرزا علی توپخانه، منزل صدر دیوانخانه، تکیه مستوفی الممالک، تکیه حاجی رجعلی، منزل شریعتمدار، درخوانگاه، خانه سید محسن، تکیه سنگلج، خانه حاجی شیخ فضل‌الله، عمیدالممالک، خانه افتخار، خانه حاجی میرزا حسن.<sup>۶۰</sup>

محرم سال ۱۳۲۳ به جهت آغاز ناآرامی‌هایی که منجر به نهضت مشروطیت شد ویژگی خاصی دارد. فرارسیدن ماه محرم و برپایی مجالس عزای فرصت خوبی بود برای افشای نفوذ خارجی‌ان در ارکان کشور. در این سال مسئله مجلس بالماسکه مسیونوز و لزوم عزل وی سایر موضوعات را تحت‌الشعاع قرار داده بود. ملک‌المورخین در این زمینه می‌نویسد:

سوم محرم ۱۳۲۳ در منزل بهبهانی روضه‌خوانی و هنگامه‌ای برپا بود. مسئله مسیونوز و مانع از روضه‌خوانی شدند، روز بعد نیز خانه علما همین بساط بود... در عاشورای ۱۳۲۳ دولت راه انداختن دسته را ممنوع کرد. پیشرفت نکرد و راه افتاد. ناچار دولت در خانه فرنگی‌ها را چاتمه سرباز و قزاق گذاشت و گفت هیچ فرنگی از خانه بیرون نیاید و قشون شب و روز گردش کردند. در عشر اول محرم، اعلانات بسیار برضد عین‌الدوله و موسیونوز و سعیدالسلطنه وزیرپلیس در شهر پراکنده کردند.<sup>۶۱</sup>

از سوی دیگر شاه در تکیه دولت که تازه تعمیر شده بود مراسم سوگواری برپا داشته بود و در پایان دهه چندین هزار تومان به واعظین و ذاکرین و خدام انعام داد. عین‌الدوله نیز در طول دهه اول محرم مراسم تعزیت خامس آل‌عبارا در منزل جدیدالبنای خود منعقد کرده بود. در چهاردهم محرم نیز سال نوی شمسی تحویل شد ولی به احترام سیدالشهدا(ع) مراسم تهنیت سال نواز سوی دولت و ملت مرعی نشد.<sup>۶۲</sup>

ناآرامی اوضاع سیاسی کشور باعث شد در روز آخر (عاشورا) تزیینات تکیه دولت از

۶۰. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان. همان ص ۶۱۶.

۶۱. یادداشت‌های ملک‌المورخین ص ۱۲۳، ۱۲۶-۱۲۷.

۶۲. روزنامه ایران سلطانی. س ۵۸، ش ۱، صص ۲۰۱.

ترس بروز بلوا و غارت اشیاء نفیس برچیده شود. در این سال تکیه دولت را که تعمیر شده بود با بلورآلات تزئین نموده بودند.<sup>۶۳</sup>

همچنین در محرم ۱۳۲۴ق علما در حضرت عبدالعظیم تحصن نموده و از شاه خواستار برقراری حکومت قانون بودند که مورد موافقت شاه قرار گرفت.<sup>۶۴</sup> تحصن علمای گیلان نیز در پنجم محرم همین سال با پذیرش شرایط آنها توسط حاکم گیلان خاتمه یافت.<sup>۶۵</sup> در این سال به دستور شاه مراسم تعزیه در تکیه دولت منعقد شد. عین الدوله نیز در دهه اول محرم مراسم روضه خوانی داشت.<sup>۶۶</sup>

در هفدهم محرم ۱۳۲۴ عین الدوله صدراعظم از زحمات غلامحسین خان وزیر مخصوص به جهت برقراری نظم و آرامش در روز عاشورا و برگزاری مراسم عزاداری تشکر کرد.<sup>۶۷</sup>

در همین روز در تکیه درخونگاه در مجلس روضه سیدمحمد طباطبایی، شریف الواعظین قمی از غربت اسلام و تلاش علما در یاری دین صحبت کرد و شایعات مربوط به عدم شرکت علمای بزرگ تهران در تحصن حضرت عبدالعظیم را تکذیب کرد.<sup>۶۸</sup>

بیست و پنجم محرم ۱۳۲۴ق دو ساعت مانده به غروب سال ۱۲۸۵ش تحویل شد و شاه و مردم به احترام محرم عید نگرفتند.<sup>۶۹</sup> در همین سال مظفرالدین شاه از دنیا رفت و محمدعلیشاه به سلطنت رسید.

سال ۱۳۲۵ق نیز با محوریت مسائل مشروطه آغاز شد. در ابتدای این سال مجلس تعطیل بود و مردم هم مشغول عزاداری بودند. سیدجمال واعظ، ملک‌المتکلمین، شیخ علی زرنندی و بهاء الواعظین در مجالس روضه اول محرم در مورد ترغیب مردم به عدالت و حفظ قانون سخن گفتند.<sup>۷۰</sup> در اول محرم ۱۳۲۵ در تبریز در دسته‌های سپه‌زنی آشوب و اغتشاش شد و حاجی میرزا حسن میلانی و چهار تن دیگر بر اثر تیراندازی کشته شدند.<sup>۷۱</sup>

۶۳. یادداشت‌های ملک‌المورخین، ص ۱۲۷؛ روزنامه خاطرات عزیز السلطان، ج ۱، ص ۷۴۵.
۶۴. روزنامه چهره‌نما، سال ۲، شماره ۱۱، ص ۱۶.
۶۵. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۷، کارتن ۱۲ پوشه ۷.
۶۶. احمدکسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ص ۷۸؛ یادداشت‌های ملک‌المورخین، ص ۳۲۲.
۶۷. جهانگیر قائم‌مقامی، نهضت آزادیخواهی مردم فارس، تهران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ۱۳۵۱، ص ۲۱۶.
۶۸. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول ص ۳۷۵.
۶۹. یادداشت‌های ملک‌المورخین، ص ۳۳۱، مسعود فرید، خاطرات فرید، تهران، زوار، ۱۳۵۴، ص ۲۲۸.
۷۰. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، بخش دوم، ص ۸۶.
۷۱. محمدباقر و بجوبه، تاریخ انقلاب آذربایجان، به کوشش علی کاتبی، بخش دوم، ص ۸۶، تهران، کتاب‌های



به گزارش اوژن اوین میرزا علی اصغرخان امین السلطان در حسینیه خود در تهران مراسم عزاداری برپا نمود.<sup>۷۲</sup>

در پنجم محرم این سال اعضای انجمن مخفی مأمور شدند به مجالس روضه خوانی رفته و سخنان اکبرشاه، شیخ زین الدین زنجانی و سید محمد تفرشی را استماع نموده،<sup>۷۳</sup> و گزارش آن را به انجمن مخفی بدهند. در همین روز انجمن مخفی درخصوص واگذاری امتیاز روزنامه نوروز به انجمن مخفی و تعیین نام روزنامه به نام کوکب‌دری مذاکره داشت.<sup>۷۴</sup>

جلسه روضه منعقد در منزل سید محمد تفرشی در ششم محرم به هنگام سخنرانی سیداکبرشاه موقعی که واعظ به وکلای مجلس حمله کرد به هم خورد و حاضرین به زدوخورد پرداختند.<sup>۷۵</sup>

در هفتم محرم شخصی به نام سید رفیع که در خانه سید محمد تفرشی مجلس روضه را به هم زده بود در روضه منزل سید محمد طباطبایی سخنرانی نمود و خواسته خود و طلاب را اجرای احکام اسلام اعلام کرد.<sup>۷۶</sup>

روز ۸ محرم (پنجشنبه) ادارات به خاطر ایام عزاداری تعطیل شد. ناظم‌الاسلام در این باره می‌نویسد: «و به این ترتیب شایعات مستبدین که گفته بودند امسال به خاطر مشروطه شدن مملکت عزاداری انجام نمی‌گیرد باطل شد».<sup>۷۷</sup>

در روز تاسوعا سید جمال واعظ در حسینیه طباطبایی به منبر رفت و درخصوص حفظ قانون و عدالت و مساوات سخنرانی نمود.<sup>۷۸</sup> در هفدهم محرم جریده ندای وطن گزارش داد که مراسم عزاداری دهه عاشورا در تهران با کمال آرامش و امنیت برگزار شد.<sup>۷۹</sup>

براساس گزارش کارپردازان ایران در بغداد مراسم عزاداری ایرانیان در عراق به ویژه کاظمین نیز در این سال خوب و مفصل برگزار شد.<sup>۸۰</sup>

در تبریز میرزااحسن آقای مجتهد و برخی علما در محرم این سال به مخالفت با انجمن تبریز پرداختند.<sup>۸۱</sup>

→ سیمغ، ۱۳۵۵، ص ۱۵.

۷۲. اوژن اوین، ایران امروز، ۱۹۰۶-۱۹۰۷، ترجمه علیرضا سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲، ص ۱۸۶.

۷۳. تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، ص ۹۲. همان، ۷۴.

۷۵. همان، ص ۹۳. ۷۶. همان ص ۹۴. ۷۷. همان، ص ۹۵.

۷۸. همان، ص ۹۵. ۷۹. ندای وطن، ۱۷ محرم ۱۳۲۵، سال اول، شماره ۱۳، ص ۵.

۸۰. اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۵، کارتن ۵ پوشه ۳.

۸۱. نصرت‌الله فتحی، زندگینامه شهید نیکام ثقل‌الاسلام تبریزی، تهران، بنیاد نیکوکاری بوربانی، ۱۳۵۲، ص ۱۲۹.

در محرم سال ۱۳۲۶ به سبب اوج‌گیری اختلافات مشروطه خواهان با شاه، عزاداری چندان رونقی نداشت عزیزالسلطان درخصوص محرم این سال می‌نویسد:

دوشنبه ۷ شهر محرم الحرام ۱۳۲۶ دیشب اتفاق عجیبی افتاده است. دیشب را اعلیحضرت همایونی به رسم همیشه تشریف‌فرمای توی تکیه شده‌اند برای گردش (تا) بعد تعزیه بخوانند. مردم خیلی جمعیت کرده بودند، فراش و سرباز می‌خواستند ممانعت کنند، مردم دست به تپانچه کرده بودند برای فراش، که هنوز هم استبداد دارید؟ بگذارید برویم تماشا. بعد فراش نتوانسته بودند از مردم جلوگیری کند، ازدحام کرده بودند بعد از تشریف‌فرمایی شاه ریخته بودند توی تکیه هشت نفر آدم زیر دست و پا می‌میرند... آمدم منزل آقا سید عبدالله به روضه. مؤیدالدوله آنجا بودند انجمن اصلاح آمده بودند آنجا و شکایت از مجلس داشتند... بعد سید جمال رفت منبر قدری به همه فحش داد و یالله گفت.<sup>۸۲</sup>

وی همچنین اضافه می‌کند: «چهارشنبه ۹ شهر محرم الحرام ۱۳۲۶... دستجات سینه‌زن زیادی می‌آمدند انعام و خلعت می‌گرفتند می‌رفتند. نزدیک غروب سوار شده آمدم منزل برای چهل و یک منبر، امسال روضه‌خوانی بسیار کم است. جمعیت هم مثل سالهای سابق نیست. سه چهار جا بیشتر من شمع روشن نکردم.»<sup>۸۳</sup>

به‌رغم کم‌رونق بودن جلسات روضه‌خوانی که شاید معلول ناامنی اجتماعی و پاره‌ای تبلیغات سوء بود، حرکت دسته‌های عزاداری در روز عاشورا ۱۳۲۶ قابل توجه بود. عین السلطنه گزارش می‌دهد: «پنجشنبه ۱۰ محرم ۱۳۲۶ مسجد شیخ [عبدالحسین] جانبود. تمام بازار پر از زن و مرد بود. دسته‌های سینه‌زن متصل می‌گذشت.»<sup>۸۴</sup>

عزیزالسلطان نیز می‌نویسد: «پنجشنبه ۱۰ محرم الحرام ۱۳۲۶- عصری رفتم امبیریه روضه، جمعیت زیادی بود دستجات می‌آمدند، می‌رفتند، انعام و خلعت می‌گرفتند.»<sup>۸۵</sup>

در ۲۵ محرم همین سال عوامل حیدرخان عمواوغلی با بمب به کالسکه شاه حمله کردند که باعث تشدید اختلاف بین حکومت و مشروطه‌خواهان شد.<sup>۸۶</sup>

در این سال در مسجد شیخ عبدالحسین به رسم مألوف به وسیله ترک‌ها مجلس عزا برپا گردید. با این تفاوت که به گزارش عین السلطنه: «در مسجد تا آخر محرم که روضه بود جای ندادند.»<sup>۸۷</sup>

۸۳ همان، ص ۱۱۶۶.

۸۲ روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ج ۲، ص ۱۱۶۵.

۸۴ روزنامه خاطرات عین السلطنه سالور، ج ۳، ص ۱۹۵.

۸۶ همان، ص ۱۱۷۱.

۸۵ روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ج ۲، ص ۱۱۶۲.

۸۷ روزنامه خاطرات عین السلطنه سالور، ج ۳، ص ۲۲۷۳.

محرم سال ۱۳۲۷ ق مقارن با استبداد صغیر بود و اوضاع شهرهای ایران بسیار آشفته، سرما نیز مزید بر علت شده روضه‌خوانی کم بود. شاه در باغ شاه چادر زده و تعزیه برگزار می‌شد. ورود مردها ممنوع بود و زنان نیز در صورتی که از خانواده قاجار بودند می‌توانستند به باغ بروند. صدراعظم و دیگر رجال احتیاط کرده و به باغ شاه نرفتند. روضه‌خوانی عضدالملک نیز به جای روزها شب‌ها برگزار می‌شد و خرج هم می‌داد. در روز عاشورا اتفاق خاصی نیفتاد، چون حرکت دسته‌ها قدغن بود. قمه‌زن در این سال ظاهراً زیاد بوده است.<sup>۸۸</sup>

در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ق تهران به دست مشروطه‌خواهان تسخیر شد و چند ماه بعد محرم سال ۱۳۲۸ قمری هنگامی فرا رسید که تهران در سلطه مشروطه‌خواهان بود. عزیزالسلطان درباره محرم ۱۳۲۸ ق می‌نویسد: «دوشنبه ۵ محرم الحرام ۱۳۲۸ - اغلب جاها که روضه است عوض ذکر مصیبت، تعریف و تمجید سپهدار، حاجی علیقلی خان اسرار اسعدا و انجفقلی خان صمصام است. ذکر مصیبت بسیار کم است، تا سیدالشهداء علیه‌السلام چه کنند».<sup>۸۹</sup>

به گزارش کسروی آزادخواهان در ۱۳۲۷ قمری «به کاستن از روضه‌خوانی می‌کوشیدند» و به گزارش همو در تبریز روضه‌خوانان با برپایی جلسات روضه سعی داشتند در مقابل این نوع اقدامات مشروطه‌خواهان بایستند.<sup>۹۰</sup>

البته پس از فتح تهران برای چند سال در مجلس هم جلسه روضه برقرار می‌شد و دسته‌های تهران نیز به مجلس شورای ملی می‌آمدند. به گزارش عزیزالسلطان:

شنبه ۱۰ شهر محرم ۱۳۲۸ - مجلس هم دو روز است روضه می‌خوانند که یکی دو روز دیگر هم بخوانند، تمام دستجات می‌آمدند مجلس می‌رفتند، قمه‌زن، سینه‌زن زیادی می‌آمدند و می‌رفتند.

یکشنبه ۱۱ محرم ۱۳۲۸ - عصری یک ساعت به غروب مانده پیاده رفتم به مجلس، روضه، هنگامه غربی بود از جلوی خان جمعیت بود تا توی عمارت، راه بند بود. دسته سینه‌زن هم می‌آمد و می‌رفت. زن زیادی هم توی مجلس بودند. توی عمارت و گالری مملو بود از جمعیت، در حوضخانه برای زن‌ها روضه می‌خوانند و در بالاخانه برای مردها، در اغلب اطاق‌ها روضه می‌خوانند. آقا سید عبدالله و سایر مجتهدها و غیره و غیره از رجال، وزراء، اعیان، اشراف، شاهزادگان هر کس را

۸۸. عین‌السلطنه سالور، ج ۳، صص ۲۲۷۲، ۲۲۸۰-۲۲۸۱.

۸۹. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ج ۳، ص ۱۶۷۷.

۹۰. احمد کسروی، شیعیگری، تهران، جایخانه پیمان، ۱۳۲۲، ص ۴۶ و ۵۲.

می‌خواستید بود... ۹۱

سال ۱۳۲۸ قمری همانند سال ۱۳۲۷ پرماجر و پرتنش بود، سید عبدالله بهبهانی در این سال ترور شد، واقعه پارک اتابک و گلوله باران کردن ستارخان، باقرخان و مشروطه‌خواهان آذربایجانی نیز در این سال رخ داد. آشکار شدن نیت غیردینی دموکرات‌های افراطی و مقاومت نیروهای مذهبی شرایط خاصی در کشور به وجود آورده بود. محرم ۱۳۲۹ قمری در چنین شرایطی از راه رسید. در این سال به طور مشخص در منزل سیداحمد و سیدمحمد طباطبایی و مجلس شورای ملی مراسم عزاداری برپا بود. عزیزالسلطان می‌نویسد:

چهارشنبه ۹ شهر محرم ۱۳۲۹ - رفتم منزل آقا سیداحمد برادر آقا سیدمحمد مجتهد، خود آقا سید محمد هم بود، آقا سید محمد از رویت برگشته، شکل عجیبی پیدا کرده است.

پنجشنبه ۱۰ شهر محرم ۱۳۲۹ - امروز و فردا در مجلس روضه می‌خوانند. یکی دو دسته سینه‌زن هم آمدند منزل ما... عصری رفتم خانه آقا سید محمد به روضه، در آن حیاط کوچک جمعیت زیادی بود، مجلس خوبی بود واقعاً عزا بود.<sup>۹۲</sup>

در سال ۱۳۳۰ قمری دعوی دموکرات و اعتدالی بالا گرفت، ناصرالملک نایب‌السلطنه در ۱۳۲۹ قمری با بستن مجلس اقدامات دموکرات‌ها را مختل کرده بود لذا در برخی مجالس روضه محرم ۱۳۳۰ قمری حملات فراوانی به وی می‌شد. از ابتدای محرم در مسجد شیخ عبدالحسین به واسطه بسته شدن مجلس به ناصرالملک فحش می‌دادند. ناصرالملک هم در منزل خود مراسم عزاداری به پا کرده و به رؤسای دسته‌ها پول می‌داد که «اسباب تجمل برای دسته‌ها را زیاده‌تر درست کنند».<sup>۹۳</sup>

۷ محرم [۱۳۳۰] - امروز در مسجد شیخ عبدالحسین خیلی به ناصرالملک و وزراء بد گفته بودند و فحش داده بودند.<sup>۹۴</sup>

شنبه ۸ محرم ۱۳۳۰ - امروز هم وکلارا برای روضه [در خانه ناصرالملک] دعوت کرده، یعنی وکلای معزول را... شهر طهران هم خوب نظامی است، همه جا ژاندارم و پلیس هست که اغتشاش نشود و چند از دموکرات‌ها را گرفته‌اند.

یکشنبه ۹ شهر محرم ۱۳۳۰ - رفتم روضه منزل مؤیدالدوله، شب هم اجزاء

۹۱. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ج ۳، ص ۱۷۴۱-۱۷۴۰.

۹۲. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ج ۳، ص ۱۹۶۶.

۹۳. همان، صص ۲۱۷۷، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳.

۹۴. همان، ص ۲۱۸۳.

قزاق‌ها دسته شده بودند و یکی یک شمع به دست ماها داده (بودند). حضرت اقدس (نایب‌السلطنه) شربت به دست مبارک خودشان می‌دادند.  
دوشنبه ۱۰ محرم ۱۳۳۰ - امروز هم شهر منظم بود، قزاق و پلیس و ژاندارم و بختیاری زیادی همه جا بودند. دسته‌ها منظم بودند. دولتی‌ها سخت ایستادگی دارند، هرکس که اسباب بی‌نظمی بشود می‌گیرند.<sup>۹۵</sup>

اما عاشورا در تبریز وضع به گونه‌ای دیگر بود. قوای متجاوز روسیه پس از اشغال تبریز، ثقة‌الاسلام تبریزی و چند تن دیگر از مبارزان را در روز عاشورای ۱۳۳۰ق به دار کشیده و به شهادت رساندند.

در محرم ۱۳۳۱ق نیز مراسم عزاداری در شهرهای ایران برپا بود، در تهران آقا سید احمد مجتهد طباطبایی و امام جمعه خوبی مجلس خوبی برپا کرده بودند. به علت خرابی وضعیت توزیع نان در تهران، در پنجم محرم زن‌ها به بازار رفته و «فحش زیادی به کاسب‌ها داده بودند که شماها رفتید سفارت پلو خوردید ما را به این روز سیاه نشانید».<sup>۹۶</sup>

عاشورای آن سال هم دسته‌های زیادی در شهر بود و اتفاق خاصی هم روی نداد. گزارشهای موجود حاکی از آن است که محرم ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ق نیز مجلس عزاز سوی مردم با شکوه برپا شده بود. دسته‌های سینه‌زنی و مجالس روضه‌خوانی در ۱۳۳۳ق فراوان بود. در روز عاشورای این سال با هر دسته تعدادی ژاندارم، پلیس و قزاق حرکت می‌کردند.<sup>۹۷</sup>

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۳۲ق جنگ جهانی اول آغاز شد و دولت ایران در ذیحجه همان سال با انتشار اطلاعیه‌ای اعلان بی‌طرفی در جنگ نمود. در محرم سال ۱۳۳۳ق قوای عثمانی به مناطق مرزی ایران در غرب و شمال غربی هجوم آوردند. سپس شمال و جنوب ایران را قوای روس و انگلیس اشغال کردند. روس‌ها تا آستانه اشغال تهران نیز پیش آمدند. در محرم ۱۳۳۴ق کشور ما همچنان در تب و تاب تهاجمات نظامی بیگانگان قرار داشت و با توجه به اختطاریه‌ای که روس و انگلیس به ایران دادند و پایتخت را تهدید نمودند اوضاع کشور به هم ریخت. در تهران مردم مسلح شدند و شهر حالت اضطراری به خود گرفت. قوای روس که تا آستانه ورود به پایتخت پیش آمده بودند بنا بر ملاحظاتی از اشغال تهران منصرف شدند. عزیزالسلطان که در این سال در

۹۵. همان، ص ۲۱۸۵-۲۱۸۶، ۹۶. همان، ص ۲۳۵۴.

۹۷. همان، ج ۴، ص ۲۵۴۴، ۲۵۴۷، ۲۷۷۶، ۲۷۷۷.

تبریز به سر می‌برد از وضعیت عزاداری در آن شهر این چنین گزارش می‌دهد:  
 جمعه ۴ محرم ۱۳۳۴... وضع عزاداری تبریز غیر از تهران است اولاً از روز یازدهم  
 ذیحجه شروع به دسته شاه حسینی می‌کنند و از اول محرم دسته‌های زیاد راه  
 می‌افتند و مشغول سینه‌زدن می‌شوند و توی بازارهای تنگ تبریز از شدت دسته راه  
 نیست که آدم عبور بکند، خیلی جمعیت زیاد می‌شود. همین‌طور رفته‌رفته روز به  
 روز زیاد می‌شود تا روز عاشورا.<sup>۹۸</sup>

در محرم ۱۳۳۵ق احمدشاه در حیاط کریم‌خانی جلسه روضه برپا کرد. عزیزالسلطان  
 که همچنان در تبریز به سر می‌برد گزارش مفصلی از عزاداری دهه محرم در آن شهر ارائه  
 می‌دهد که بیانگر برگزاری باشکوه عزاداری در آن سال در تبریز می‌باشد.  
 در ۱۳۳۶ق نیز عزاداری بر شهدای کربلا در ایران برپا بوده است. کسروی با کینه‌ای  
 که از تشیع و شعائر آن دارد خبر از برپایی مجالس روضه در سال ۱۳۳۶ق در تبریز  
 می‌دهد.<sup>۹۹</sup>

در آستانه محرم ۱۳۳۸ق ایران در تب و تاب مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ می‌سوخت. در  
 ذیحجه ۱۳۳۷ق محصلین تهرانی با انتشار اعلامیه‌ای از علما خواستند که مساجد را  
 سیاهپوش کنند و عموم مردم را به قیام بر علیه قرارداد ترغیب و دعوت نمایند. جمعی از  
 وعاظ نیز در مجالس روضه‌خوانی در مسجد شیخ عبدالحسین بر علیه قرارداد سخنرانی  
 کردند.<sup>۱۰۰</sup>

با وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ روند جدیدی در عرصه سیاسی و فرهنگی ایران  
 آغاز می‌شود که به مرور زمان ابعاد مختلف آن آشکار می‌گردد. رئیس برنامه اجرایی این  
 روند جدید را حسن اعظام قدسی در کتاب خاطرات من به نقل از یکی از دوستان خود که  
 در دوره چهارم از خراسان انتخاب شده بود بازگو می‌کند. دوست حسن اعظام قدسی در  
 ملاقاتی که با کنسول انگلیس در مشهد داشت از او در خصوص کودتای ۱۲۹۹ و اهداف  
 آن می‌پرسد و کنسول پاسخ می‌دهد:

۱. پس از شکست قرارداد ۱۹۱۹ از ناحیه نایب‌السلطنه هندوستان برای برقراری نظم  
 و تهیه قواعد ایران پیشنهاد گردید. در پیشنهاد نایب‌السلطنه چند ماده ذکر شده بود که  
 برای آتیه ایران باید عملی و اجرا گردد... ۱. تمرکز قوای نظامی و سیاسی در یک جا.  
 ۲. استقلال پول ایران از راه نشر اسکناس به وسیله بانک تأسیس شده دولت ایران.  
 ۳. تجدید قرارداد نفت و پایدار بودن آن. ۴. از بین بردن عشایر خاصه سرحد داران

۹۹ کسروی. همان. ص ۲۴.

۹۸. همان، ج ۴، ص ۹-۲۰، ۳۰۱۰، ۳۰۱۱.

۱۰۰. مجله آینده، سال چهاردهم، شماره ۱۲-۹، آذر - اسفند ۱۳۶۷، ص ۵۸۸.

نقاط مرزی ایران و مستقر ساختن [افراد] نظامی در آن نقاط. ۵. از بین بردن روحانیون و ضعیف کردن آنان از راه اعمال و رفتار خودشان که در بین جامعه ایران است. ۶. برهم زدن بساط عزاداری که خود بزرگ‌ترین وسیله برای خنثی نمودن سیاست استعماری دولت بریتانیا است. ۷. گرفتن کارهای بزرگ از مردان مآل‌اندیش و دادن به دست مردان جوان فرومایه بی‌ایمان و تعصب.<sup>۱۰۱</sup>

اجرای این سیاست‌ها همان‌طور که آشنایان با تاریخ معاصر ایران مطلع می‌باشند گام‌به‌گام صورت گرفت و رضاخان برای رسیدن به مقاصد خود و اجرای برنامه‌های بیگانگان ابتدا تظاهر به دیانت کرد. اعظام قدسی هنگام ذکر وقایع سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۳۴۱ ق می‌نویسد:

#### سردار سپه در عزاداری

سردار سپه پس از موفقیت‌های فوق‌الذکر به فکر افتاد که حالا باید توجه مردم را به خود جلب و معتقد به خود نماید و بهترین راه هم اعمال مذهبی خاصه عزاداریست که عامه طبقات متوجه خواهند گردید. من‌الافتاق ماه محرم که عموم مردم مشغول عزاداری و مجالس در تمام طهران دایر است.

سردار سپه روز دهم محرم روز عاشورا دسته قزاق با یک هیئت از صاحب منصبان در جلو و افراد با بیرقها و کتل با نظم و تشکیلات مخصوص از قزاقخانه حرکت، میدان توپخانه خیابان ناصریه به بازار آمده، صاحب‌منصبان در جلو و در جلو آنها سردار سپه با یقه باز و روی سرش کلاه و غالب آنها به سرشان گل زده بودند و پای برهنه وارد بازار شدند و دسته سینه‌زن از افراد که چند قدم ایستاده نوحه‌خوان می‌خواند و افراد سینه می‌زدند.

پرواضح است که مشاهده این حال در مردم خوش‌باور خالی از تأثیر نبود، و شخص وزیر جنگ از این پس بین عامه مردم یک شخص مذهبی و مخصوصاً پایند به عزاداری که ایرانیان خیلی به آن علاقه‌مند می‌باشند معرفی شده، و ایشان شبها نیز به مجالس روضه اصناف هم می‌رفت، و در مجالس روضه آنان شرکت می‌جستند، بعضی از وعاظ و روضه‌خوان‌های روی منابر از او تعریف و او را دعا می‌کردند. و مردم از زن و مرد متوجه می‌شدند که وزیر جنگ به روضه می‌آید، و نویسنده خود چه در خیابان ناصریه و چه در مسجد شیخ‌عبدالحسین (ترکها) دسته قزاق را به طوری که ذکر شد و وزیر جنگ در جلو سینه‌زنها مشاهده نمودم.

روز عاشورا هم پس از بهم خوردن دسته عزاداران قزاق عده‌ای از آنان به زندان

۱۰۱ حسن اعظام قدسی. خاطرات من. تهران، ابوریحان، ۱۳۴۹. ص ۱۵-۱۶.

شهربانی ریختند و متجاوز از سیصد نفر از محبوسین را به زور متخلص کردند. و نیز شب یازدهم دسته قزاق‌ها به بازار آمده با در دست داشتن شمع و شام‌غریبان گرفته بودند، و خود سردار سپه سر و پای برهنه شمع در دست گرفته و در مسجد جامع که متعلق به کاشیها و مسجد شیخ عبدالحسین (ترکها) که از بزرگ‌ترین مجالس روضه آن روز بود آمدند و یک دور، دور مجلس گردش کردند و نیز در قزاق‌خانه مجلس روضه دایر و از تمام محلات طهران و شمیرانات به آن مجالس می‌رفتند.<sup>۱۰۲</sup>

عین‌السلطنه سالور نیز از محرم این سال چنین گزارش می‌دهد: «جمعه هشتم محرم ۱۳۴۱ق/ ۱۳۰۱ش - تعزیه‌داری همه جا هست، دسته‌جات سینه‌زن با طرز خوشی خالی از ریا حرکت می‌کنند، همه یک قبای مشکی که سینه آن باز است تن و یک عرق چین مشکی به سر، تقریباً همه به یک لباس و یک مد ملبس هستند. زنجیرزن‌ها به جای سینه، پشتشان باز است...»<sup>۱۰۳</sup>

رضاخان در سال‌های اولیه پس از کودتا با زیرکی تمام سعی کرد با شرکت در مراسم مذهبی بدینی عمومی را نسبت به خود و جریان کودتا کاهش دهد. امام خمینی (ره) که خود ناظر اقدامات رضاخان بود در این باره می‌فرماید:

من از همان زمان کودتای رضاخان تا امروز شاهد همه مسائل بوده‌ام. رضاخان آمد و ابتدا با چاپلوسی و اظهار دیانت و سینه‌زدن و روضه به پا کردن و از این تکیه به آن تکیه رفتن در ماه محرم مردم را اغفال کرد، رضاخان بعد از این که کودتا کرد و آمد تهران را گرفت، به صورت یک آدم مقدس اسلامی خدمتگذار به ملت درآمد حتی در جلسه‌هایی که در محرم انجام می‌گرفت در تکیه‌های زیادی که در تهران بود آن وقت، می‌گفتند او می‌رود و شرکت می‌کند و دستجاتی که از نظامی‌ها در تهران بیرون می‌آمد من خودم دیده‌ام و مجلس روضه‌ای که از طرف خود رضاخان با شرکت خودش تأسیس می‌شد من یکیش را خودم دیده‌ام، این بود تا وقتی که حکومتش مستقر شد. اغفال کرد ملت را، اغفال کرد همه قشرها را تا اینکه جای پایش محکم شد.<sup>۱۰۴</sup>

محرم سال ۱۳۴۱ق/ ۱۳۰۱ش ظاهراً بسیار باشکوه برگزار شد. در مسجد شیخ عبدالحسین آقای دستغیب شیرازی نماینده مجلس و میرزا عبدالله واعظ، واعظ

۱۰۲. همان، ص ۵۱-۵۲. ۱۰۳. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ج ۸، ص ۶۴۹۹. ۱۰۴. تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی، به کوشش سید محمد هاشمی تروجی - حمید بعیرت منش، تهران، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۸۱-۸۲.



می‌کردند و بیشتر از سیاست و تدین اسلام می‌گفتند و از جراید بد می‌گفتند. در شب و روز عاشورا دسته‌های مفصلی حرکت کردند.

در این سال‌ها دسته‌های تهران از محلی به صنفی تبدیل شده بود. هر یک از اصناف دسته‌ای داشتند و دسته جمعی حرکت می‌کردند، تشریفات عزاداری کم ولی بر سوگواری افزوده شده بود. سردار سپه نیز ناظر حرکت دسته‌ها بود. دسته‌های ارتشی نیز با موزیک در حرکت بوده و به سروسینه می‌زدند و می‌خواندند:

زبیداد کوفی و از جور شامی      چکد خون ز چشم نظامی!!

در شب شام‌غریبان نیز دسته‌ها با روشن کردن شمع در خیابان‌ها به حرکت در آمدند. ظاهراً راه‌انداختن چنین دسته‌ای سابقاً در تهران معمول نبود.<sup>۱۰۵</sup>

عین‌السلطنه سالور از شرکت سردار سپه و فکلی‌ها و متجددین در عزاداری این چنین یاد می‌کند:

یک دسته نظامی با صاحب منصب زیاد که جلوی آنها سردار سپه حرکت می‌کرد سروپای برهنه در بازار دیده شد. خود سردار هم سروپای برهنه بود به همه مساجد رفته بود و بسیار جالب توجه واقع گردید. حقیقتاً طهران همان‌طور که مرکز مملکت است مرکز عزاداری هم هست و این حقیقت معجزه امام است، زیرا به تمام ارکان و جوارح مذهب ما در این سنوات خلل وارد شده، جز به عزاداری حضرت خامس آل عبا(ع).

#### عزاداری همگان

این متجددین ما، این متمدنین ما، این اولادهای قرن بیستم طلائی، این پیروان غریب‌داس و چکش، بیشتر از آن کهنه‌پرستان به این کار عقیده دارند و ما می‌دیدیم فلان آقا که در عمرش رنگ نماز و روزه، طاعت، عبادت ندیده همیشه نجس بوده از هیچ حلال و حرامی امتناع ندارد با آن لباس فاخر و شیک، با آن فکل و کراوات که چشم را خیره می‌کند، با عطر و صابونی که روزی شش مرتبه استعمال می‌کند در این ایام عزا مثل آحاد مردم توی مجالس عزا و مساجد، روضه، خاکسار گریه می‌کند، ناله می‌کند، یا حسین یا حسین می‌گوید. شب عاشورا پای برهنه راه می‌رود. روز عاشورا به سر و سینه می‌زند. اشک از چشمش مثل باران جاری است. یک همچو تغییری جز معجزه امام چیز دیگری نیست. هرکس جز آن بدانند انصاف نداده است.<sup>۱۰۶</sup>

در روز عاشورای این سال همان‌طور که اعظام‌الوزاره در خاطرات خود ذکر کرده بود

۱۰۵. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ج ۸، ص ۶۵۰۰-۶۵۰۲.

۱۰۶. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ج ۸، ص ۶۵۰۶-۶۵۰۷.

تعدادی از قمه‌زن‌های دسته قزاق‌ها به عمارت نظمیه ریخته و درب زندان‌ها را باز می‌کنند. عین‌السلطنه تعداد فراری‌ها را هشتصد نفر ذکر می‌کند.<sup>۱۰۷</sup>

محرم سال ۱۳۴۲ق / ۱۳۰۲ش نیز در شهرهای ایران عزاداری برپا بود. مهاجرت علمای عتبات از عراق به ایران موجی از احساسات اسلامی و ضدانگلیسی را در کشور ما برانگیخته و به همین جهت مراسم روضه و عزاداری نیز با شکوه‌تر برگزار گردید.<sup>۱۰۸</sup>

سال ۱۳۰۳ شمسی که مردادماه آن مصادف با محرم ۱۳۴۳ قمری بود، سالی پر حادثه در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. در دوم فروردین این سال مسئله جمهوری‌خواهی ساختگی رضاخانی به منازعه‌ای گسترده تبدیل شد که با شکست رضاخان خاتمه پذیرفت، رضاخان به قهر به رودهن رفت و نظامیان با برپایی مانورهای نظامی به تهدید مردم و مخالفان وی پرداختند و نهایتاً او را به تهران و برمسند قدرت برگرداندند. میرزاده عشقی در تیرماه این سال ترور شد و به قتل رسید. ۱۵ روز بعد از ترور عشقی، مازور ایلمبری کنسول آمریکا در ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۰۳ش هنگام عکس‌برداری از سقاخانه آشیخ‌هادی مضروب و مقتول گردید و بلافاصله در تهران حکومت نظامی اعلام شد. قتل وی ناشی از رقابت کمپانیهای نفتی در ایران بود. ۱۱ مرداد ۱۳۰۳ش، ۱۵ روز پس از اعلام حکومت نظامی محرم سال ۱۳۴۳ق آغاز شد. با توجه به حکومت نظامی و دستگیری‌های گسترده ظاهراً مراسم عزاداری طبق سنوات گذشته در تهران برگزار نشد. در ششم محرم مدرس و دو تن از همراهان وی به جرم طرح استیضاح سردار سپه در مجلس، مورد ضرب و جرح عوامل رضاخان قرار گرفتند و مجروح شدند.

محرم ۱۳۴۴ق / مصادف با ۳۱ تیرماه ۱۳۰۴ش بود. در این سال به گزارش عین‌السلطنه سالور: «روضه‌ها کمافی السابق دایر است» و زن‌ها همان فریادها را می‌کنند. رئیس‌الوزراء شهرستانک رفته، بعضی حرف‌ها در اطراف این مسافرت عاشورا می‌زنند.<sup>۱۰۹</sup>

رضاخان در این سال برخلاف دو سال اول پس از کودتای روز عاشورا در تهران نماند و به شهرستانک رفت. درگیری او با مردم و اوج‌گیری مخالفت‌ها با او، مخصوصاً ضرب‌شست نوروز ۱۳۰۳ مردم به او، وی را خشمگین کرده و ترسانده بود. در دهه سوم محرم این سال آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری از علمای بزرگ تهران وفات یافتند و تشییع جنازه با شکوهی برپا گردید و سردار سپه به سبب ترس از مردم در این

۱۰۷. همان. ص ۶۲۲۶. ۱۰۸. همان. ص ۶۶۵۰.

۱۰۹. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ج ۹، ص ۷۳۰۲.

مراسم حضور پیدا نکرد.<sup>۱۱۰</sup> اولین نشانه‌های ایجاد محدودیت برای عزاداری رفته‌رفته نمایان می‌شد. چهل روز قبل از محرم ۱۳۴۴ق رضاخان به آذربایجان سفر کرد. و در ۱۹ خرداد ۱۳۰۴ وارد تبریز شد. هنگام اقامت وی در تبریز شب‌نامه‌ای پخش شد که در آن از «حضرت اشرف» خواسته شده بود حدی برای روضه و ایام آن معین شود. «به مجرد انتشار این شب‌نامه در تمام محلات، تکایا، گذرها شروع به روضه کردند. دستجات سینه‌زن حرکت کرد. به این واسطه نظامیان را از شهر خارج کردند. مبادا جنگی بشود.»<sup>۱۱۱</sup>

در مجالس عزاداری تهران به علت اقدامات سردار سپه بر علیه قاجاریه، مردم ابراز احساسات فراوانی نسبت به احمدشاه که در خارج به سر می‌برد و محمدحسن میرزا ولیعهد اظهار می‌کردند. و این در شرایطی بود که عزاداری دربار احمدشاهی هیچ رنگ و بویی از عزاداری دربار عصر ناصری و مظفری نداشت. ازدحام مردم در روضه کاخ گلستان که ولیعهد در آن شرکت می‌کرد چشمگیر بود. به گزارش عین السلطنه: «جمعیت کسبه بازاری، علما، طلاب، رجال، محترمین، شاهزادگان همه می‌آیند. به حدی که آن فضای به آن بزرگی تنگ می‌شود و اطراف باغچه و حوض‌ها می‌نشینند. به شاه و ولیعهد که دعا می‌کنند آمین را بقدری بلند می‌گویند که تا خارج ارگ و خیابان ناصریه صدای آنها می‌رود.»<sup>۱۱۲</sup>

قزاقخانه هم برای مقابله با دربار، روضه‌خوانی مفصلی برقرار کرده بود. در هشتم محرم ظاهراً دسته محله شاه‌آباد را جبراً به روضه سردار سپه بردند. عین السلطنه به نقل از اعظم‌الدوله که در آن مجلس حضور داشت می‌نویسد:

همه افراد [نظامی بود مگر صدنفر متفرقه بودند... حضرت اشرف... امروز مثل برج زهرمار بود. اعتنا به احدی نکرد جز به مشیرالدوله و آیه‌الله‌زاده شیرازی. دسته‌جات شهری دو تا آمدند. ابوالقاسم نوکر عمیدالدوله می‌گفت جبراً مال شاه‌آباد را بردند. دستجات دیگر می‌رفت، رئیس کمیته سرپیچ جلوگرفت [که] اگر نروید سردهسته‌ها را امشب توقیف می‌کنم.<sup>۱۱۳</sup>

در شرایطی که درگیری و رقابت بین قاجاریه و سردار سپه اوج گرفته بود و رضاخان به بهانه اینکه تهدید به ترور شده است شرایط نظامی در تهران به وجود آورده بود،<sup>۱۱۴</sup> رقابت دو کانون قدرت در عزاداری محرم نیز در سال ۱۳۴۴ق نمود خاصی پیدا کرده

۱۱۰. همان، ص ۷۳۱۴

۱۱۱. همان، ص ۷۳۰۳

۱۱۲. همان، ص ۷۳۰۶

۱۱۳. همان، ص ۷۳۰۶

۱۱۴. همان، ص ۷۳۰۵

بود. این رقابت را از مقایسه دو گزارش عین السلطنه سالور به خوبی می‌توان دریافت.

#### دسته نظامی‌ها در عاشورا

شنبه دهم [محرم ۱۳۴۴ق] - امروز عاشورا بود، من فقط جلوی بازار خودمان ایستاده تماشای دسته‌جات را می‌کردم. همه خیرها همین جاست. دسته نظامیان گذشت خیلی مبگی و با شکوه، اول کتل و یدک و سواره نیزه‌دار، بعد موزیک و شاگردان مدرسه نظام، بعد پیاده نظام، توپخانه، سواره همه سرهای باز، بعضی دسته‌جات لخت، صاحب‌منصبان سربرهنه جلو، بعد اصناف متعلق به نظام از قبیل خباز، کفاش، خیاط، دو ذوالجناح هم داشتند: یکی ترکها یکی فارسها، ترک و فارس هم جدا بود، آنها فارسی اینها ترکی نوحه سرانی می‌کردند. واقعاً رقت‌آور بود. در حقیقت از دیشب الی یک ساعت بعد از ظهر. بلافاصله از اینجا دسته‌جات سینه زن گذشت. از روز هشتم هم بازار قدغن شد زن عبور نکند و خیلی مایه خشم خانمها بود، فقط زن‌ها در خیابانها حق توقف داشتند. اما مردها را چرا در سبزه میدان راه نمی‌دادند یکی از اسرار بود و مکتوم ماند. از شب هم دسته‌جات شب غریب شروع می‌شود تا صبح. بلدیة امروز به حال مردم شفقت کرده فاصله به فاصله «دوسکومی» آب گذاشته بود.<sup>۱۱۵</sup>

#### روضه دربار

روضه دربار جلوه کرده. روزی ده دوازده هزار آدم می‌رفت، منتهی نو و کهنه می‌شدند و آنچه ثابت بود قرب شش هفت هزار می‌شد. والا حضرت هم که بدون تکبر و قید جلوس می‌کرد بیشتر مورد توجه مردم واقع شده بود. دیروز یک روضه‌خوانی جرأت کرد و گفت خدایا به این عزاد، به این منبر، شاه را به ما برسان، تمام مردم آمین گفتند. همه کار را به زور می‌شود پیش برد، اما قلب مردم را به زور نمی‌شود صاحب شد. این همه تظاهرات عوام‌فریبی، پروپاگاندا و مخارج که سردار سپه می‌کند باز قلبها جای دیگر است. هرچند به قلب ایرانی اعتماد نیست. لیکن ظاهراً این است. یک مزیت هم گلستان از دربار قراقخانه دارد که جمعیت زیادتر می‌شود. اولاً ناف شهر و جنب بازارها، کاروانسراها و توده ملت است. ثانیاً باغ و آب و قضا و صفا و هوای جید. ثالثاً تماشای قصر سلطنتی که اغلب ندیده‌اند. این رقابتها بالاخره نتیجه خوشی ندارد و نمی‌دانم چه اوضاعی است و چه می‌شود.<sup>۱۱۶</sup>

عین السلطنه اضافه می‌کند: به جهت آن که در روضه دربار خیلی احساسات شاه‌طلبی

۱۱۶. همان، ص ۷۳۰۸.

۱۱۵. همان، ص ۷۳۰۷.

بروز داده شد خلق مبارک حضرت اشرف [ سردار سپه ] به درجه‌ای تنگ است که فحش، ناسزا مثل باران در محضر شریف می‌بارد.<sup>۱۱۷</sup>

ظاهراً در محرم همین سال آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی (رضوان الله تعالی علیه) در هیئت‌های مذهبی تهران سخنرانی‌های تندی بر علیه رضاخان داشتند. در اواخر ماه صفر ۱۳۴۴ قمری احمدشاه طی تلگرافی به سردار سپه اعلام کرد که آماده مراجعت به ایران است. چند روز بعد به مناسبت کمبود نان و ارزاق عمومی بازار تهران تعطیل شد و جمعیت زیادی از زنان تهران به اطراف مجلس رفته و طی تظاهراتی خواستار نان و ارزاق عمومی شدند و در نهایت به ضرب و جرح نمایندگان مجلس پرداختند. سه روز بعد تظاهرات مردم در مقابل مجلس شورای ملی به دستور سردار سپه به گلوله بسته شد و عده‌ای کشته و زخمی شدند. حاکم نظامی تهران نیز از فرصت استفاده و تعداد زیادی از مخالفین سردار سپه را دستگیر کرد. همزمان در تبریز عوامل رضاخان تظاهراتی بر علیه قاجاریه تدارک دیدند و با هماهنگی که در سراسر کشور صورت گرفته بود، دامنه تظاهرات به سایر نقاط نیز کشیده شد. با انجام انتخابات هیئت رئیسه مجلس، طرفداران رضاخان از جمله سید محمدتدین در هیئت رئیسه مجلس جای گرفتند. در نهم آبان ماده واحده انقراض قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان پهلوی به زور دشته و سرریزه به تصویب مجلس رسید. در ۲۲ آذر ۱۳۰۴ش نیز مجلس مؤسسان با تغییر چند ماده از قانون اساسی، سلطنت ایران را به سلسله پهلوی واگذار نمود.

با صعود رضاخان به سلطنت، وی رفته رفته پرده از روی مقاصد اصلی خود برداشت. و تضاد بین وی و علما و مردم هر روز افزایش یافت. ضرب و جرح آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی که در نوروز ۱۳۰۶ش به حضور سبکسرانه و غیرشرعی خاندان سلطنتی در حرم حضرت معصومه (س) اعتراض نموده بود آغاز ماجرابی شد که حامیان بریتانیایی رژیم جدیدالتأسیس پهلوی برای اجرای تهاجمات گسترده به دین و فرهنگ دینی طراحی کرده بودند. در آبان همین سال قیام حاج آقا نورالله اصفهانی صورت گرفت. در مهرماه ۱۳۰۷ش آیت‌الله سید حسن مدرس دستگیر و تبعید شد و قانون لباس متحدالشکل نیز به تصویب مجلس رسید. در همین سال وزارت معارف مأمور تهیه قوانین مربوط به امتحان روحانیون و تعیین صلاحیت آنان شد. اخذ جواز عمامه مستمسکی برای دولت و نظمیته شده بود که هر از چند گاهی در دسرها و اهانت‌هایی برای روحانیون در برداشت. از ۱۳۱۳ش پس از سفر رضاخان به ترکیه تهاجم به فرهنگ و شعائر دینی ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد. هفت سال زمینه‌سازی سیاسی، فرهنگی و پلیسی

شرایط را برای هجوم گسترده به هرچه رنگ‌وبوی دینی و ملی داشت فراهم ساخته بود. قانون تغییر کلاه بهلوی به کلاه بین‌المللی (شاپو) و اعلام مقررات مربوط به محدودیت مجالس ختم، از جلوه‌های این تهاجم جدید بود.

قیام گوهرشاد و کشتار مردم، نتیجه اتخاذ سیاست تهاجم گسترده به دین و فرهنگ ملی بود. با سرکوب قیام گوهرشاد تبلیغات گسترده‌ای برای کشف حجاب بانوان آغاز شد که در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ش صورتی رسمی و اجباری به خود گرفت. تردد زنان و دختران با حجاب در شهرها و دهات و مراکز دولتی و زیارتگاهها ممنوع و با عکس‌العمل شدید مأموران دولتی مواجه شد. حدود دو ماه و نیم پس از رسمیت یافتن کشف حجاب ماه محرم ۱۳۵۵ق که مصادف با نوروز ۱۳۱۵ش بود آغاز شد. قبل از فرارسیدن ماه محرم مکاتبات گسترده‌ای از دوایر و ادارات دولتی شهرستان‌ها به سوی مرکز سرازیر شد. مضامین عمده این مکاتبات اظهار موفقیت در کشف حجاب و استعلام این نکته بود که برای ورود زن‌ها به مساجد و مجالس روضه چه ترتیبی اتخاذ شود. «زن‌ها با کلاه وارد شوند یا دستمال سر ببندند».<sup>۱۱۸</sup> جالب اینجاست که در همین ایام، ورود بانوان با چادر به حرم امام رضا(ع) ممنوع شده بود. براساس بخشنامه محرمانه وزارت داخله در ۱۳۱۴/۱۲/۲۸ «در ایام سوگواری محرم و صفر راه انداختن دستجات ممنوع» شد. «به شهربانها دستور داده شد در مجالس روضه هم اگر ممکن است صندلی و نیمکت گذاشته که مردم راحت بنشینند...»<sup>۱۱۹</sup>.

در هشتم محرم ۱۳۵۵ق / ۱۳۱۵ش استانداری خراسان طی نامه محرمانه‌ای به حکومت قاینات اعلام می‌کند: «در صورت حضور خانم‌ها در مجالس روضه‌خوانی زن و مرد با هم روی صندلی و نیمکت نشسته استماع روضه نمایند».<sup>۱۲۰</sup>

در دستورالعمل‌های بعدی صراحتاً بستن دستمال یا روسری برای شرکت در مجالس روضه‌خوانی ممنوع اعلام می‌شود.<sup>۱۲۱</sup>

پاکروان استاندار خراسان در محرم ۱۳۱۵ش برگزاری جلسات روضه‌خوانی در داورزن سبزوار و احتمالاً سایر نقاط را ممنوع اعلام کرد.<sup>۱۲۲</sup>

در سال ۱۳۱۶ش طی اطلاعیه محرمانه وزارت داخله روضه‌خوانی نیز ممنوع

۱۱۸. واقعه کشف حجاب. به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. تهران، ۱۳۷۱. ص ۱۹۴.

۱۱۹. خشونت و فرهنگ. سازمان اسناد ملی ایران (مدیریت پژوهش آموزش و انتشارات)، ۱۳۷۱. ص ۱۶ و واقعه کشف حجاب. ص ۲۰۰. ۱۲۰. همان. ص ۱۴۴.

۱۲۱. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران سند ۱۱-۴۱۱-۳.

۱۲۲. واقعه کشف حجاب. صص ۱۲۴ و ۱۹۴.

می‌شود و از طرف دولت اعلام می‌گردد: «مسئله کشف حجاب و تقلیل جواز عمامه و جلوگیری از روضه‌خوانی و خارج کردن خرافات از سر مردم و آشنا نمودن به اصول تمدن امروزه رسالت اساسی داخلی دولت است.»<sup>۱۲۳</sup> به این ترتیب در سیاه‌ترین سالهای سلطنت رضاشاه فرامین استعمارگران به طور کامل اجرا شده مردم مسلمان و حسینی ایران که از عزاداری در ملاء عام منع شده بودند در خلال این سالهای تیره و در بدترین شرایط در داخل سردابها و زیرزمینها و یا تیمه‌های شب و سحرگاهان برای سرور شهیدان اقامه عزا می‌کردند. البته در برخی موارد مقاومتهایی صورت می‌گرفت، برای نمونه در خاطرات مربوط به آیت‌الله شاه‌آبادی بدون ذکر تاریخ آمده ایشان در سالهای ممنوعیت عزاداری در روز تاسوعا یا عاشورا در مسجد جامع بازار به‌رغم ممانعت مأموران مراسم زیارت عاشورا برپا کردند.<sup>۱۲۴</sup>

دکتر باستانی یاریزی نیز نارضایتی مردم را از سیاستهای ضد‌مذهبی رضاخان از زبان محمدابراهیم خان شوکت‌الملک علم این چنین بازگو می‌کند:

در همان ایام رضاشاهی که مردم روضه‌خوانی خود را قاطعی و شبانه انجام می‌دادند، و زنها چادر به سر می‌کردند و شبانه از پشت‌بامها خود را به روضه می‌رساندند، (و در کرمان این مراسم بارها تکرار شده بود)، باز امیر شوکت‌الملک از تأثیر عاشورا غافل نبود. این نکته را مرحوم بیغمائی بلاگو می‌کرد که در همان ممنوعیت عزاداری یک روز، مرحوم ملک‌الشعراء بهار به شوکت‌الملک گفته بود: الحمد لله که دیگر ولایت شما هم برق دارد، هم آب دارد، هم مدرسه دارد، هم سالن دارد، همه چیز هست، اینکه بعضی‌ها شکایت می‌کنند، دیگر چه می‌خواهند؟ مرحوم شوکت‌الملک گفته بود:

— آقای بهار، اینها برق نمی‌خواهند، اینها محرم می‌خواهند، اینها مدرسه نمی‌خواهند، اینها عاشورا می‌خواهند. کرب و بلا را به اینها بدهید، همه چیز به آنها داده‌اید. مثل اینکه پدر، خیلی بیشتر از پسر، و بهتر از مردم این مملکت را شناخته بود.<sup>۱۲۵</sup>

در خلال سالهای حکومت رضاخان هنگامی که حکومت شعائر حسینی را مورد هجوم قرار داده بود آیت‌الله شیخ محمدحسین نائینی فتوای مهمی در خصوص شعائر

۱۲۳. خشونت و فرهنگ، ص ۲۶ و ۱۲۸.

۱۲۴. عارف کامل، معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه‌آبادی، تهران، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، ۱۳۸۰، ص ۹۷.

۱۲۵. محمدابراهیم باستانی یاریزی، از سیر تاپاژ، تهران، نشر علم، زمستان ۶۷، ص ۵۵۳.

حسینی و در پاسخ به مردم بصره صادر می‌نمایند که تا سالهای پایانی رژیم پهلوی به ویژه سالهای پس از شهریور بیست و نیز در آستانه انقلاب اسلامی علما و مراجع دیگر آن را مورد تأکید و تأیید قرار می‌دهند. متن این فتوای مهم عبارت است از:

به نام خداوند آمرزنده و مهربان

### حضور اهالی محترم (بصره) و حومه آن!

سلام من به برادران معظم و عزیز «بصره»، و رحمت و برکات خداوند. تلگرافها و نامه‌های شما واصل شد که از دسته‌ها و موکب‌های سوگواری و از آنچه به این برنامه مربوط است پرسش کرده‌اید و اکنون لازم است در پاسخ این پرسش‌ها به بیان چند مسئله بپردازیم:

۱. به راه افتادن موکب‌ها و دستجات سوگواری در خیابان‌ها و بازارها در دهه‌ی (عاشورا) و ایام دیگر از موضوعاتی است که در جایز بودن آن نمی‌توان اشکال و شبهه‌ای کرد بلکه این روش از بهترین نمونها و مصادیق برپایی عزا و سوگواری برای امام مظلوم (ع) است و آسانترین وسیله‌ای است که می‌تواند به (دعوت حسینی) برای هر دور و نزدیک تبلیغ کند.

ولی لازم است این (شعار) را از آن چه مانند موسیقی و غنا و به کار بردن آلات لهو و نزاع در تقدم و تأخر اهل دو محله که مناسب چنین عبادتی نیست، منزه و دور داشت، و اگر چنین روشی در میان اقامه شعائر حسینی اتفاق بیافتد مسلماً حرام بوده ولی حرمت آن به اصل موضوع عزاداری سرایت نخواهد کرد، چنان که نگاه کردن به زن نامحرم در میان خواندن نماز حرام بوده ولی تأثیری در باطل بودن نماز نمی‌گذارد.

۲. در جواز نواختن دست به صورت و سینه به اندازه‌ای که موجب سرخی و سیاهی پوست صورت و سینه شود اشکالی نمی‌باشد، بلکه به قوت می‌توان گفت که (زننجیر زدن) نیز جایز بوده اگرچه اثر آن به اندازه سرخی و سیاهی شانه و پشت برسد. و اگرچه موجب خارج شدن خون شود که از بدن جریان پیدا کند.

اما خارج ساختن خون از پیشانی به واسطه زدن شمشیر و قمه در صورتی جایز است که انسان ایمن از ضرر آن باشد و بداند که صدمه‌ای به استخوان نرسیده و جریان خون به قدری نخواهد بود که موجب ضرر به بدن گردد، چنان‌که کارآزمودگان در قمه‌زنی می‌دانند.

اگر انسان طبق عادت هنگام زدن قمه ایمن از ضرر باشد ولی بعداً طوری خون جاری شود که موجب ضرر باشد از این هنگام موجب حرمت شده و حکم آن مانند کسی خواهد بود که با ایمن بودن از ضرر، وضو یا غسل یا روزه گرفته سپس ضرر



این اعمال برای او آشکار شده باشد.

لکن بهتر بلکه احوط آن است. افرادی که آشنا و کارآزموده به قمه‌زنی نیستند به این کار اقدام نکنند، مخصوصاً جوانانی که در اثر هیجان و شدت مصیبت حسینی و آکنده بودن دلهایشان از محبت حسینی (که خداوند آنان را در دنیا و آخرت به قول ثابت استوار گرداند) بدون توجه و مبالات به این کار اقدام می‌کنند.

۳. در جواز (شبهه‌خوانی) و نمایشهایی که در میان مردم شیعه برای برپایی سوگواری و گریستن و گریاندن در طول قرن‌ها مرسوم و عادت شده، ظاهراً اشکالی وجود دارد، اگرچه متضمن پوشیدن مردان لباس زنان را باشد.

ما اگرچه در فتوای سابق خود در چهار سال پیش، مسئله یاد شده را (پوشیدن مردان لباس زنان را در شبهه‌خوانی) مورد اشکال قرار داده بودیم، و لکن چون بار دوم به مسئله یاد شده دقت کردیم متوجه شدیم که حرام بودن تشبیه مرد به زن در صورتی مورد اشکال است که مرد با این کارش به طور کلی از هیئت مردی بیرون رفته و در هیئت زنان درآید، ولی در صورتی که مرد در مدت کمی لباس زنان را بپوشد بدون این‌که هیئت و (زی) خود را عوض کند چنانکه در (شبهه‌خوانی)ها مرسوم است بی‌اشکال می‌باشد و ما اخیراً این مسئله را در حاشیه خود بر «عروة‌الوثقی» نوشته‌ایم.

لازم به یادآوری است که باید در این امور از مجرمات شرعی اجتناب کرد اگرچه در صورت انجام حرامی، موضوع حرمت به اصل (شبهه‌خوانی) سرایت نمی‌کند.

۴. طبل زدن که در هیئت‌ها و موکب‌های عزا به کار می‌رود تاکنون حقیقت آن بر ما محقق نشده است، اگر مورد طبل زدن فقط برای اقامه عزا و هنگام جمع‌آوری افراد و اطلاع دادن راکب بر سوار شدن، و در هوسه‌های عربی و مانند آن باشد و در کارهای لهو و شادی آن‌چنان که در نزد ما در «نجف اشرف» معروف است استعمال نگردد ظاهراً آن است که جایز باشد. خداوند داناتست.

محمدحسین الغروی النائینی<sup>۱۲۶</sup>

عین‌السلطنه که در دوره قاجار و دوره سلطنت رضاخان حضور داشت در مقایسه‌ای

جالب بین این دو دوره از لحاظ برپایی عزاداری می‌نویسد:

#### قاجارها و احترام به دین

من نمی‌گویم ناصرالدین شاه شراب نمی‌خورد یا روزه می‌گرفت یا سلطان احمدشاه مقدس و نمازخوان بود اما صورت ظاهر را حفظ می‌کرد و به مقدسات دین احترام

۱۲۶. فتاوی علمای بزرگ پیرامون شعار حسینی. ترجمه ع-ص. مؤسسه امام صادق(ع). ص ۲۰-۱۵.

می‌گذاشتند. علما را تشویق کرده پاس احترام آنها را نگاه می‌داشتند. من خودم با ناصرالدین شاه همراه بودم پیاده تا مسجد شاه رفت و پای و عظم نشست. مسجد سپهسالار رفت نماز کرد. مثل تمام سلاطین روی زمین به هر دین و آئینی که هستند به آن احترام گذاشته به مقدسات آن تکریم می‌کنند.

#### رضاشاه و شام غریب

رضاشاه اول خیلی تظاهر کرد. جلوی دسته سینه‌زن می‌افتاد. خودم دیدم شب عاشورا و یازدهم شمع به دست گرفته با تمام افسرها مسجد به مسجد می‌رفت. شب غریب می‌گرفت. امیرلشکرها مثل خدایارخان، جان محمدخان، عبدالله خان و غیره و غیره نوحه می‌خواندند. مثل ابر بهار گریه می‌کردند. یکمتر به همه پشت پا زدند. من نمی‌گویم آن دستجات، آن قمه‌زدنها خوب بود اما روضه در مسجد یا خانه یا نماز جماعت چرا بد بود و متروک کرد. به پادشاهی که رسید تیمورتاش، داور و جمعی دیگر از لامذهب‌ها، چاپلوس‌ها دورش جمع شدند، خودش هم مایل بود و آبادی و تمدن را روی اصول بی‌دینی تصور کرد. اوضاع دگرگون شد.<sup>۱۲۷</sup>

با سقوط رضاشاه، فضای سیاسی کشور عوض شد و با فراهم آمدن زمینه انتقاد از عملکرد سیاسی و اقتصادی دوره پهلوی اول، اقدامات ضدفرهنگی و ضددینی وی نیز مورد نقد قرار گرفت. عامه مردم نیز با استفاده از ضعف حکومت، بخشنامه‌ها و قوانین ضد دینی را نادیده گرفتند. استفاده زنان از چادر و تردد و حرکت در معابر و مجالس عمومی با حجاب اسلامی، اعتراض عملی به قوانین دوره رضاشاهی در این زمینه محسوب می‌شد که از روز سوم شهریور ۱۳۲۰ رفته‌رفته نمود پیدا کرد. در اسناد دولتی سالهای پس از سقوط رضاشاه نگرانی برخی رؤسای دوایر دولتی از حضور زنان با حجاب در ادارات و مجامع به وضوح دیده می‌شود. در ۱۷ مهر ۱۳۲۰ آیت‌الله کاشانی در نامه‌ای به محمدعلی فروغی سیاست‌های ضد دینی دوره رضاشاه را به شدت مورد حمله قرار داد، و دست‌اندازی دولت به مدارس دینی، مساجد و اوقاف حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را که عواید آن صرف کلاس رقص و موسیقی می‌شد تقبیح نمود و خواستار جلوگیری از این نوع اقدامات شد.<sup>۱۲۸</sup>

در محرم سال ۱۳۶۳ق/ ۱۳۲۲ش تکایا و مساجد فعال بودند. عین‌السلطنه می‌نویسد: «تکایا و مساجد خصوصاً مسجد شیخ عبدالحسین شروع به روضه‌خوانی کرده‌اند. در اغلب خانه‌ها هم روضه است. دستی از آستین درآورده‌اند خداوند قبول

۱۲۸. خنوت و فرهنگ، ص ۳۰.

۱۲۷. روزنامه خاخرات عین‌السلطنه سالور، ج ۱۰، ص ۷۹۶۶.

کند.»<sup>۱۲۹</sup>

جشن نیمه شعبان نیز که در دوره رضاخان ممنوع شده بود در سال ۱۳۲۲ش مفصل برگزار شد.

احمد کسروی که عنادی عمیق با تشیع و مبانی آن داشت خشمگینانه از به راه افتادن مجدد مراسم عزاداری پس از رفتن رضاشاه یاد می‌کند و می‌نویسد: «ولی چنانکه می‌دانیم پس از رفتن او دولت به جلوگیری نمی‌کوشد و ملایان می‌کوشند که بار دیگر آنها را رواج دهند و چنانکه می‌شنویم در بسیاری از شهرها آغاز یافته و در محرم همان نمایشها به میان می‌آید.»<sup>۱۳۰</sup>

وی می‌افزاید: «بار دیگر روضه‌خوانی‌ها فزونی یافت.»<sup>۱۳۱</sup>

پس از رفتن رضاخان سخت‌گیری مربوط به سفر به عتبات عالیات نیز برداشته می‌شود. کسروی که به شدت تحت تأثیر آراء وهابیان قرار داشت با خشم و طعنه می‌نویسد که در ۱۳۲۰ش «بیست و یک هزار تن روانه نجف و کربلا شدند.»<sup>۱۳۲</sup>

در سال ۱۳۲۲ش نیز سفر به عتبات عالیات رواجی پرشکوه داشت. کسروی می‌نویسد: «همین امسال [۱۳۲۲] آزمایش دیگری در کار است... از هر دیهی گروهی کاروان بسته و ملای خودشان را همراه برداشته سادات و صلوات‌کشان راه می‌افتند. اکنون خیابانهای تهران پر از روستاییان خراسان و مازندران و دیگر جاهاست که به آهنگ کربلا به اینجا آمده‌اند.»<sup>۱۳۳</sup>

گفتنی است که کسروی کتاب شیعیگری را در ۱۳۲۲ شمسی به منظور مقابله با تجدید حیات جریانات مذهبی در خلال سال‌های پس از شهریور بیست نوشت.

محرم ۱۳۶۴ق/ ۱۳۲۳ش نیز مردم عزاداری باشکوهی برگزار کردند. به گزارش عین‌السلطنه: «دهه ابر بود، گاهی بارندگی، روضه زیاد، امروز قسمت شمال شهر چندان خبری نبود. اگر دسته‌ای هم حرکت کرد بی‌ریا و معقولانه بود. در قسمت جنوب شهر شورشیان بیشتر بود... در پایین شهر خواستند تعزیه خواننده زخم بزنند، مانع شدند، نزاع شد. جمعی از پاسبان و غیره مجروح و یک نفر هم کشته شد.»<sup>۱۳۴</sup>

در نیمه شعبان سال ۱۳۲۳ش با توجه به اینکه ده روز از مرگ رضاشاه در ژوهانسبورگ گذشته و در بار عزادار بود مردم ایران جشن مفصلی گرفتند. به گزارش عین‌السلطنه «پارسال و امسال در تمام شهرها، خصوصاً تهران در همه جا حتی خانه‌ها در شب چراغانی و جشن برپا بود.»<sup>۱۳۵</sup>

۱۲۹. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۱۰، ص ۷۹۸۳.  
 ۱۳۱. همان، ص ۵۹. ۱۳۲. همان، ص ۲۲-۲۵.  
 ۱۳۰. احمد کسروی، شیعیگری، ص ۲۶.  
 ۱۳۳. همان، ص ۸۰۳۵.  
 ۱۳۴. همان، ص ۲۵.  
 ۱۳۵. همان، ص ۸۰۰۱.

سایر امور مذهبی نظیر رعایت روزه ماه مبارک رمضان، حضور مردم در مساجد و ... نیز پس از شهریور بیست مجدداً رونق گرفت.

گزارشهای مربوط به سال ۱۳۲۴ش نیز حاکی از برپایی عزاداری گسترده در شهرهای مختلف ایران بود. روز عاشورای ۱۳۲۴ش در همدان و قزوین دسته‌های عزاداری در شهر حرکت کرد. و از ابتدای محرم نیز مردم در تکایا مشغول روضه‌خوانی و سوکواری بودند.<sup>۱۳۶</sup> این وضعیت در سایر شهرها نیز حاکم بود. حتی در آذربایجان که درگیر غائله فرقه دموکرات بود و مردم احساس امنیت نمی‌کردند نیز مراسم روضه و عزاداری رواج داشت. البته بروز اغتشاشات ناشی از اقدامات فرقه دموکرات بر همه مسائل آذربایجان از جمله عزاداری محرم تأثیر منفی گذاشته بود. آیت‌الله آقا میرزا عبدالله مجتهدی در خاطرات خود در آن روزها در خصوص محرم ۱۳۶۵ قمری می‌نویسد که: «روضه‌های دهه، زنانه و مردانه، شروع شده است، ولی قاعدتاً بایستی مجالس روضه کم‌و‌کیفاً مثل سالهای پیش نباشد... برای دفعه اول امروز [۱۸ آذر ۱۳۲۴] منزل آقا میرزا جواد آقا مجتهدی برای استماع روضه رفته بودم. اوضاع جدیدی مثل این است که در بیانات اهل منبر هم تأثیر نموده است. خیلی با احتیاط صحبت می‌نمودند...» در هفتم محرم ۱۳۶۵ ق / ۲۲ آذر ۱۳۲۴ش دموکراتها با موزیک وارد تبریز شدند. آذربایجان و تبریز دچار ناامنی گسترده‌ای شده بود و صدای تیراندازی در اغلب مناطق به گوش می‌رسید. با این اوصاف در تاسوعا و عاشورای آن سال مردم عزاداری شایان توجهی برپا داشته بودند. آیت‌الله مجتهدی می‌نویسد: «این روزهای عزاداری را مردم اهمیت زیاد می‌دهند و با آن مقدمات کسی گمان نمی‌کرد به این آسانی مراسم مقرر انجام پذیرد.»<sup>۱۳۷</sup> محرم سال ۱۳۸۳ قمری مصادف با ۴ خرداد ۱۳۴۲ش بود. از ابتدای دهه چهل رژیم پهلوی مصمم بود که با اجرای طرحهای آمریکایی تغییرات گسترده فرهنگی اجتماعی و سیاسی‌ای را به نفع بیگانگان اجرا کند.

چند ماه قبل از محرم ۱۳۸۳ ق طرح انقلاب سفید در رفراندومی نمایشی به تصویب رسید. نوروز سال ۱۳۴۲ش امام خمینی عزای عمومی اعلام کرد. در ۲ فروردین ۱۳۴۲ش عوامل رژیم با هجومی وحشیانه به مدرسه فیضیه در قم و مدرسه طالبیه در تبریز تعدادی از طلاب را مورد ضرب و جرح قرار داده مدارس دینی را به ویرانه تبدیل کردند. پس از فاجعه فیضیه طرح سر بازگیری از طلاب نیز به شدت اجرا شد. حوزه علمیه قم پس از فاجعه فیضیه به مدت چهل روز تعطیل شد و پس از اربعین شهدای

۱۳۶. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. اسناد ۲-۱۹۱-۷۲۹-۲.

۱۳۷. بحران آذربایجان. خاطرات مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی. به کوشش رسول جعفریان. تهران، مؤسسه

مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱. ص ۳۱، ۳۲، ۳۹ و ۴۳.

فیضیه و با مراجعه تدریجی طلاب کار خود را آغاز کرد. امام خمینی (ره) طی سخنانی به مناسبت شروع دروس حوزوی، شاه، عوامل رژیم پهلوی، اسرائیل و آمریکا را مورد حمله قرار داد و از علما و مردم خواست که در مقابل مظالم رژیم پهلوی ساکت ننشینند. امام خمینی سپس در نامه‌ای به علمای تهران اعلام کردند: «حضرات آقایان توجه دارند اصل اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است. با این حال تقیه حرام است و اظهار حقایق، واجب. «ولو بلغ ما بلغ»<sup>۱۳۸</sup>.

رژیم پهلوی نیز گستاخانه در مطبوعات و رادیو به مراجع و علما توهین می‌کرد. در چنین شرایطی محرم ۱۳۸۳ ق فرا رسید. امام خمینی پیش از آغاز محرم از وعاظ خواست سیاستهای ضد اسلامی شاه و همدستی آن را با اسرائیل مورد انتقاد قرار دهند. ایشان همچنان مقرر کردند که تا روز هفتم محرم مجالس وعظ و عزاداری به طور عادی منعقد گردد و در صورت عدم تسلیم رژیم به خواسته‌های علما و مراجع، به شدت از رژیم انتقاد کرده و با خواندن نوحه‌ها و مرثیه‌ها خاطره فاجعه مسجد گوهرشاد و مدرسه فیضیه را در اذهان مردم زنده نمایند.<sup>۱۳۹</sup>

متقابلاً ساواک نیز با احضار وعاظ از آنان خواست که در مجالس عزاداری: ۱. علیه شخص اول مملکت سخن نگویند ۲. علیه اسرائیل مطلبی گفته نشود ۳. مرتب به مردم نگویند که اسلام در خطر است. امام خمینی طی اعلامیه‌ای از وعاظ خواستند که به این تهدیدات توجه ننموده و وظایف خود را انجام دهند. ایشان با آگاهی از تأثیر شگرف عاشورا در مبارزه با ظلم و ستم، در نامه‌ای به واعظ شهیر حجة الاسلام فلسفی اظهار داشتند: «امروز روزی است که حضرات مبلغین محترم و خطباء معظم، دین خود را به دین اثبات فرمایند... امروز روزی است که نظر مبارک امام زمان صلوات علیه به حضرات مبلغین دوخته شده است و ملاحظه می‌فرمایند که آقایان به چه نحو خدمت خود را به شرع مقدس ابراز و دین خود را ادا می‌فرمایند...»<sup>۱۴۰</sup>

با آغاز ماه محرم امام خمینی ضمن انعقاد روضه‌خوانی در منزل خود در طول دهه، هر شب به یکی از مجالس عزاداری محلات قسم می‌رفتند و در هر جلسه یکی از همراهان ایشان سخنرانی می‌کرد و مردم را نسبت به اوضاع کشور مطلع می‌ساخت. در عصر روز عاشورا امام خمینی شخصاً در مدرسه فیضیه که مملو از جمعیت عزادار بود حضور یافته و به رغم تهدیدات رژیم سخنان مبسوطی بر علیه شاه، اسرائیل و آمریکا

۱۳۸. صحیفه نور، ج ۱، ص ۷۳-۷۵

۱۳۹. محمدحسن رجیبی. زندگینامه سیاسی امام خمینی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

ص ۲۶۳

۱۴۰. خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵.

ایراد کردند. امام در بخشی از سخنان خود که در بین بیش از دویست هزار نفر مردم عزادار ایراد می‌شد خطاب به شاه گفتند:

من به شما نصیحت می‌کنم ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم. دست از این اعمال و رویه بردار. من میل ندارم که اگر روزی ارباب‌ها بخواهند که تو بروی، مردم شکرگزاری کنند. من نمی‌خواهم تو مثل پدرت شوی... نصیحت مرا بشنو، از روحانیت بشنو... از اسرائیل نشنو، اسرائیل به درد تو نمی‌خورد، بدبخت، بیچاره!<sup>۱۴۱</sup>

سخنان کوبنده امام، شاه را نزد مردم تحقیر کرد. در تهران مراسم عزاداری به تظاهرات سیاسی گسترده علیه شاه و رژیم پهلوی تبدیل شد، روز عاشورا در مسجد ترکها حجة الاسلام فلسفی طی سخنرانی مهمی دولت علم را استیضاح کرد و آن را غیرقانونی دانست.<sup>۱۴۲</sup>

در روز عاشورا و فردای آن خیابانهای تهران مملو از جمعیت عزاداری بود که با در دست داشتن تصاویر امام خمینی فریاد می‌زدند: «خمینی، خمینی خدا نگهدار تو - بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار تو» هنگام عبور عزاداران از مقابل کاخ مرمر نیز شعار «مرگ بر این دیکتاتور» از سوی مردمی که اشاره به کاخ شاه داشتند تکرار می‌شد.

در یازدهم محرم نیز دانشجویان دانشگاه تهران به جمع تظاهرکنندگان پیوستند. رژیم پهلوی که وحشت زده شده بود تصمیم گرفت برای خاتمه دادن به قیام مردمی، رهبر نهضت و روحانیون انقلابی را دستگیر نماید. در نیمه شب دوازدهم محرم مأموران ساواک با هجوم به منزل امام خمینی، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل کردند. در روز ۱۵ خرداد / ۱۲ محرم مردم پس از اطلاع از دستگیری امام خمینی به خیابانها ریخته و علیه شاه دست به تظاهرات زدند. شعارهای مرگ بر شاه، درود بر خمینی فضای شهرهای ایران را پر کرده بود. در قم تظاهرات مردم به خاک و خون کشیده شد. تهران، شیراز، مشهد، ورامین و... نیز به صحنه درگیری گسترده مردم با عوامل رژیم تبدیل شد. در تهران همزمان با کشتار مردم در میدان ارگ، رادیوی تهران عوامفربانانه نوحه‌های مذهبی پخش می‌کرد! اما مردم حاضر در خیابانهای تهران در اعتراض به دستگیری رهبرشان با اشاره به کاخ شاه، مرگ را برای دشمن امام خمینی آرزو می‌کردند. دکتر باستانی پاریزی با اشاره به اینکه صحنه‌گردان کشتار مردم در یازده خرداد یعنی اسدالله علم فرزند کسی بود که خود در عزاداری سیدالشهداء(ع) شرکت کرده و در رثای آن امام

۱۴۱. صحیفه نور، ج ۱، صص ۹۱-۹۴.

۱۴۲. خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی، صص ۲۵۸-۲۷۱.

همام شعر نیز سروده است به تفاوت روش پدر و پسر به این شکل اشاره می‌نماید:

بعد از شوخی تقدیر، یکی از شوخیهای تاریخ هم این است، که فرزند گوینده شعر  
 «حسین آن سرورِ خوبان و شمع جمع محفل‌ها»، کارش به آنجا برسد که روز  
 عاشورا، شمع محفل و رئیس دولتی باشد که مأمور بود عاشورای خونین ۱۳۸۳ هـ  
 (۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش / ۴ ژوئن ۱۹۶۳ م) را به وجود آورد، و عجیب آنکه درست در  
 همان لحظاتی که آن رئیس دولت، از شمال، فرمان حمله به تظاهرکنندگان میدان  
 ارگ کنار اداره رادیو - می‌داد، رادیو تهران، یکی از مهیج‌ترین نوحه‌های یغمای  
 جندقی - شاعر کویر را، به تکرار، با امواج خود پخش می‌کرد.

در تاریخ ایران بعد از اسلام، فرمانروایانی که عاشورا را نشناخته‌اند اغلب صدمه  
 آن را خورده‌اند. در بازیهای سیاسی روزگار ما نیز، امیر شوکت‌الملک عاشورا را  
 شناخته بود که با آن همه نزدیکی به دستگاه رضاشاهی، باز سر سالم به گور بُرد، در  
 حالی که جانشین او، چنان می‌نماید که عاشورا را نشناخته بود، و یا اینکه شناخته  
 بود، ولی آن را به بازی و شوخی گرفته بود. امیر شوکت‌الملک، روز عاشورا، به محل  
 مدرسه شوکتیه - که محل تشکیل دسته‌های مذهبی بود می‌رفت، و در آنجا در  
 چادرهایی که برای همین منظور نصب شده بود توقف می‌کرد تا مراسم عزاداری به  
 پایان می‌رسید.<sup>۱۴۳</sup>

محرّم خونین ۱۳۸۳ ق با کشتار گسترده مردم سیری شد. در ۱۶ خرداد ۱۳۴۲ ش  
 یعنی یک روز پس از کشتار مردمی که با تأسی به سرور آزادگان به میدان مبارزه با ظلم و  
 ستم و یزید زمان آمده بودند، رژیم که از تمامی وسایل برای از بین بردن شعائر حسینی  
 استفاده می‌کرد با هماهنگی ساواک از طریق مجله روشنفکر مصاحبه‌ای با شریعت  
 سنگلجی که دارای گرایشهای وهابی بود ترتیب داد. وی طی آن مصاحبه شعائر حسینی  
 را خرافات قلمداد کرد.<sup>۱۴۴</sup> شریعت سنگلجی در دوره رضاخان نیز با حمایت او بر علیه  
 تشیع فعالیت می‌کرد. با فرا رسیدن محرّم ۱۳۸۴ ق و سالگرد کشتار پانزده خرداد، رژیم  
 شاه با تهدید و ارعاب از وعاظ خواست که پیرامون مسائل سیاسی گفت‌وگو و وعظ  
 ننمایند. امام خمینی و جمعی از علما طی اعلامیه‌ای ضمن اعلام انزجار از رژیم و  
 اسرائیل، ۱۵ خرداد را عزای ملی اعلام کردند. در تهران در روز عاشورا مردم دست به  
 تظاهرات زدند که منجر به درگیری با مأمورین و دستگیری عده‌ای شد. در سال‌های بعد  
 به ویژه سال‌هایی که محمدرضا پهلوی قدرت بیشتری پیدا کرده بود با وجود تضيقاتی

۱۴۳. باستانی پاریزی. از سیر تا پناز، صص ۵۵۱-۵۵۳.

۱۴۴. مجله روشنفکر، سال دهم، شماره ۴۹۷، صص ۱، ۲، ۵ و ۴۹.

که رژیم برای عزاداران حسینی ایجاد می‌کرد هیچ‌گاه نتوانست از برگزاری مراسم عزاداری جلوگیری کند.

سیزده سال پس از تبعید امام، محرم ۱۳۹۸ ق که مصادف با آذر و دی ماه ۱۳۵۶ ش بود فرا رسید. رژیم در فاصله زمانی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ با تکیه بر حمایت بیگانگان و درآمدهای نفتی انواع و اقسام سیاستهای ضد ملی و ضد فرهنگی را برای بسط سلطه بیگانگان و ارزشهای ضد دینی به کار بست، برپایی جشنهای گوناگون با چهره ضد دینی نظیر جشن هنر شیراز، تغییر تقویم، پخش برنامه‌های مبتذل از تلویزیون و ترویج فحشا و منکرات در روزنامه‌ها و مجلات و سینماها و... از یک سو و وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان و سرکوب و خفقان حاکم بر کشور از سوی دیگر جامعه را آماده انفجار نموده بود. شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی در آستانه محرم ۱۳۹۸ ق موجب شد در جلسات ماه محرم مجدداً نام امام خمینی بر زبانها جاری گردد. رژیم شاه در اقدامی عجولانه در ۲۷ محرم ۱۳۹۸ ق / ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ ش با درج مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات، امام خمینی و قیام‌کنندگان پانزده خرداد را مورد اهانت قرار داد. عکس‌العمل مردم و طلاب نسبت به این اقدام رژیم بلافاصله در قالب تظاهرات در قم بروز پیدا کرد. دو روز بعد در ۱۹ دی ماه در حالی که ماه محرم هنوز به پایان نرسیده بود، تظاهرات طلاب و مردم در قم به خاک و خون کشیده شد. رژیم شاه با توجه به تجربه ۱۵ خرداد تصور می‌کرد این بار نیز با سرکوب مردم می‌تواند موج اعتراضات مردمی را فرو بنشاند. غافل از آنکه ملت عاشورایی ایران با استفاده از فرهنگ عاشورا، دست از مبارزه برنداشته و با تکیه بر تجربیات قبل، حرکت جدیدی را برای سرنگونی رژیم وابسته به بیگانگان آغاز کرده بودند. امام خمینی طی پیامی، قیام ۲۹ محرم ۱۳۹۸ ق را ادامه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دانست و اقدام رژیم را محکوم کرد.<sup>۱۲۵</sup> مردم مبارز ایران با استفاده از سنت دینی برپایی اربعین که خود بخشی از شعائر حسینی است قیام مردم قم را به تبریز، یزد، کرمان و سراسر ایران گسترش دادند و بدین ترتیب سال سرنوشت‌ساز ۱۳۵۷ فرا رسید. عید نوروز ۱۳۵۷ مصادف با چهلم شهدای تبریز شد و عزای عمومی اعلام گردید. ماه رمضان ۱۳۵۷ و نماز عید فطر آن سال نشان داد که رژیم شاه فاقد هر نوع مقبولیتی نزد مردم بوده است. رژیم شاه که دچار درماندگی شده بود، یک بار دیگر سعی کرد با آزمایش روشهای خشونت‌آمیز به قیام مردم ایران خاتمه بدهد. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ میدان ژاله که از آن پس میدان شهدا نامیده شد به کربلای دیگری تبدیل گردید و زن و مرد و کودک حاضر در میدان به جرم اسلام‌خواهی و عدالت‌طلبی به گلوله



بسته شدند. از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ تا ۱۰ آذر ۱۳۵۷ که مصادف با اول محرم الحرام ۱۳۹۹ قمری بود اتفاقات مهمی در ارتباط با انقلاب اسلامی رخ داد. اعلام حکومت نظامی و تشدید برخورد با مردم مسلمان ایران، هجرت امام خمینی از نجف به پاریس، اعتصاب کارگران و کارمندان دولت، فاجعه مسجد جامع کرمان، کشتار دانش آموزان و دانشجویان در سیزدهم آبان و تشکیل دولت نظامی ارتشبد از هاری اتفاقاتی بود که در خلال این ماهها رخ داده بود. ارتشبد از هاری که برای قلع و قمع مردم با دولتی نظامی به صحنه آمده بود به سانسور گسترده مطبوعات و رادیو و تلویزیون مبادرت کرد. گسترش اعتصابات در دوره ۶۱ روز نخست وزیری او دولت را مستأصل نمود. ۲۵ روز پس از آغاز به کار دولت نظامی از هاری، محرم ۱۳۹۹ ق فرا رسید. در شب اول محرم طی تظاهراتی بی سابقه و منحصر به فرد مردم ایران با سر دادن شعار «الله اکبر» و «لا اله الا الله» بر روی بامهای منازل خود دولت نظامی و مأموران آن را مات و مبهوت کردند. از همان شب علاوه بر تظاهرات بر روی بامهای منازل، تظاهرات خیابانی نیز به شکل گسترده‌ای آغاز شد که منجر به شهادت عده‌ای از عزاداران حسینی گردید. امام خمینی طی پیامی کشتار مردم در اول محرم ۱۳۵۷ ش را محکوم و ارتباط قیام ملت ایران با حماسه عاشورا را این‌گونه ترسیم نمود:

این ملت، شیعه بزرگ‌ترین مرد تاریخ است که با تکی چند، نهضت عظیم عاشورا را بر پا نمود و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن فرمود و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو بحق امام علیه السلام، با خون خود سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید و پرچم اسلام را در پهنه کشور بلکه کشورها، به اهتزاز درمی‌آورد.<sup>۱۲۶</sup>

امام خمینی طی مصاحبه‌ای با روزنامه فاینشال تایمز به تاریخ ۱۳۵۷/۹/۸ در خصوص مبارزه با رژیم در ماه محرم برنامه مبارزه را ترسیم می‌نماید:

سؤال: برنامه شما، نظر و رهنمودتان برای طرفداران در ماه محرم چیست؟

جواب: من در مورد محرم به دوستانم دستور داده‌ام و به آنان گفته‌ام که مجالس را هر چه بیشتر باید برپا نمایند و مراسم این ماه را بدون اجازه از دولت انجام دهند و اگر دولت جلوگیری کرد در خیابانها و کوچه‌ها و خارج تکایا مسائل روز را بگویند و نهضت را ادامه دهند.<sup>۱۲۷</sup>

در اول محرم ۱۳۹۹ ق نیز در پاسخ به یک خبرنگار آمریکایی می‌گویند:

سؤال: حضرت آیت‌الله خمینی! شما در بیانیه خودتان به مردم ایران خطاب کرده‌اید که در اول محرم که از فردا آغاز می‌شود، با هر وسیله ممکن، برای سرنگونی رژیم اقدام بکنید، منظور شما از «با هر وسیله ممکن» چیست؟  
 جواب: اعتصابات است، تظاهرات است، نطقها و بیانات سر منبر است. ماه محرم، ماهی است که مردم آماده‌اند برای شنیدن مطالب حق و الآن مطلب حق ما قضیه‌ای است که در پیش داریم که آزادی و استقلال است و ماه محرم را معین کردیم که راجع به این مسائل صحبت بکنند و مجالسی داشته باشند و اگر چنانچه منع کردند، آنها بریزند در خیابانها و تظاهر کنند.<sup>۱۴۸</sup>

امام خمینی همچنین در ۱۳۵۷/۹/۱۴ در مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ جایگاه محرم را در مبارزات ضد استبدادی این‌گونه ترسیم می‌نمایند:

سؤال: حضرت آیت‌الله چرا محرم از نظر این مبارزات این‌قدر مهم است؟ و آیا تصور می‌فرمایید که در طی محرم، این مبارزه علیه شاه به نهایت خودش برسد؟  
 جواب: محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده به اثبات رسانده است که در طول تاریخ همیشه حق بر باطل پیروز شده است. امسال در ماه محرم، نهضت حق در مقابل باطل تقویت می‌شود. من امیدوارم که نهضت اسلامی ایران در این ماه محرم مراحل آخر خود را طی کند.<sup>۱۴۹</sup>

آرزو و پیش‌بینی امام خمینی دایره بر اینکه رژیم پهلوی در ماه محرم ۱۳۴۹ ق مراحل آخر حیات خود را طی کند تحقق پیدا کرد. حضور میلیونی مردم در تظاهرات تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ ش که در حکم رفراندومی بر علیه رژیم شاهنشاهی بود پایه‌های رژیم شاه را کاملاً متزلزل کرد. مضافاً اینکه در روز عاشورا عده‌ای از نظامیان شاغل در گارد جاویدان که تکیه‌گاه رژیم در سرکوب نیروهای مردمی بود، تعدادی از افسران گارد را در نهارخوری پادگان لویزان به گلوله بستند. بدین ترتیب رژیم شاه دیگر از درون ارتش نیز احساس امنیت نمی‌کرد. سیل خروشان مردم در روز تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ ش ضربه سختی بر پیکر رژیم شاهنشاهی وارد آورد و آنها را از فکر مقابله با این حرکت عظیم در روزهای مقدس تاسوعا و عاشورا خارج نمود. برخورد خونین رژیم با مردم پس از عاشورا همچنان ادامه پیدا کرد. سی و شش روز پس از تظاهرات عظیم عاشورا شاه از کشور گریخت و بیست و شش روز بعد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رژیم شاهنشاهی در میان ناباوری ناظران به کلی مضمحل شد. و یک بار دیگر ملت ایران و جهانیان تأثیر

شگرف تعظیم شعائر دینی را در مبارزه با ظلم و ستم به عینه مشاهده کردند. سال ۱۳۸۱ش به دلیل تقارن نوروز با ماه محرم و نیز وجود دو ماه محرم در یک سال شمسی از ویژگی و حال و هوای خاصی برخوردار است. عشق و علاقه مردم ایران به خاندان عصمت و طهارت، ضمن شاخص نمودن آنان در بین مسلمانان، بر تمامی عرصه‌های حیات مادی و معنوی این ملت شریف سایه افکنده است.

عشق و محبت به سالار شهیدان و اهل بیت عصمت و طهارت در این مرز و بوم هر چند در بین شیعیان جلوه خاصی دارد و با گوشت و خون هر شیعه‌ای عجین شده است، اما حقیقت ابا عبدالله (ع) و دیگر ائمه هدی (علیهم‌السلام) چنان سیطره‌ای دارد که مرزهای جغرافیایی و دینی و فرهنگی را در هم نوردیده و هر انسان آزاده‌ای را شیفته خود نموده است. عشق و علاقه هموطنان اهل سنت و نیز تمامی مسلمانان در اقطار جهان اسلام به خاندان پیامبر (ص) که ریشه در وحی و سنت دارد، آنان را نیز به جرگه عشاق حسینی وارد نموده است که به نمونه‌هایی از آن در صفحات قبل اشاره رفت. حب اهل بیت (ع) نقطه مشترک و اتصال بین مذاهب اسلامی است که متأسفانه به جهت تندروی جریانهای خاصی نظیر وهابیت و مداخلات بیگانگان مدام مورد تهاجم قرار می‌گیرد. غیر از مسلمانان، معتقدین به سایر ادیان نظیر ارامنه و کلیمیان ایران نیز تحت تأثیر شعائر حسینی و حب اهل بیت (ع) قرار دارند. علاقه ویژه ارامنه ایران به ابا عبدالله (ع) و سپهسالار سپاه او قمر بنی‌هاشم عباس بن علی (ع) معروف خاص و عام است. به نحوی که آنان در ایام تاسوعا و عاشورای حسینی نذورات فراوانی ادا می‌نمایند و در سوگندهای خود نام مقدس اباالفضل (ع) را بر زبان می‌رانند و به زیارت مشهد علی بن موسی الرضا (ع) می‌شتابند.

هموطنان کلیمی ما نیز در بین کلیمیان جهان از این حیث که در فضای حسینی ایران زندگی کرده و با شعائر حسینی آشنایی یافته‌اند ممتاز می‌باشند و ضمن حفظ حرمت ایام عزاداری بعضاً نذوراتی نیز ادا می‌نمایند. در گفت‌وگویی که با دکتر گوئل کهن از هموطنان کلیمی (استاد دانشگاه لندن) در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ داشتم ایشان به نکات جالبی از حرمت‌داری کلیمیان ایران در ایام محرم اشاره داشتند. از جمله اینکه مادر ایشان در ایام محرم حنا بر سر نمی‌گذاشت و از اصلاح صورت خودداری می‌کرد و یا اینکه برخی کلیمیان در ایام محرم با مراجعه به هیئتهای عزاداری نذریه می‌پردازند و به زیارت امام رضا (ع) می‌روند. این تأثیرگذاری که نتیجه تعظیم شعائر است، در دیگر نقاط عالم نیز که شیعیان حضور دارند نظیر هندوستان به خوبی مشاهده می‌شود.

نوروز امسال و عزاداری باشکوه مردم خود حکایت زنده‌ای از عشق و دلبستگی ایرانیان به اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه سرور شهیدان عالم است. عکسهای این

شماره از فصلنامه تاریخ معاصر که مروری بر سنت عزاداری در خلال دوره قاجار و پهلوی در بین ایرانیان دارد تحفه‌ای است به محضر ارادتمندان خامس آل عبا (ع). امید که مقبول طبع اهل نظر افتد.

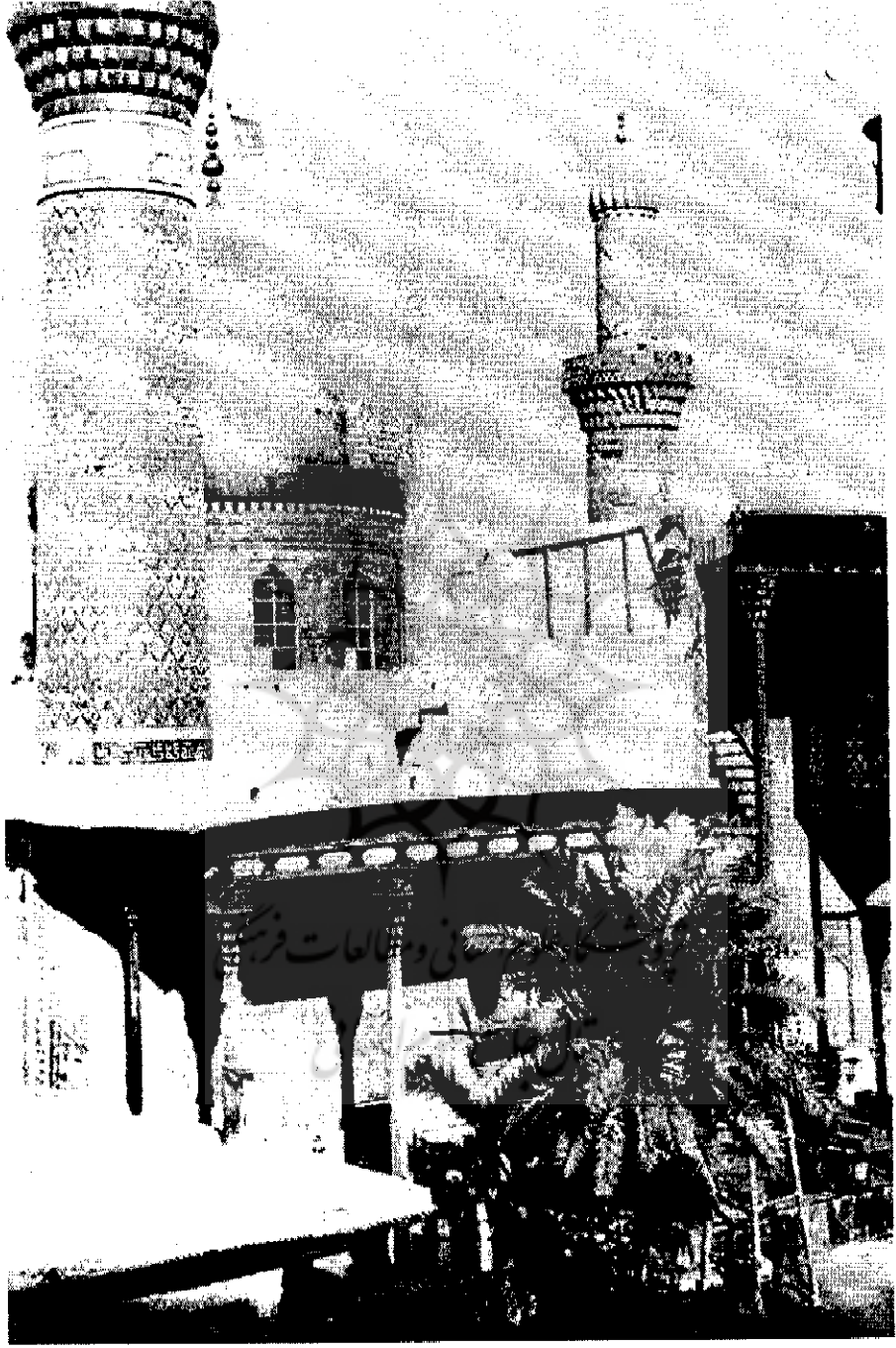


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

گنبد و گلدسته حرم مطهر امام حسین(ع) | ۱۳۰۳-۱۱



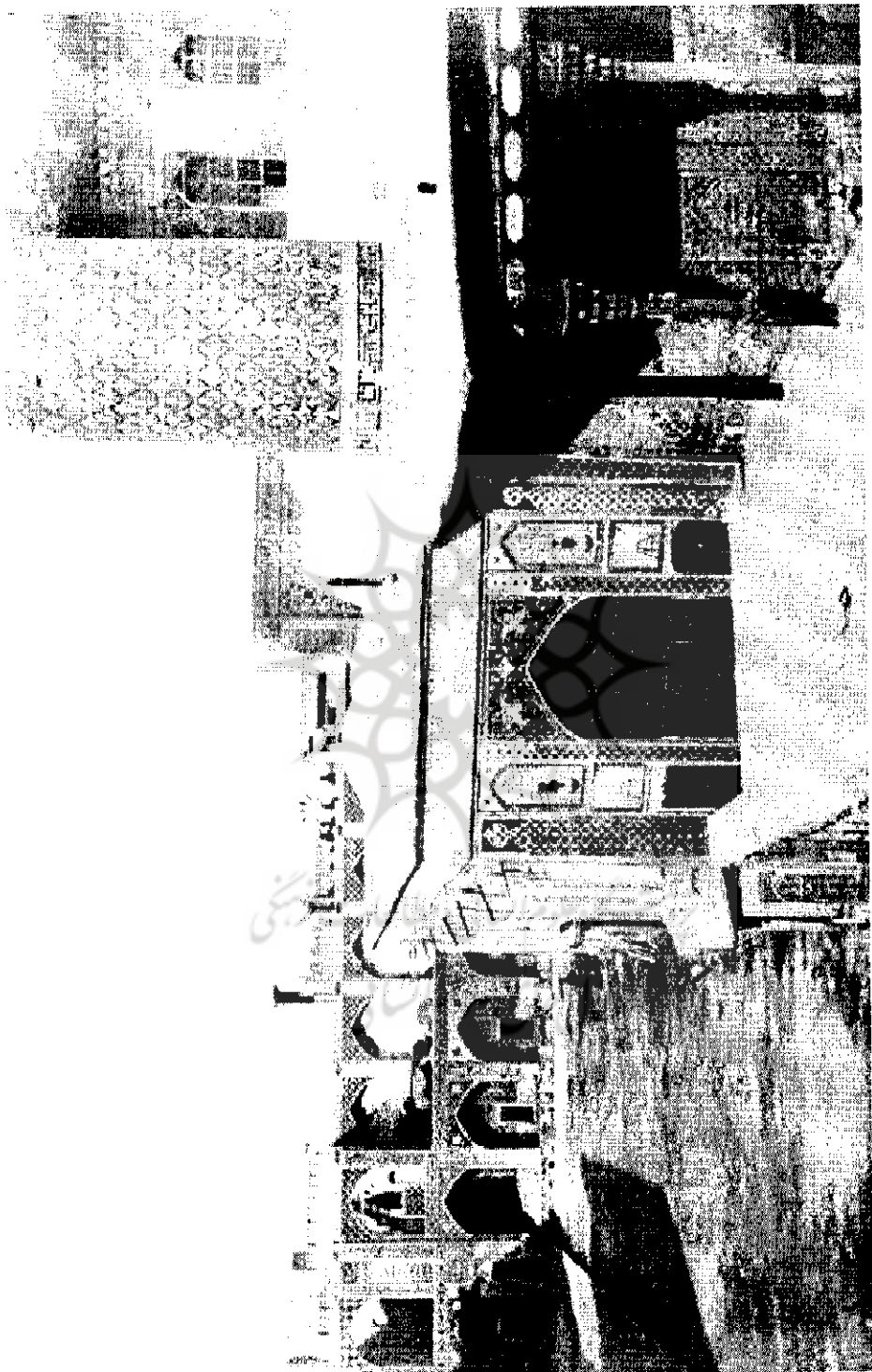
السلام عليك يا مولاي يا ابا عبد الله الحسين ورحمة الله وبركاته



گنبد منور و ایوان و گلدسته حضرت خامس آل عبا سلام الله علیه | ۱۶۸۷-۱۱

شهر کرمانی مملی و نخلستان و دورنمای گنبد و گلدسته منور حضرت ابوالفضل عباس سلام الله علیه | ۱۶۸۴-۱۷





گنبد مطهر و قدوی از ایوان مبارک | ۱۶۸۳-۱۱

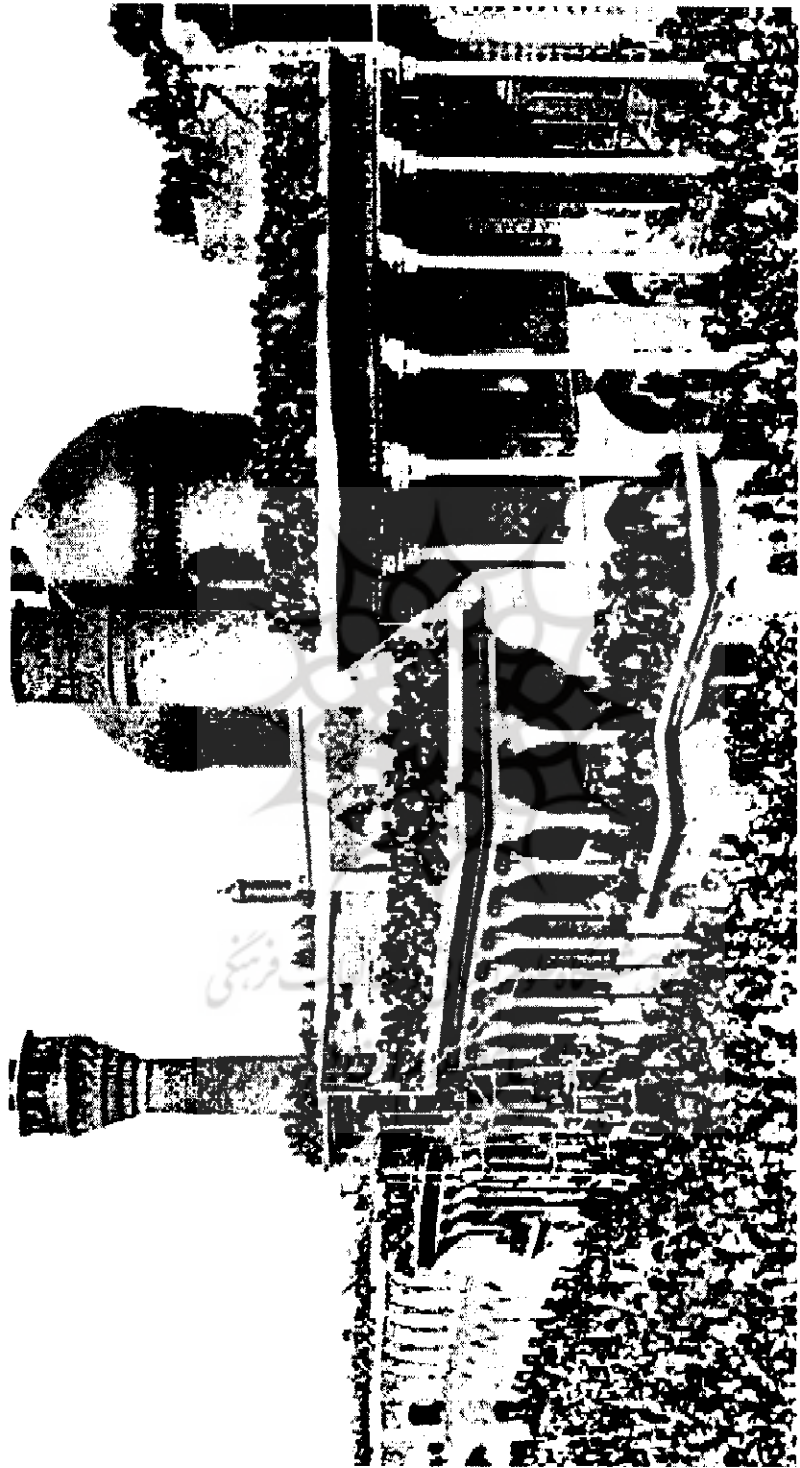




دوره‌های انبیا و ائمه اطهار (ع) و آل‌التحیة و الطهارة (ع) | ۱۳۸۴-۱۳۸۵



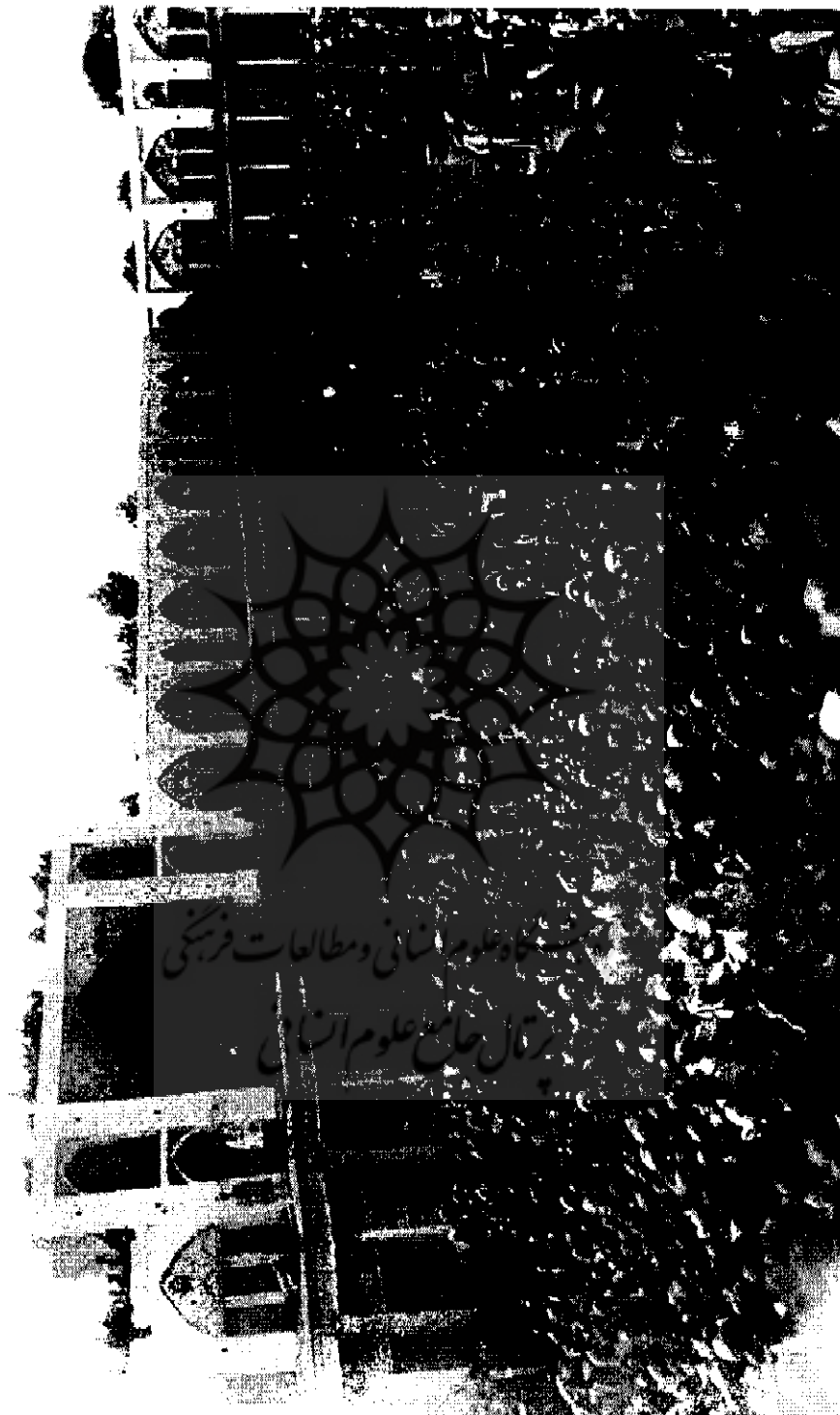
محل دفن سر مبارک امام حسین (ع) و شهدای کربلا در دمشق  
(معروف به مقام رئوس شهدای کربلا) | ۱۱۰۵۰۲۵



حرم مطهر کاظمین در روز عاشورا | ۱۴۰۲-۰۱-۰۱

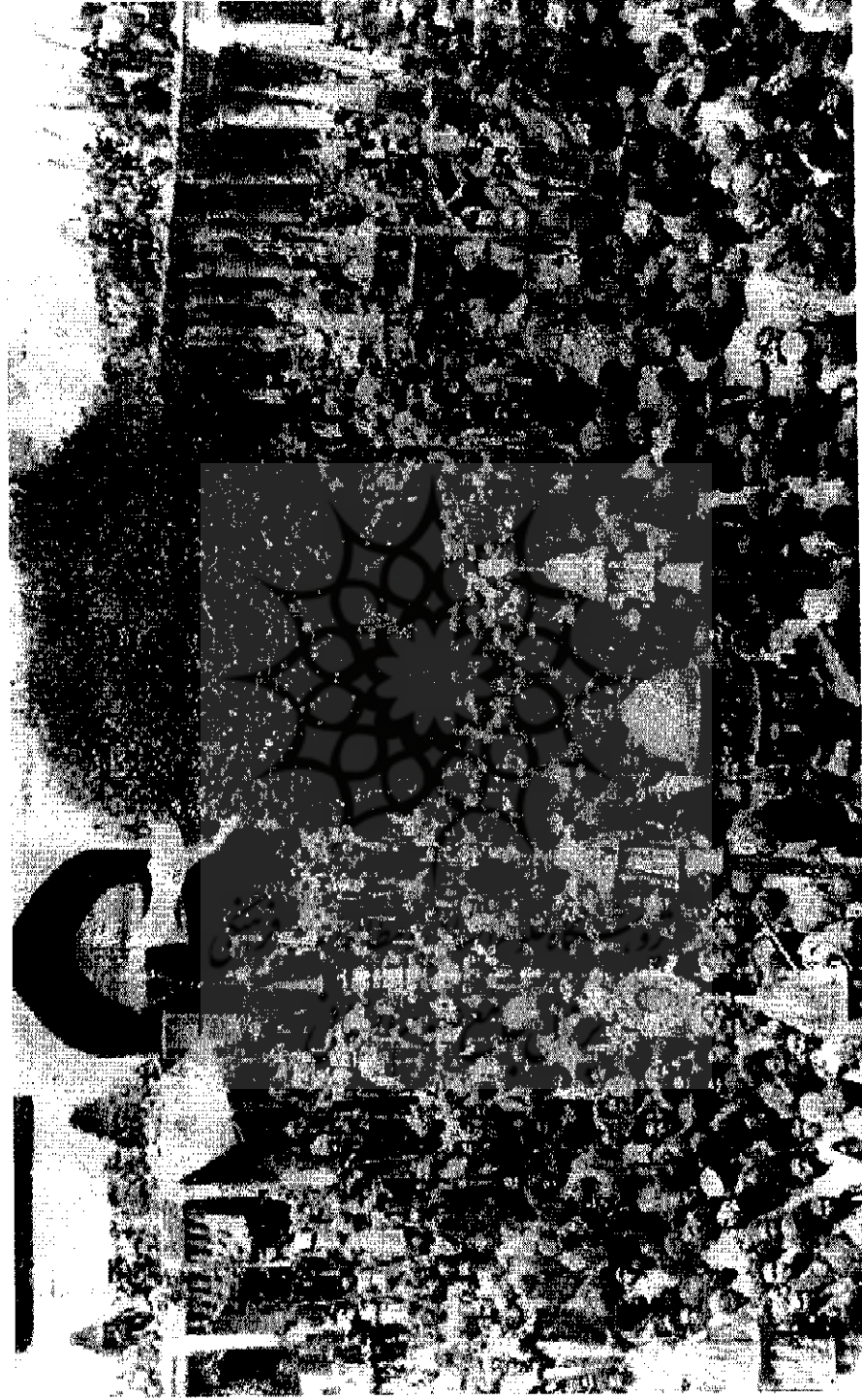
مزارداری مردم تهران در روز عاشورا | ۱۳-۲۳۳۹





سبز میدان تهران روز عاشورا در دوره قاجار | ۱۱-۱۶۳۹

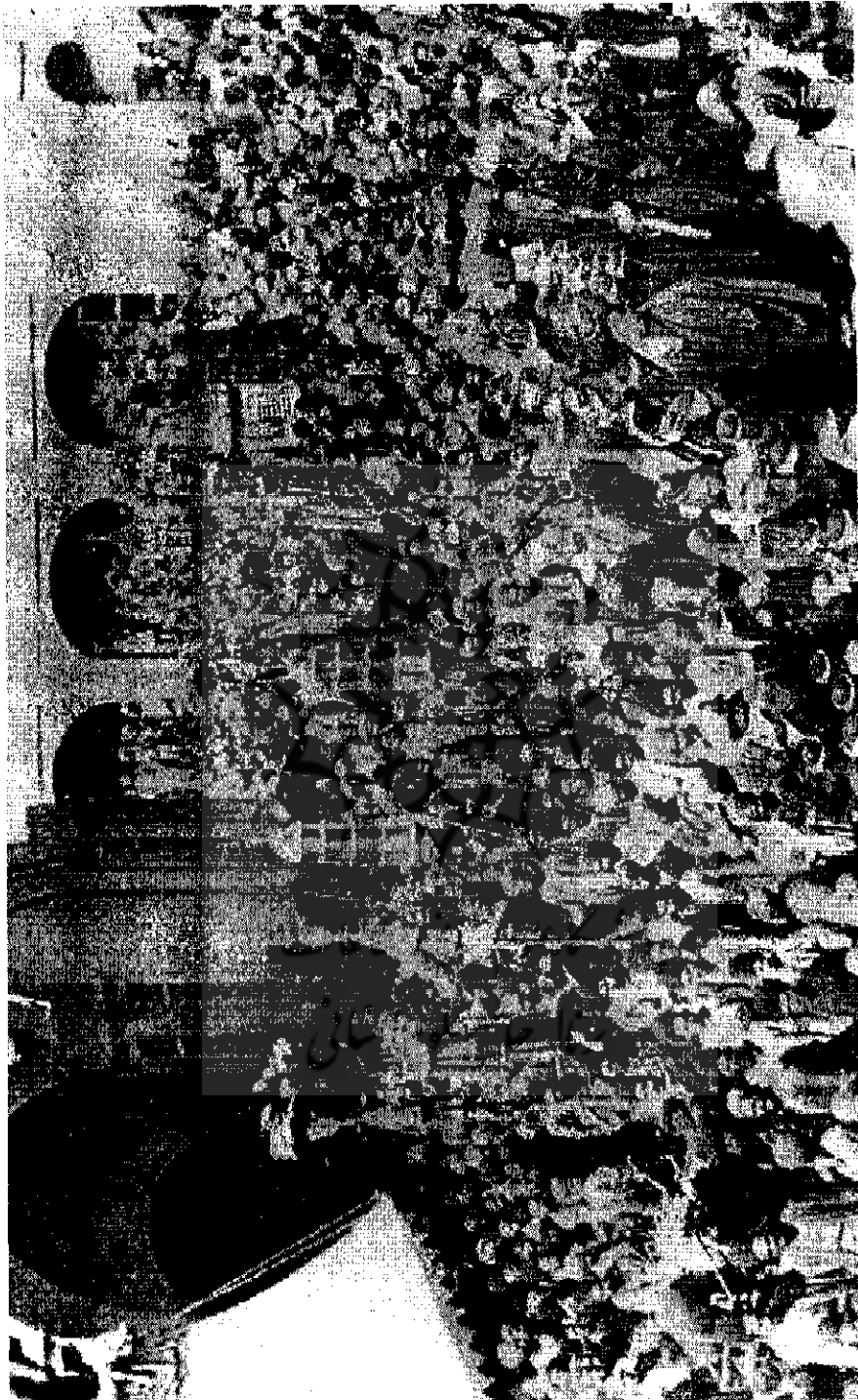
سبز میدان تهران روز عاشورا در دوره قاجار | ۳۷۸۶-۱





النجمن موعظه حسنه در تهران ماه صفر المظفر ۱۳۳۱ق | ۹۹۷۹-۳

سبز میدان تهران روز عاشورا در دوره قاجار | ۱۰-۳۸۱۶







تکيه دولت تهران هنگام روضه خوانی [ ۲۷۲۹ ]

نگاره دولت تهران | ۱۳۸۸-۱۳۸۹





تکیه دولت دارالخلافة تهران | ۱۶۲۰-۱۱

بک گروه نوزاد خوان | ۳۸۵-۶

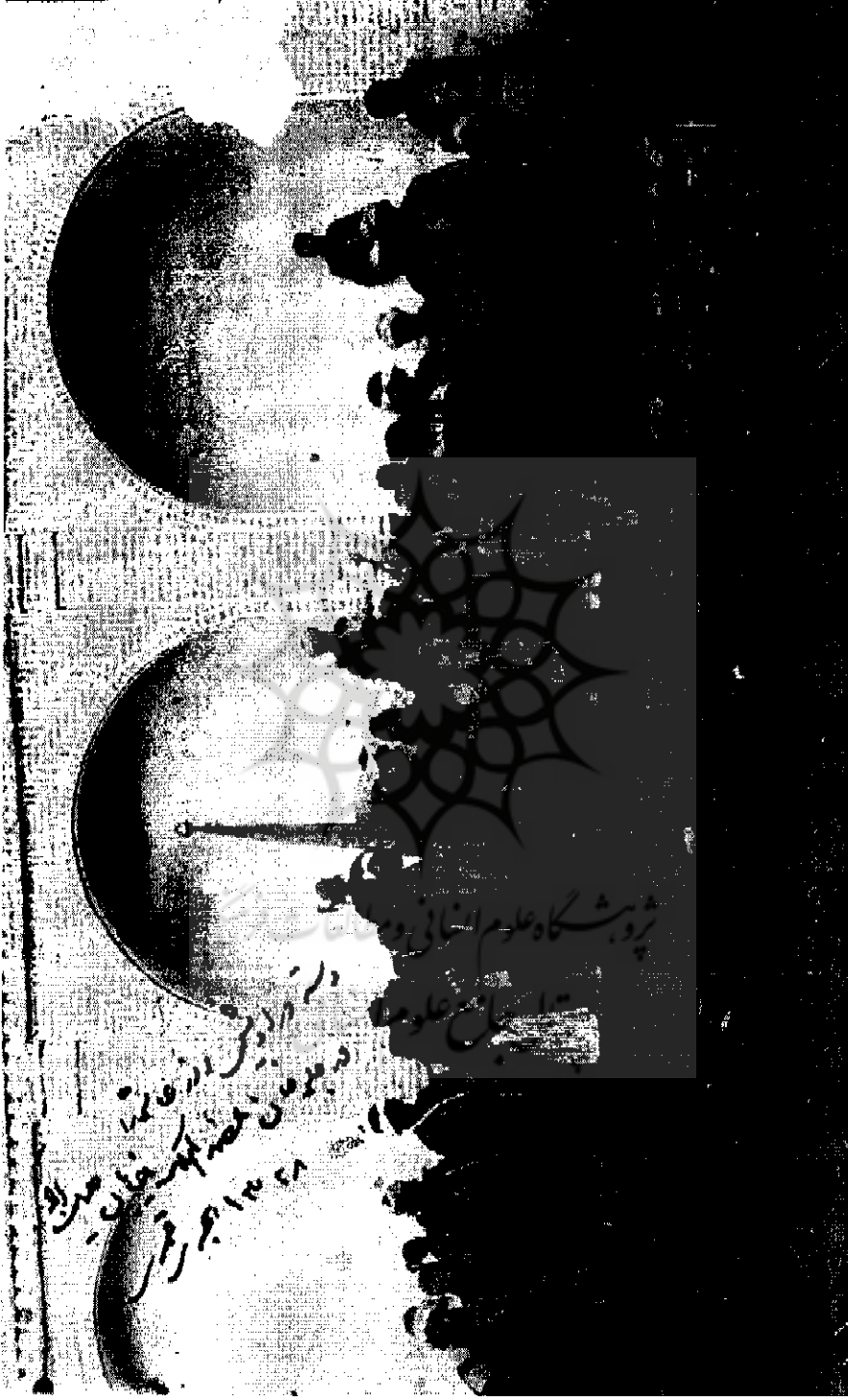




یک گروه تمثیلیه خوانان | ۱۳۸۰۶

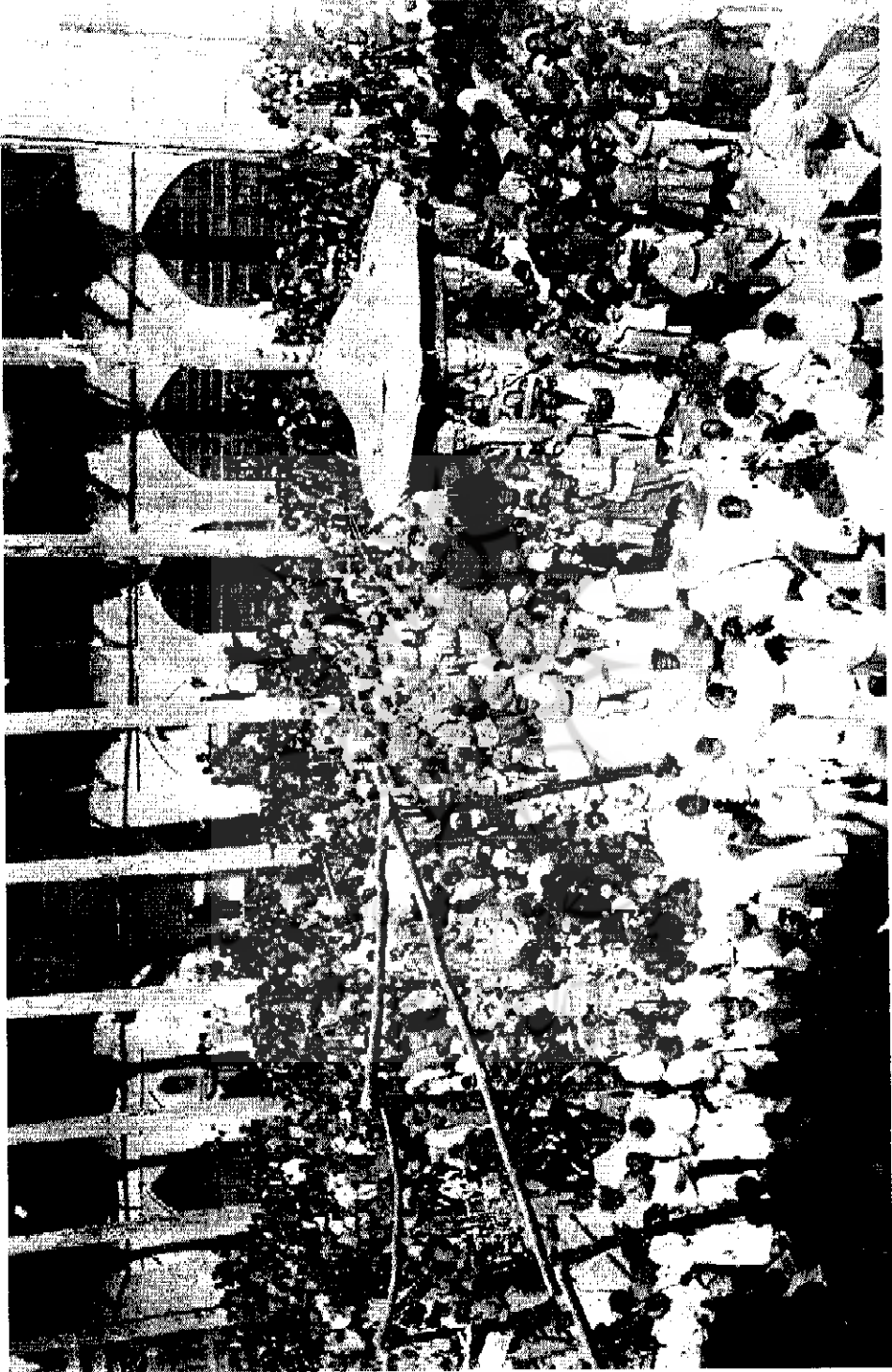
بک گروه تمزیدخوان هنگام اجرای تمزید | ۲۶۹-۲۶۲ ط





دسته در اویش در روز عاشورا | ۳۲۲-۲

مراسم عزاداری تراق‌ها | ۱۱-۵۳۸۶



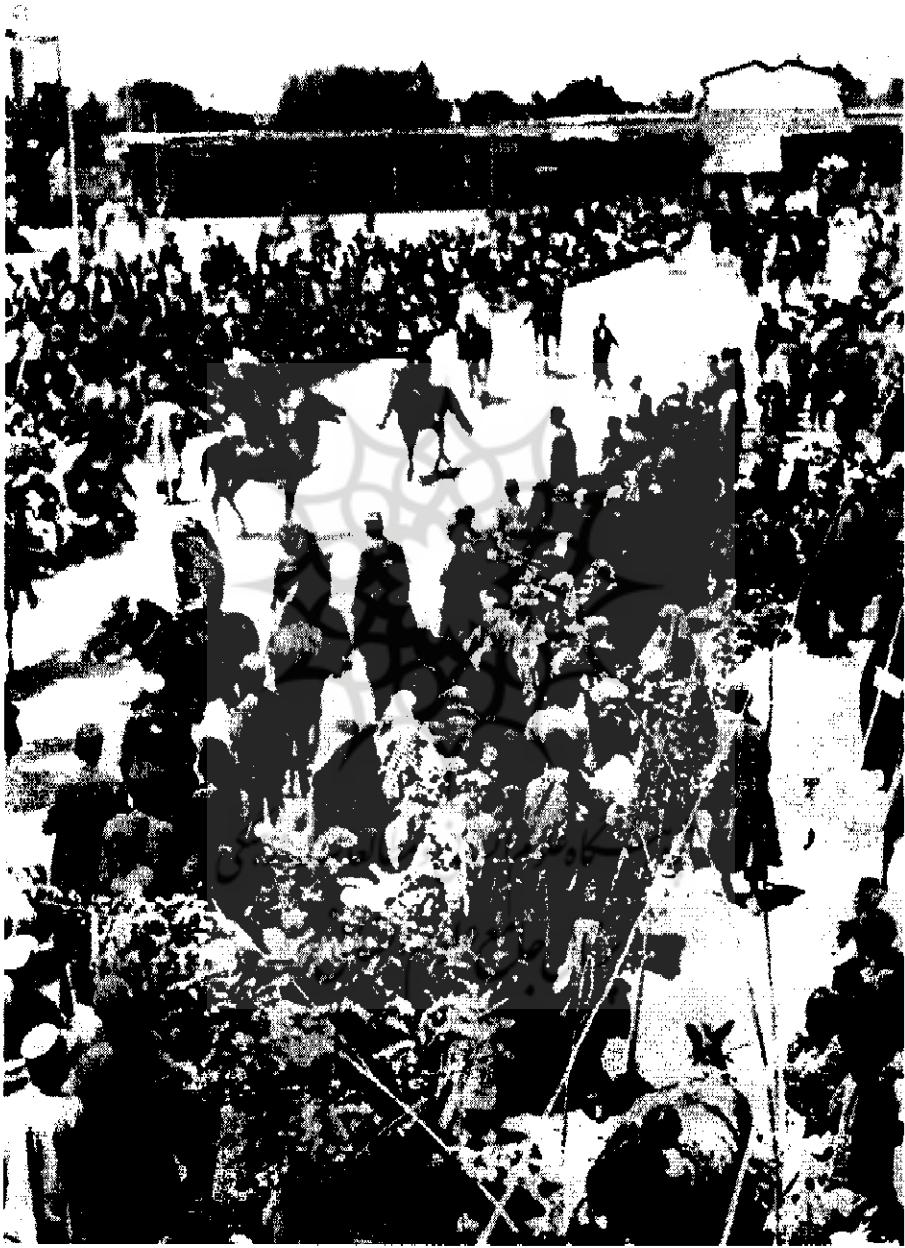




مراسم عزاداری و سینه‌زنی قزاق‌ها | ۱-۵۳۸۷

خادر مخصوص مزاداری، نظام در ماه مهرم در اول دوره قاجاریه - ۱۲۳۴-۱۲۳۵





مراسم تعزیه‌خوانی و عزاداری در ایام محرم در اواخر دوره قاجاریه [ ۱۲۴-۲۴۷ ط ]



سینه‌زنی و عزاداری سربازان در ایام ماه محرم در سالهای اولیه پس از کودتای ۱۲۹۹ | ۳-۲۳۳۷

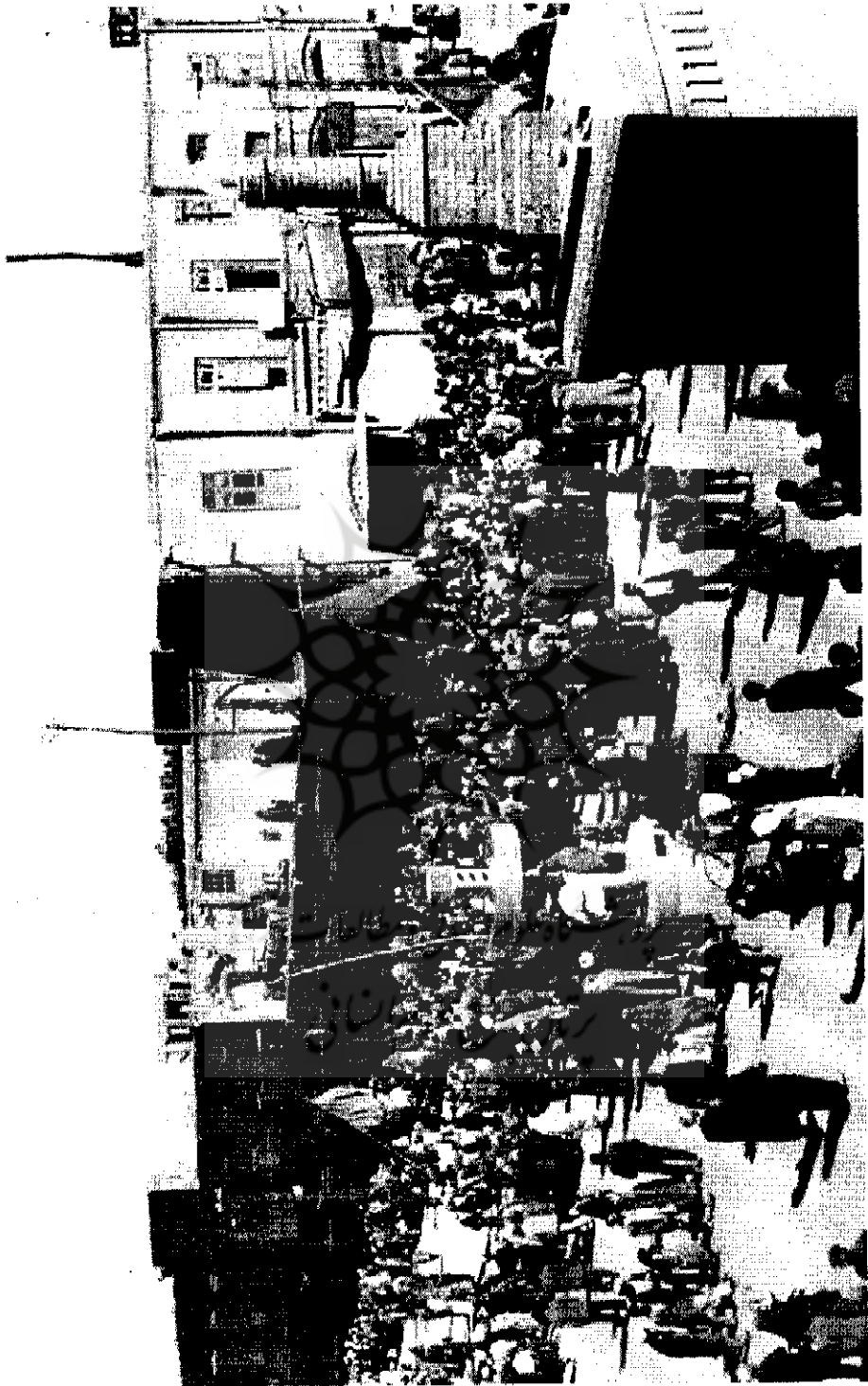


گوشه‌ای از عزاداری مردم تهران در ایام محرم در سالهای اولیه پس از کودتای ۱۲۹۹ | ۳-۲۳۴۲



عزاداری نیروهای فشن در دوره نخست وزیری رضاخان | ۲۳۵۰-۳

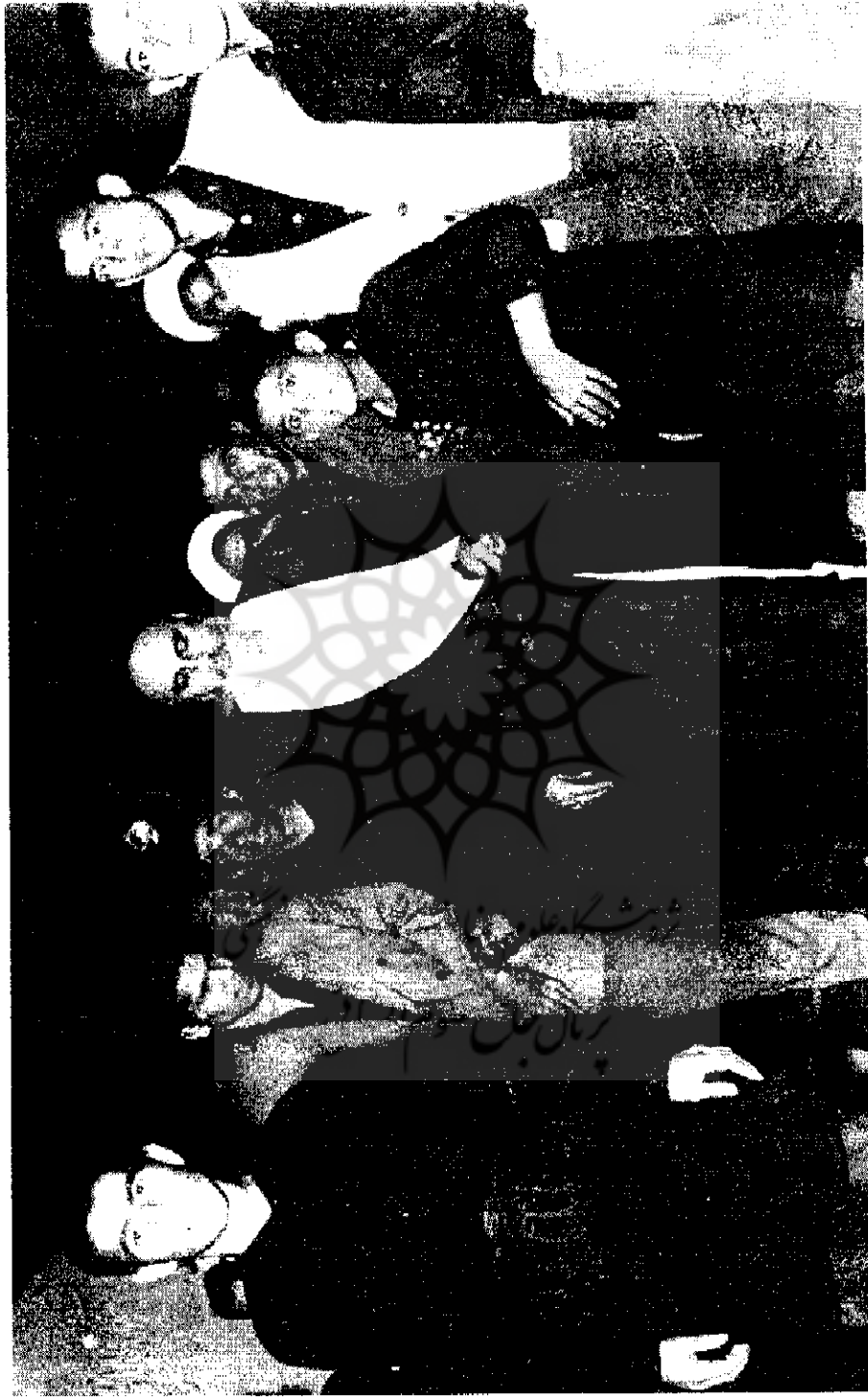
عزاداری مردم یکی از شهرهای ایران هنگام محرم | ۳۸۸-۱۳۴۴ ط



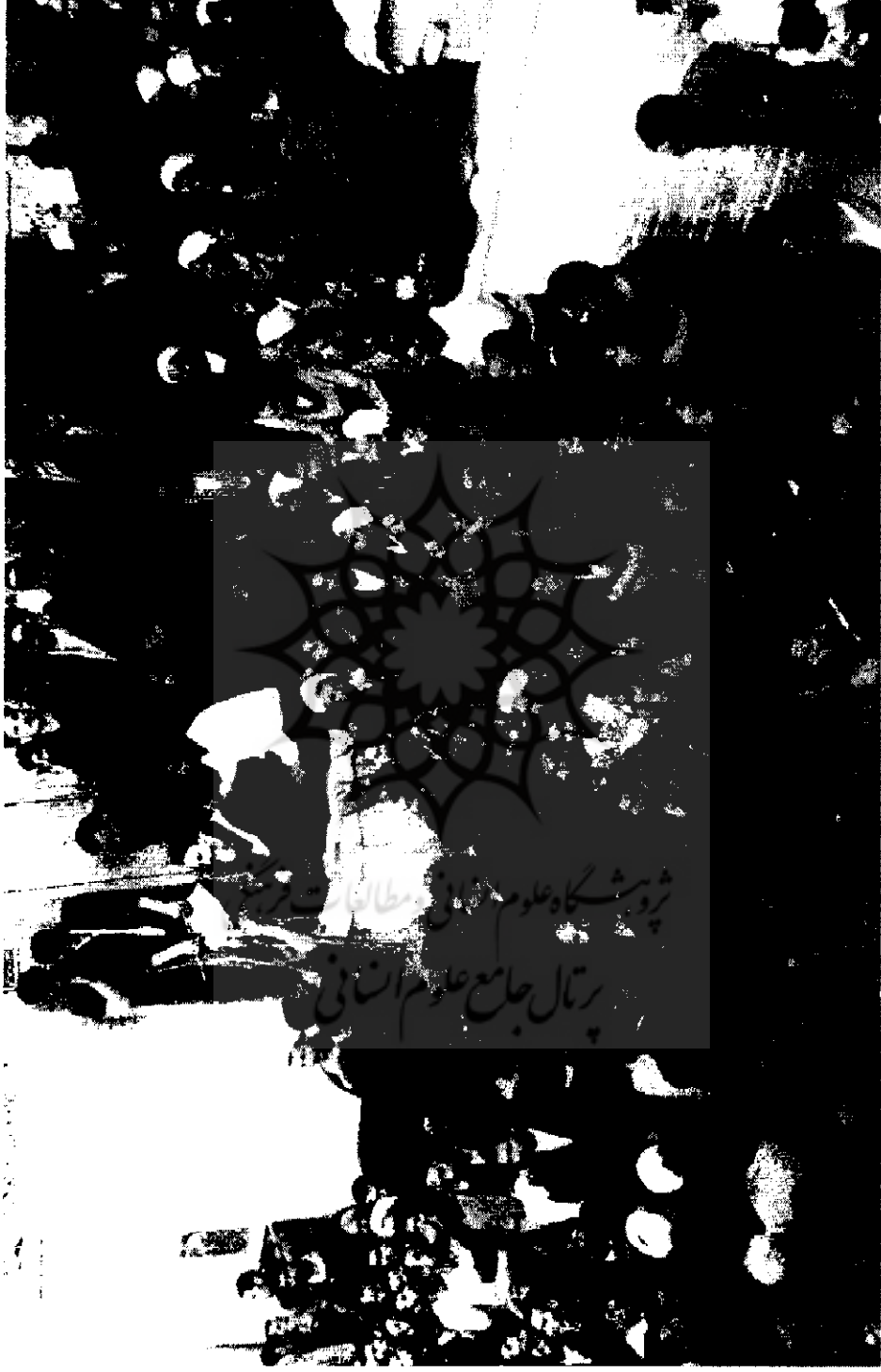


دسته سینمایی در ایام محرم | ۳۲۲-۳۲۴ ط

شرکت امام خمینی در هیئت‌های مذهبی محلات قم محرم ۱۳۸۳ق - ۱۳۴۲ش: انعکاس از آرشیو حجة الاسلام سید حمید روحانی







سخنرانی امام خمینی در عصر عاشورای ۱۳۸۳ ق - ۱۳۴۲ ش در مدرسه فیضیه [عکس از آرشیو حجة الاسلام سید حمید روحانی]

امام خمینی و مرحوم الشراقی پس از آزادی امام از زندان فروردین ۱۳۴۳ | عکس از آرشیو حجة الاسلام سید حمید روحانی

